

بسم الله الرحمن الرحيم

نسیم قدس

ماهنامه

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف
شماره ۸۵ / اردیبهشت ۱۳۸۸



سخنرانی رئیس جمهور در اجلاس بازنگری دوربان

صاحب امتیاز:

مؤسسه فرهنگی حامیان آزادی قدس

مدیر مسئول:

احمد سروش نژاد

سر دبیر:

محمد باقر شمسی پور

همکاران این شماره:

محمدتقی تقی پور - شمس الدین رحمانی

مجید صفاتاج - محمد طیب - اکبر علیزاده اعتمادی -

قاسم غفوری

طراح و صفحه آرا: امیر خلیلی فرد

ویراستار: ثریا جهانبانی

چاپ: راوی

توزیع: موسسه فرهنگی مطبوعاتی راه زندگی

نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۹۳۴-۱۱۱۵۵

تلفن: ۴-۶۶۹۷۷۹۰۳

نمبر: ۶۶۴۱۸۱۴۳

نشانی اینترنتی:

WWW.hamyanequds.ir

پست الکترونیک:

hamyanequds.ir@info

حرف اول / ۲

مسئله فلسطین و مقتضیات زمان ما / ۳

صهیونیسم جهانی؛ مظهر تمام عیار نژادپرستی / ۶

زخم عمیق / ۸

اعتماد راسخ به ملت عزیز ایران / ۱۰

هولوکاست؛ مظلومیت دروغین / ۱۴

سرنوشت اسرائیل از منظر نخبگان اسرائیلی - یهودی / ۱۶

انتفاضه‌ای برای جهان اسلام / ۲۰

سلطنت پهلوی و اسرائیل / ۲۲

وضعیت نظامی حماس / ۲۶

نتانیا هو کیست؟ / ۲۸

معرفی کتاب / ۲۹

تلمود / ۳۰

مساجد حماس در مقابل کازینوهای فتح! / ۳۲

معرفی شخصیت‌های ضد صهیونیستی / ۳۴

آیا «سفرنامه ناصر خسرو» جعلی است؟ / ۳۶

شعر مقاومت / ۳۸

نارگیل دریایی / ۴۰

فلسطین در گذر تاریخ / ۴۲

روی خط خبر / ۴۴

بیانیه جمعیت / ۴۶

جدول / ۴۷

- از همه علاقه مندان به موضوع آزادی قدس شریف به ویژه اعضای جمعیت دعوت می شود مقاله، داستان، شعر و هر گونه مطلبی را که برای انتشار مناسب تشخیص می دهند، به نشانی صندوق پستی نشریه ارسال کنند.
- نسیم قدس در انتشار و ویرایش مطالب آزاد است و آثار رسیده پس فرستاده نمی شود.
- نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع آزاد است.

اجلاس بازنگری دوربان

جوانان متحدالشکل، اجلاس بازنگری دوربان را مسخره‌بازی توصیف می‌کردند و سعی در ایجاد تشنج در جلسات داشتند.

حضور تعدادی از سازمان‌های غیردولتی از ایران از جمله برخی از مسئولان جمعیت حامیان آزادی قدس شریف و تلاش در جهت تاثیرگذاری و ارتباط‌گیری با حاضران از کشورهای مختلف نیز جلوه ویژه‌ای به اجلاس داده بود.

محدودیت‌های برنامه‌ریزی شده، امکان تحرک و ارتباط‌گیری سازمان‌های غیردولتی ایرانی را به حداقل رسانیده بود، اما درنهایت باید گفت:

اجلاس بازنگری دوربان، هرچند در بخش سند، دستاورد درخور توجهی برای جبهه مقاومت نداشت و متأسفانه بندهایی از سند آن که مربوط به حقوق حقه فلسطینیان بود، با همدستی نمایندگان تشکیلات خودگردان و ابومازن حذف گردید، اما در عرصه دیپلماسی عمومی بار دیگر تاثیرات ویژه خود را نشان داد. به ویژه سخنان رئیس‌جمهور اسلامی ایران و رفتار چند صهیونیست حاضر در جلسه، بار دیگر توجه افکار عمومی جهان را به مسئله فلسطین و مظلومیت این ملت و خوی نژادپرستانه حامیان رژیم صهیونیستی جلب نمود.

بسیاری از حاضران در اجلاس در گفتگوهای خصوصی خود معتقد بودند که اگر سخنرانی رئیس‌جمهور اسلامی ایران نبود، درحقیقت اجلاس بازنگری دوربان، اجلاسی بود که قبل از شروع به کار توسط دست‌های پیدا و پنهان از اهداف و برنامه‌های اصلی خود دور شده و به نحوی از محتوا تهی گردیده بود.

والسلام

مدیرمسئول

(اجلاس تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و نابرابری‌های مشابه) در حالی برگزار شد که از مدت‌ها پیش رژیم صهیونیستی و برخی حامیان آن را به دلیل اینکه سیاست‌های این رژیم را مورد انتقاد قرار می‌دهد، تحریم کرده بودند.

اسرائیل، آمریکا، کانادا، استرالیا، ایتالیا، آلمان، سوئد، لهستان از جمله این تحریم‌کنندگان بودند.

این در حالی است که صهیونیست‌ها ضمن تحریم این اجلاس در سطح دولتی با تمام قوا و از طریق سازماندهی تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی فعال در سرزمین‌های اشغالی و دیگر نقاط جهان، بویژه کشورهای اروپایی در تمامی برنامه‌های اجلاس حضوری فعال داشتند.

حضور در سالن اصلی اجلاس که محل سخنرانی مقامات دولتی بود، حضور در نشست‌های جانبی با موضوعات مختلف که به صورت روزانه برگزار می‌شد و فعالیت سازمان‌های صهیونیستی مشهوری همچون «سایمون ویزنتال» نشان دهنده آن بود که آنها برای وضعیتی که از طریق تحریم کنفرانس نتوانند به اهداف خود برسند نیز برنامه داشتند. حضور جوانان یهودی با مشخصه کلاه یهودی «کیپا» و لباس‌های تقریباً یک شکل دختران و پسران جوان حاکی از برنامه‌ریزی طولانی آنان داشت.

در جلسات جانبی از وجود شخصیت‌های سیاسی مشهوری همچون الی ویزل، ناتان شارانسکی و هنرپیشه‌های هالیوودی نیز بهره کافی را بردند.

به‌رغم مقررات وضع شده توسط برگزارکنندگان مبنی برنام نبردن از کشورها، له یا علیه، در تمام نشست‌های جانبی که توسط صهیونیست‌ها برگزار گردید، از ایران و رهبران آن و گروه‌های مقاومت نام برده و سخنانی به گزاف گفته شد.

ضرورت شناخت

جایگاه والای عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی از یک سو و ارزش و اعتباری که حسین (ع) به آن داد از سوی دیگر، ضرورت بازشناسی این اصل را به همه مسلمانان به ویژه شیعیان آل علی (ع) گوشزد می‌کند. شهید مطهری خود در این باره چنین تذکر داده است:

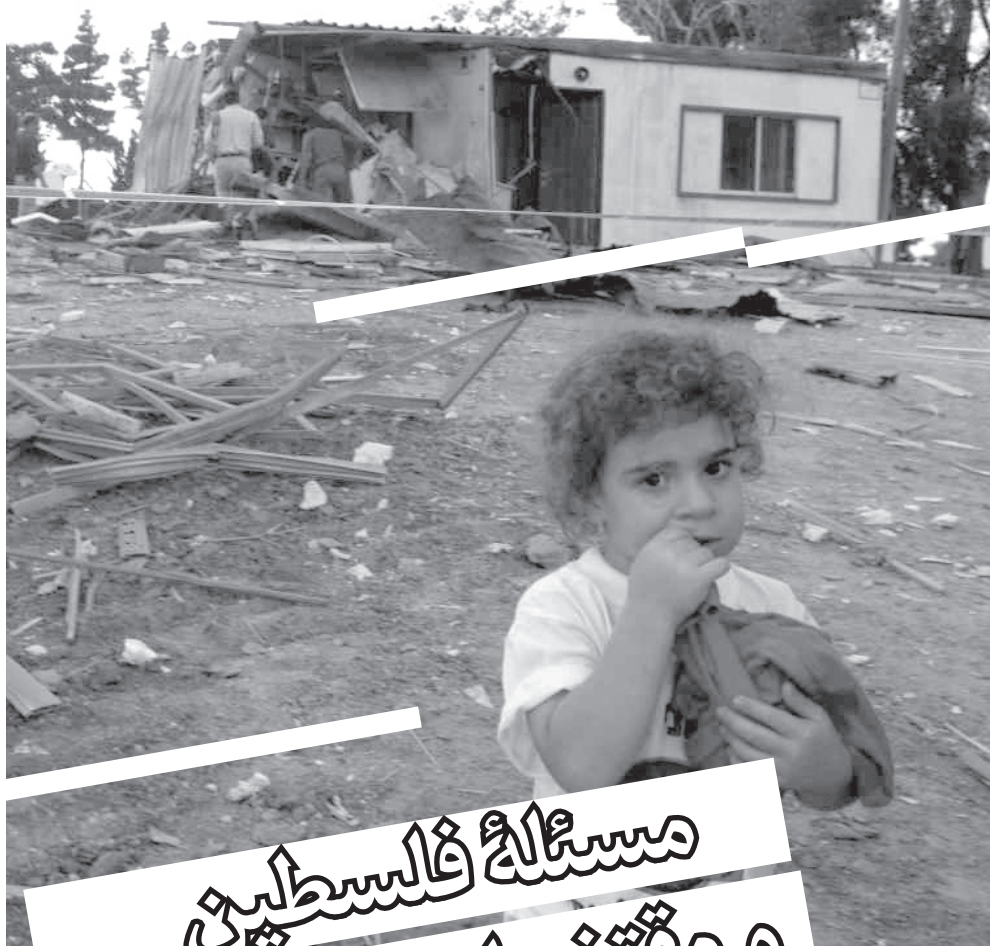
«ما باید امر به معروف و نهی از منکر را از نظر اسلام بشناسیم که این چه اصلی است؟ این چیست که آن چنان اصالت و قدرت دارد و آن چنان از نظر اسلام ماهیت دارد که مردی مانند حسین بن علی (ع) را وادار می‌کند که در راه آن جان خویش را از دست بدهد، خون خود را بریزد، خون عزیزان خود را بریزد و تن به فاجعه‌ای بدهد که واقعاً در دنیا کم نظیر است.»

براساس دیدگاه علامه شهید مرتضی مطهری، بصیرت و آگاهی، گام اصلی و شرط اساسی در عنصر امر به معروف و نهی از منکر است: «این وظیفه بزرگ (امر به معروف و نهی از منکر) دو رکن و دو شرط اساسی دارد. یکی از آنها رشد، آگاهی و بصیرت است. از شما می‌پرسم: اصلاً من و شما می‌فهمیم که امر به معروف و نهی از منکر چیست و چگونه باید انجام شود؟ تا حالا که امر به معروف و نهی از منکرهای ما اطراف دکمه لباس و بند کفش مردم بوده است؛ در حول و حوش موی سر و دخت لباس مردم بوده است! ما اصلاً معروف می‌شناسیم که چیست؟ منکر می‌شناسیم که چیست؟»

روح و هدف

استاد شهید مرتضی مطهری، پس از تبیین جایگاه و عنصر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و نیز ضرورت بازشناسی درست آن، درباره ابعاد، گستره، روح و هدف اصل مزبور، چنین تفسیر فرموده‌اند:

«معروف و منکر از نظر اسلام محدود به حد معینی نمی‌شود. تمام هدف‌های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی داخل در منکر است و اگر چه در امر به معروف و نهی از منکر تعبیر امر و نهی است، ولی با توجه به قرائنی که از خود قرآن کریم می‌توان استنباط کرد و به نص احادیث قطعی اسلامی از مسلمات



مسئله فلسطین و مقتضیات زمان ما

براساس اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری
بخش اول / محمد تقی تقی‌پور

مقدمه

استاد شهید مرتضی مطهری، ارزشمندترین و مؤثرترین عامل در نهضت حسینی را عنصر امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند. از دیدگاه شهید مطهری، نه فقط «عنصر امر به معروف و نهی از منکر، به نهضت حسینی ارزش داد»، بلکه حسین هم از منکر، نهضت حسینی را بالا برد، ولی حسین (ع) این اصل را به نحوی اجرا کرد که شأن این اصل (در جهان اسلام) بالا رفت، یک تاج افتخار بر سر اصل امر به معروف و نهی از منکر نهاد.»



فقه اسلامی ماست و تاریخ اسلامی ما بدان گواهی می‌دهد، مقصود از آن تنها امر و نهی لفظی نیست، بلکه مقصود استفاده کردن از هر وسیله مشروع برای پیشبرد هدف‌های اسلامی است. پس اگر بخواهیم روح امر به معروف و نهی از منکر را با ترجمه و تعبیر فارسی خودمان بیان کنیم، باید بگوییم؛ لزوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی.»

مقتضیات زمان

نتیجه‌ای که مباحث مزبور به دست می‌دهد، این است که پس از درک درست جایگاه و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و شناخت روح، ابعاد، گستره و هدف آن؛ تکلیف جامعه اسلامی مطابق مقتضیات زمان نیز در برابر این اصل مهم، باید تبیین و دانسته شود. استاد شهید مرتضی مطهری، دیدگاه خود را در این باره چنین ابراز فرموده‌اند:

«ما بنشینیم اینجا و بگوییم عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی یکی عامل بزرگ که حسین (ع) را به حرکت واداشت، او را از جا تکان داد، امر به معروف بود. حسین بن علی (ع) به امر به معروف و نهی از منکر ارزش داد؛ اسلام برای امر به معروف و نهی از منکر ارزش درجه اول قایل است، یعنی آن را یکی از ارکان تعلیمات خودش می‌داند، اگر این رکن نباشد، سایر تعلیمات نمی‌توانند کار کنند؛ اینها درست، ولی ما چه کار کنیم؟ آیا ما داریم از گذشته صحبت می‌کنیم؟ یا گذشته برای آینده است؟ آینده و گذشته را باید به یکدیگر مربوط و متصل کرد. از نهضت حسینی در همین زمینه باید استفاده کرد: مردم را آگاه نمود، ببینید چه می‌کنند؟ چگونه تبلیغ می‌کنند؟ چگونه کتاب می‌نویسند و چگونه باید بنویسند؟ درباره چه مسائلی باید فکر کنند و درباره چه مسائلی حساسیت دارند؟»

ببینیم علی بن ابی طالب (ع) و حسین بن علی (ع) روی چه مسائلی حساسیت داشتند، ما هم روی همان مسایل حساسیت نشان دهیم. چرا آنها روی مسائلی حساسیت نشان می‌دهند و ما روی مسایل دیگر؟»

مصادیق در دنیای معاصر

شهید مطهری، پس از ذکر و بررسی این مقدمات،

سعی نموده تا جامعه اسلامی و بلکه امت اسلامی را با مصادیق معروف و منکر در دنیای معاصر آشنا سازد و از این طریق با هر گونه کج فهمی و کوتاه نظری در این مسیر مبارزه نماید. زیرا از دیدگاه آن شهید، شناخت درست و دقیق مصادیق معروف و منکر در جهان امروز، موجب خواهد شد تا مسلمانان به دور از هرگونه کج روی‌ها و انحرافات، تکلیف خود را بهتر و بیشتر بشناسند. آن شهید بزرگوار با اعلام صریح و شجاعانه مواضع و دیدگاه خود، مصادیق بارز معروف و منکر در جهان معاصر را چنین تبیین و تشریح فرموده است:

«اگر پیغمبر اسلام زنده بود، امروز چه می‌کرد؟ و درباره چه مسئله‌ای می‌اندیشید؟ والله و بالله قسم می‌خورم که پیغمبر اکرم (ص) در قبر مقدسش از یهود می‌لرزد. این یک مسئله دو دوتا چهارتاست، اگر کسی نگوید، گناه کرده است. من اگر نگویم والله مرتکب گناه شده‌ام و هر خطیب و واعظی اگر نگوید مرتکب گناه شده است.»

استاد شهید مرتضی مطهری در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی، مطابق سال ۱۳۹۰ هجری قمری، یعنی حدود چهل سال پیش، در اوج دوران استبداد شاهنشاهی، زمانی که ایادی صهیونیسم بر ایران حاکمیت بلامنازع و کامل داشتند؛ به تبعیت

از آغاز اولین تهاجم و
یورش مهاجمان یهود به
فلسطین، تاکنون صدها
هزار مسلمان فلسطینی به
طرز وحشیانه‌ای به خاک
و خون کشیده شده و یا از
آن سرزمین اخراج و آواره
شده‌اند.

از مقتدای خویش، خمینی عزیز (ره)، حمایت از آرمان فلسطین و مقابله با خطر یهود را، به ترتیب، مصادیق آشکار معروف و منکر معرفی کرده و آن را سرلوحه فعالیت و حرکت خویش قرار داده بود. زیرا امام خمینی (ره) پرچمدار بزرگ نهضت اسلامی نیز بزرگ‌ترین خطر وارده بر اسلام را از ناحیه «یهود» می‌دانست. به طوری که فرموده بود:

«حالا که خطر بر اسلام وارد شده است و آن خطر یهود است.»

«آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی‌امیه نیست.»

مسئله فلسطین

سرزمین فلسطین از دوران صدر اسلام، به مدت بیش از ۱۳ قرن (جز قریب یک سده که تحت تاخت و تاز صلیبیان صهیونی صفت قرار داشت) همواره در اختیار مسلمان بود و پیروان همه فرق و ادیان در کنار مسلمانان، بی هیچ مانع و مشکلی، در کمال آرامش زندگی می‌کردند. اما حدود یک قرن و نیم پیش، زمره‌ها، دسیسه‌ها و توطئه‌هایی در عرصه جهانی در مسیر اشغال این سرزمین اسلامی شکل و نضج گرفت تا آنکه به جنگ جهانی اول و تلاشی امپراتوری عثمانی و اشغال فلسطین توسط قوای متفقین و لشکر انگلیس، تحت فرماندهی یک ژنرال یهودی به نام «آلنی»، با همکاری و مساعدت گسترده لژیون به اصطلاح عرب، تحت فرماندهی «فیصل بن شریف حسین» با هدایت سازمان‌های مخفی و پشت پرده ماسونی - صهیونی منجر گردید. جامعه اتفاق ملل لایحه قیمومیت انگلیس بر فلسطین را تصویب کرد و یکی از وزیران یهودی کابینه بریتانیا به نام هربرت سموئیل به عنوان کمیسر عالی سرزمین اسلامی فلسطین منصوب و به آن منطقه اعزام شد. با این زمینه سازی‌ها، اشغال تدریجی فلسطین از سوی اشغالگران صهیونیست از یک سو و انتقال و کوچ گسترده یهودی‌های ممالک مختلف جهان به فلسطین از سوی دیگر، سرعت و شدت یافت. در سال ۱۹۴۷ م / ۱۳۲۶ ش، مجمع عمومی سازمان ملل با هدف ایجاد دو دولت یهودی و فلسطینی، قطع‌نامه ۱۸۱ را تصویب و سرزمین فلسطین را به دو منطقه یهودی و عربی تقسیم کرد. به دنبال



سلطنت کرده‌اند. تاریخ را بخوانید؛ در تمام این مدت دو سه هزار ساله، چه زمانی بوده است که سرزمین فلسطین به یهود تعلق داشته است؟ چه هنگام بوده است که بیشتر سرزمین فلسطین از آن یهود باشد؟ آیا بیشتر سرزمین فلسطین از آن ملت یهود است؟ قبل از اسلام هم مال آنها نبود، بعد از اسلام هم مال آنها نبود. روزی که مسلمین فلسطین را فتح کردند، فلسطین در اختیار مسیحی‌ها بود، نه در اختیار یهودی‌ها و اتفاقاً مسیحی‌ها با مسلمین صلح کردند، یکی از موارد که در صلح نامه گنجانده این بود که شما یهود را در اینجا راه ندهید. گفتند ما با شما زندگی می‌کنیم، ولی با یهود زندگی نمی‌کنیم. چه طور شد که یک دفعه نام وطن یهودی به خود گرفت؟»

موضوع مهم دیگری که شهید مطهری بر آن تأکید داشتند، ارتباط نداشتن نژادی بسیاری از یهودی‌های جهان با قوم بنی‌اسرائیل است: «صهیونیست‌ها یعنی یهودیانی که ده ها قرن در گوشه‌های دیگر دنیا زندگی می‌کردند و از نژادهای دیگر بودند. من خودم فکر می‌کردم که یهودیان موجود، همه از نسل اسرائیل‌اند. حالا می‌بینیم تاریخ تشکیک می‌کند؛ می‌گوید این حرف دروغ است. بسیاری از یهودی‌ها اصلاً از نسل اسرائیل نیستند؛ جامع مشترکشان فقط مذهب است و بس. حتی نژادشان هم خالص نمانده است.»

اسناد و داده‌های تاریخی نیز این دیدگاه استاد شهید مطهری را مورد تأیید قرار داده‌اند. آرتور کستلر یهودی معتقد است: اکثریت یهودیان امروز جهان از تبار خزران بت پرستی هستند که بین قرون هفتم تا دهم میلادی (حدود دویست سال) در مناطقی بین قفقاز و ولگا، حکومتی تحت عنوان خزر یا خزران داشتند. به گفته کستلر یهودی، این جماعت ابتدا از آیین شمنی، یعنی نوعی بت پرستی پیروی می‌کردند، لیکن بعدها به دلیل یک سلسله اغراض سیاسی، به یهودیت گرویدند و پس از انقراض پادشاهی خزران، به مناطق مختلف جهان به ویژه اروپا کوچ کردند.

ادامه دارد

**کشتار وحشتناک کودکان
و زنان و دختران دهکده
فلسطینی دیر یاسین و
مردم بی دفاع کفر قاسم،
صبرا و شتیلا و ...
نمونه‌هایی از جنایات
اشغال‌گران در این سرزمین
است**

منطقی، تاریخی، حقوقی و در عین حال بسیار کوتاه و زیبا در پاسخ به ادعای موهوم یهود، ثابت می‌نمایند که فلسطین متعلق به این جماعت نبوده و زندگی چند ده ساله قوم بنی اسرائیل، آن هم در چند هزار سال قبل، نه فقط حقی نمی‌آفریند که خود به خود خط بطلانی است بر ادعای موهوم و توجیهات دروغین صهیونیان. پاسخ شهید مطهری در این باره چنین است:

«گذشته از جنبه اسلامی، فلسطین چه تاریخچه‌ای دارد؟ قضیه فلسطین مربوط به دولتی از دولت‌های اسلامی هم نیست؛ مربوط به یک ملت است، ملتی که او را به زور از خانه‌اش بیرون کرده‌اند. تاریخچه فلسطین چیست؟ مدعی هستند که سه هزار سال پیش، دو نفر از ما [بنی اسرائیل] (داود و سلیمان) برای مدت موقتی در آن جا

این تحرکات در ماه مه ۱۹۴۸ م/ اردیبهشت ۱۳۲۷ ش. تأسیس رژیم نامشروع «اسرائیل» از سوی بن گوریون یکی از رهبران صهیونیسم، به طور علنی و رسمی اعلام شد. این رژیم تازه تأسیس یافته فوراً از سوی آمریکا، انگلستان، شوروی و چندی بعد سازمان ملل متحد، به رسمیت شناخته شد. از آغاز اولین تهاجم و یورش مهاجمان یهود به فلسطین، تاکنون صدها هزار مسلمان فلسطینی به طرز وحشیانه‌ای به خاک و خون کشیده و یا از آن سرزمین اخراج و آواره شده‌اند. کشتار وحشتناک کودکان و زنان و دختران دهکده فلسطینی دیر یاسین و مردم بی دفاع کفر قاسم، صبرا و شتیلا و ... نمونه‌هایی از جنایات اشغال‌گران در این سرزمین است، زیرا در اولین تهاجم و تقابل رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی در سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ش، مهاجمان یهود قریب پانصد شهر، روستا و آبادی فلسطینی را منهدم و با خاک یکسان نمودند و از نقشه جغرافیا محو کردند و قریب یک میلیون فلسطینی را قتل عام و یا از آن سرزمین اخراج و آواره و راهی کشورها و ممالک عربی هم جوار ساختند.

اوهام اسرائیلی

آنچه در این مقوله گفتنی است؛ دلایل و توجیهات صهیونیست‌ها در اشغال فلسطین است که مدعی‌اند این سرزمین چند هزار سال پیش متعلق به قوم بنی اسرائیل بوده و صهیونیست‌های امروز به عنوان وارثان آن‌ها حق دارند که با هر وسیله و شیوه، این خطه را از وجود اعراب مسلمان خالی کنند و آن را به تصرف خود درآورند. استاد شهید مرتضی مطهری با بیانی مستدل،

● گرد آمده‌ایم تا در ادامه کنفرانس مبارزه با نژادپرستی دوربان با بررسی اوضاع کنونی، راهکارهای عملی را در این مبارزه مقدس و انسانی جست و جو کنیم.

● شورای امنیت را که از موارث جنگ‌های جهانی اول و دوم است ببینید، آنان با چه منطقی برای خود امتیاز و توافقی داشتند؛ این منطق با کدام ارزش انسانی و الهی سازگار است؟ با عدالت؟ با برابری در برابر قانون؟ با کرامت انسانی یا با تبعیض، بی‌عدالتی، نقض حقوق انسانی و تهدید اکثریت ملت‌ها و کشورها؟ این شورا عالی‌ترین و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در صلح و امنیت جهانی است. وقتی تبعیض قانونی وجود داشته باشد و منشأ قانون به جای عدالت و حق، زور و قدرت باشد چگونه می‌توان انتظار عدالت و صلح داشت. قدرت‌طلبی و خودپرستی منشأ نژادپرستی، تبعیض، تجاوز و ظلم است. اگرچه امروز بسیاری از نژادپرستان هم در

شورای امنیت این حکومت غاصب را تثبیت و در طول شصت سال از آن دفاع کرد و دست غاصبان را برای هر نوع جنایتی باز گذاشت

آیا حمله به عراق با طراحی صهیونیست‌ها و هم‌پیمانان آنان در هیات حاکمه وقت آمریکا که از یک طرف به صندلی قدرت تکیه زده‌اند و از طرفی صاحبان شرکت‌های تولید سلاح هستند، نبوده است؟

حرف و شعار نژادپرستی را محکوم می‌کنند اما وقتی چند کشور قدرتمند اجازه دارند بر مبنای تشخیص و منافع خود برای بقیه کشورها تصمیم‌گیری کنند به راحتی می‌توانند همه قوانین و ارزش‌های بشری را لگدمال کنند؛ چنان که کرده‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم به بهانه قربانی شدن یهودیان و سوءاستفاده از هولوکاست، با تجاوز و لشکرکشی یک ملت را آواره و عده‌ای را از اروپا و آمریکا و سایر کشورها به سرزمین آنان منتقل کردند و یک حکومت کاملاً نژادپرست را در سرزمین اشغالی فلسطین برپا کردند و درواقع به بهانه جبران صدمات نژادپرستی در اروپا خشن‌ترین نژادپرستان را در نقطه‌ای دیگر یعنی فلسطین حاکم کردند.

● شورای امنیت این حکومت غاصب را تثبیت و در طول شصت سال از آن دفاع کرد و دست غاصبان را برای هر نوع جنایتی باز گذاشت. از این بدتر آن که عده‌ای دولت‌های غربی و آمریکا خود را متعهد به دفاع از نژادپرستان نسل‌کش می‌دانند و در حالی که وجدان‌های پاک بشری بمباران، اشغال و آدم‌کشی و فجایعی که در غزه اتفاق افتاد را محکوم می‌کنند، از آن جنایتکاران حمایت می‌کنند. قبل از آن نیز در برابر همه رسوایی‌های این رژیم سکوت کرده یا حمایت کرده‌اند.

● منشأ جنگ‌های اخیر نظیر حمله آمریکا به عراق یا لشکرکشی گسترده به افغانستان چه بوده است؟ آیا غیر از خودخواهی دولت وقت آمریکا و فشار صاحبان ثروت و قدرت برای بسط نفوذ و سلطه، تامین منافع تولیدکنندگان سلاح، نابودی یک فرهنگ چند هزارساله، از بین بردن خطرات بالقوه و بالفعل کشورهای منطقه علیه رژیم اشغالگر قدس و چپاول منابع انرژی مردم عراق بوده است؟ به راستی چرا یک میلیون کشته و زخمی و چند میلیون نفر آواره شدند؟ به راستی چرا صدها میلیارد دلار خسارت بر مردم عراق و صدها میلیارد دلار هزینه لشکرکشی بر مردم آمریکا و متحدان او تحمیل شد؟ آیا حمله به عراق با طراحی صهیونیست‌ها و هم‌پیمانان آنان در هیات حاکمه وقت آمریکا که از یک طرف به صندلی قدرت تکیه زده‌اند و از طرفی صاحبان شرکت‌های تولید سلاح هستند، نبوده است؟ آیا با لشکرکشی

صهیونیسم جهانی؛ مظهر تمام عیار نژادپرستی
گزیده‌ای از سخنرانی رئیس‌جمهور در اجلاس بازنگری دوربان

۱۳۸۸/۱/۳۱



است که لازمه یا نتیجه آن بازگشت به ارزش‌های معنوی و اخلاقی و فضائل انسانی و خداگرایی است. جامعه جهانی باید در یک جریان فراگیر فرهنگی برای روشن‌گری هر چه بیشتر در برخی جوامع مبتلا و البته عقب‌مانده حرکتی جمعی را به انجام رساند و به سرعت این مظهر زشت و پلید را ریشه‌کن کند.

● امروز جامعه بشری با نوعی نژادپرستی مواجه است که زشتی ناشی از آن حیثیت انسان را در آغاز هزاره سوم به طور کلی مخدوش و جامعه جهانی را شرم‌منده کرده است. صهیونیسم جهانی مظهر تمام‌عیار نژادپرستی است که با توسل دروغین به دین کوشیده است تا با سوءاستفاده از عواطف دینی برخی از افراد بی‌اطلاع چهره زشت خود را پنهان کند اما آن چه باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد اهداف برخی قدرت‌های بزرگ و صاحبان منافع وسیع در جهان است که با استفاده از قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی و ابزار گسترده رسانه‌ای، مذبوحانه می‌کوشند با پشتیبانی همه‌جانبه از جنایات رژیم صهیونیستی از زشتی وجودی آن بکاهند؛ این جا مسئله اصلی جهل نیست و بنابراین نمی‌توان در مبارزه این پدیده شوم به کار فرهنگی بسنده کرد بلکه باید کوشید تا به سوءاستفاده صهیونیست‌ها و حامیان آنان از ابزار سیاسی بین‌المللی پایان داد و با احترام به خواست ملت‌ها عزم دولت‌ها را در راه ریشه‌کن کردن این نژادپرستی آشکار جزم کرد و شجاعانه در مسیر اصلاح مناسبات و سازوکارهای بین‌المللی گام نهاد.

● اکنون این مسئولیت عظیم فرهیختگان، دانشمندان و مسئولان در سراسر جهان است که با ایمان نسبت به این راه قطعی نقش تاریخی خود را ایفا کنند و اکنون می‌خواهم بر این حقیقت تاکید کنم که کاپیتالیسم غربی همانند کمونیسم از آن جهت به پایان راه خود رسیده است که جهان و انسان را آن‌گونه که هست ندیده و کوشیده است تا مسیر و مقصدی خودساخته را به بشریت تحمیل کند و به جای توجه به ارزش‌های انسانی و الهی، عدالت، آزادی، عشق و محبت و برادری، رقابتی سخت برای کسب منافع مادی فردی و گروهی را مبنای زندگی قرار دهد. ■

به افغانستان صلح و امنیت آسایش و رفاه به این کشور برگشت؟

● آمریکا و متحدان او حتی قادر به جلوگیری از تولید مواد مخدر نبودند و در دوره حضور آنان تولید آن چند برابر شده است.

● سوال اساسی این است که دولت وقت آمریکا و متحدان او چه‌کاره بودند؟ آیا نماینده ملت‌های جهان بودند؟ آیا برگزیده ملت‌ها هستند؟ آیا از مردم دنیا وکالت دارند که در همه جای جهان و البته بیش‌تر در منطقه ما دخالت می‌کنند؟ آیا این اقدامات، اشغال عراق و افغانستان از مصادیق خودخواهی و نژادپرستی و تبعیض و لگدمال کردن عزت و استقلال ملت‌ها نیست؟

● مسئولان اقتصاد بحران‌زده جهان چه کسانی هستند؟ بحران از کجا آغاز شده است؟ از آفریقا، از آسیا، یا ابتدا از آمریکا و سپس از اروپا و متحدان آنان؟

● ریشه اصلی نژادپرستی نفهمیدن حقیقت انسان به‌عنوان مخلوق برگزیده و انحراف از مسیر حقیقی زندگی بشر و ماموریت‌های آدمی در آفرینش است؛ غفلت از پرستش آگاهانه خدا و تفکر در فلسفه حیات و مسیر کمال انسان که از نتایج طبیعی آن پابندی به ارزش‌های الهی و انسانی است، موجب شد تا افق نگاه آدمی تنزل کرده و منافع محدود و زودگذر مبنای سنجش و اقدام او شود. بدین ترتیب هسته‌های قدرت شیطان صفت شکل گرفت و با حذف فرصت‌های عادلانه برای رشد دیگران بر دامنه توسعه خود افزود، چنان که در زشت‌ترین شکل ممکن به نژادپرستی افسار گسیخته‌ای تبدیل شد که اکنون به عنوان خطرناک‌ترین عامل، صلح جهانی را تهدید و راه تحقق زندگی مسالمت‌آمیز را سد کرده است.

● بی‌شک نژادپرستی را باید نماد جهالتی دانست به عمق تاریخ و نشانه‌ای از جمود و خمود در برابر رشد عمومی بشر، از این رو انتظار آن است که جلوه‌های نژادپرستی را در شرایط و موقعیت‌هایی جست و جو کنیم که فقر دانش و فقدان فهم در جامعه فراگیر باشد.

● بنابراین راه اصلی مبارزه با چنین مظاهری ترویج آگاهی‌های عمومی و تعمیق فهم عمومی نسبت به فلسفه وجودی آدم و حقیقت جهان انسان محور

امروز جامعه بشری با نوعی نژادپرستی مواجه است که زشتی ناشی از آن حیثیت انسان را در آغاز هزاره سوم به طور کلی مخدوش و جامعه جهانی را شرم‌منده کرده است



در سال‌هایی که وقایع فاجعه‌بار فلسطین جریان دارد، در حالی که مردم ما با شور اعتقادی و عرق اسلامی از صمیم دل طرفدار فلسطین و دشمن اسرائیلند، اما هرچند وقت یکبار سوالی یا خدشه‌ای شیوع پیدا می‌کند تا این جهت‌گیری همگانی را متزلزل کند و مورد سوال قرار دهد. هرچند به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم این سوال‌ها و خدشه‌ها بیشتر شده است چون از یکسونهضت‌پیداری و مقاومت فلسطینیان بیشتر و قوی‌تر و عمیق‌تر شده و خطر برای اسرائیل هر روز شدیدتر گشته است و از سوی دیگر عناصر منتقد یا مخالف جمهوری اسلامی راحت‌تر دامن فکر و دلشان را برای هر نغمه مخالف و هرائتقاد و

خدشه‌ای باز گذارده‌اند، حتی اگر در زمینه‌هایی بسیار واضح و کاملاً ریشه‌دار و فاجعه‌بار مثل موضوع فلسطین باشد. مثل اینکه:

- موضوع فلسطین به ما چه ربطی دارد؟
- این اهالی غزه که سنی هستند چه ربطی به ما که شیعه هستیم دارند؟ (حتی برخی گفتند اینها ناصبی هستند)
و...

جالب اینکه اولاً سرچشمه و مبدأ همه این سوال‌ها رادیو اسرائیل است و ثانیاً حرف تازه‌ای هم نیست. به طوری که حتی چهل سال قبل همین مطالب مطرح شده و فریاد شهید مطهری را هم در آورده بود.

در اینجا همین دو موردی را که ذکر شد از گفته‌های استاد شهید آیة‌الله مطهری عیناً نقل می‌کنیم و توصیه می‌کنیم مطلب کامل را در کتاب ایشان: «سیری در سیره ائمه اطهار(ع)»^۱ مطالعه فرمایید

«... افرادی بودند مثل عمروعاص و معاویه که علی و حکومت علی را می‌شناختند، هدف‌های علی را می‌دانستند، اما دنیاطلبی امانشان نمی‌داد. این طبقه زیرک منافق همیشه از این خشکه مقدس‌ها به‌عنوان یک تیر برای زدن هدف‌های خودشان استفاده می‌کردند، و این جریان همیشه در دنیا ادامه دارد. این مشکل بزرگ علی همیشه در دنیا هست، همیشه منافق هست، الانش هم والله معاویه و عمروعاص هست، در لباس‌های گوناگون، و همیشه این ملجم‌ها و خشکه‌مقدس‌ها و تیرهایی که ابزار دست شیطان‌ها می‌باشند هستند، همیشه آماده‌ها برای گول خوردن‌ها و تهمت‌زدن‌ها هستند که مثل علی را بگویند کافر شد، مشرک شد.

یک کسی درباره ابن‌سینا گفته بود که ابن‌سینا کافر است.

ابن‌سینا این رباعی را گفت:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود

محکم‌تر از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آن هم کافر

پس در همه دهر یک مسلمان نبود

هر چه دانشمند بزرگ تاکنون اسلام داشته، این خشکه مقدس‌ها می‌گویند این مسلمان نبوده، کافر بوده، این شیعه نبوده، مثلاً دشمن علی علیه‌السلام بوده. من یک جریانی را برای شما نقل بکنم، مسلمان‌ها بیدار باشید، از خوارج نهروان نباشید، تیر شیطان قرار نگیرید

روزی یکی از دوستان تلفن کرد: «آقا من خیلی تعجب می‌کنم، جریان خیلی عجیبی شنیدم. آقا این اقبال پاکستانی که شما جلسه جشن و یادبود برایش گرفتید این که می‌گویند در کتابش به امام جعفر صادق(ع) اهانت کرده و فحش داده» گفتم: این حرف‌ها چیست؟! گفت فلان صفحه از فلان کتاب را ملاحظه بفرمایید. گفتم خودت دیدی؟ گفت: «نه، یک آقای خیلی محترمی به من گفت». من تکان خوردم.

زخم عمیق



تعجب کردم از بعضی دوستان مثل آقای سعیدی - که دیوان اقبال را از اول تا آخر خوانده‌اند- که اینها چطور چنین چیزی را ندیده‌اند. به او گفتم اولاً صحبت یادبود و تجلیل نبود، صحبت سوژه قرار دادن بود، ما کسی را که تجلیل نکردیم اقبال بود، اقبال را سوژه قرار دادیم برای یک سلسله هدف‌های اسلامی، اگر حضور نداشته‌اید در کتابش که منتشر می‌شود خواهید دید. فوراً با جناب آقای سیدغلامرضا سعیدی تماس گرفتم و از ایشان پرسیدم. او هم حیرت کرد، گفت: نه آقا من خوانده‌ام، چنین چیزی نمی‌شود. گفتم آخر دروغ به این بزرگی که نمی‌شود یکی دو ساعت بعد یکوقت ایشان یادش افتاد، آمد گفت فهمیدم جریان چیست، جریان این است: دو نفر بوده‌اند در هندوستان یکی جعفر نام و یکی صادق نام. در وقتی که انگلیس‌ها آمدند هندوستان را احتلال کردند مسلمین علیه آنها قیام کردند، و این دو نفر رفتند با انگلیس‌ها ساختند و نهضت اسلامی را از پشت خنجر زدند و از بین بردند. اقبال این دو را در کتابش مذمت کرده. خیال می‌کنم هر کس اشتباه کرده همین باشد. گفتم حالا ببینیم. کتاب را آوردند. دیدم در آن صفحه‌ای که این آقایان می‌گویند، اینجور می‌گوید: هر جا که در دنیا یک خرابی هست در آنجا یا یک صادقی وجود دارد و یا یک جعفری. در دو صفحه قبلش می‌گوید:

جعفر از بنگال و صادق از دکن
 ننگ دین ننگ جهان ننگ وطن

جعفر بنگالی و صادق دکنی را می‌گوید. مگر امام جعفر صادق اهل بنگال یا دکن بوده؟! بعد هم ما تحقیق تاریخی کردیم، معلوم شد پس از آنکه انگلیس‌ها می‌آیند هندوستان را احتلال بکنند، دو سردار اسلامی شیعی یکی به نام سراج‌الدین و یکی به نام طیفو سلطان (ظاهراً سراج‌الدین در جنوب هندوستان و طیفو سلطان در شمال هندوستان) این دو نفر قهرمان بزرگ قیام می‌کنند (و اقبال این دو قهرمان شیعی را در حد اعلی ستایش می‌کند). انگلیس‌ها در دستگاه سراج‌الدین، جعفر را پیدا کردند، با او ساختند، او شریک دزد بود و رفیق قافله. در دستگاه طیفو سلطان هم صادق را درست کردند، او هم شد شریک دزد و رفیق قافله، و این هر دو آمدند از پشت خنجر زدند و نتیجه این شد که انگلیس‌ها سیصد سال استعمار خودشان را بر

هندوستان مستولی کردند. نتیجه این شده است که سراج‌الدین و طیفو سلطان نزد شیعه محترمند، چون هم شیعی هستند و هم قهرمان، نزد اهل تسنن محترمند چون قهرمان اسلامی هستند، نزد هندوها هم محترمند چون قهرمان ملی هستند، ولی این دو نفر دیگر خائن در نزد شیعه و سنی و هندوی هندوستان و پاکستان، و مردمانی مذموم، منفور و سمبل خیانت هستند.

هنوز که سه ماه از برگزاری آن مجلس یادبود گذشته است شاید کمتر روزی اتفاق می‌افتد که من مواجه نشوم با این سوال که آقا! این آقایی که شما شعرهایش در مدح امام حسین را می‌خوانید چرا به امام جعفر صادق فحش داده؟! و چیزی که اکنون در محافل غیراسلامی اسباب مضحکه شده است و من رنج می‌برم این است که در یک محافل غیراسلامی این قضیه منعکس شده است که اقبال پاکستانی، جعفر بنگالی و صادق دکنی را هجو کرده و مسلمان‌ها هر جا می‌نشینند می‌گویند اقبال به امام جعفر صادق فحش داده، عقل مسلمان‌ها را ببینید! آن وقت مادر مقابل این محافل غیراسلامی خجالت می‌کشیم که ببینیم مسلمان‌های ما سطح فکرشان این قدر پایین است.

معاویه هنگامی که پیک علی(ع) در شام بود، در حالی که روز چهارشنبه بود گفت اعلام نماز جمعه کنید. اعلام نماز جمعه کردند. در روز چهارشنبه

نماز جمعه خواند. احدی به او اعتراض نکرد. در خفا نماینده علی(ع) را خواست، گفت: «برو به علی بگو با صدهزار شمشیرزن به سراغ تو می‌آیم که چهارشنبه را از جمعه تشخیص نمی‌دهند. به علی بگو حساب کار خودت را بکن». حالا حسینی‌ها ارشاد گنجه‌کار شده است که یک روزی راجع به فلسطینی‌ها بحث کرده و گفته مردم! به فلسطینی‌ها کمک کنید. یک عده یهودی - که جاسوس‌های اسرائیل در این مملکت فراوانند و بسیاری از مسلمان‌های خودمان با کمال تاسف جاسوس آنها هستند - کینه برداشته‌اند با حسینی‌ها ارشاد و روزی نیست که علیه حسینی‌ها ارشاد شایعه درست نکنند. من از شما هیچ چیزی نمی‌خواهم جز اینکه بگویم چشمتان را باز کنید، تحقیق کنید، بدانید عناصر یهود در این مملکت - و در همه ممالک اسلامی - فراوانند، دست اینها، جاسوس‌ها و پول اینها مرتب دارد کار می‌کند. از خوارج نهروان نباشید، آخر تا کی ما می‌خواهیم به نام اسلام علیه اسلام شمشیر بزنیم؟! اگر ما از این درس‌ها پند نگیریم، پس از چه می‌خواهیم پند بگیریم؟ چرا ما هر سال می‌آییم جمع می‌شویم به نام علی مجلس می‌گیریم؟ چون علی زندگیش آموزنده است. یکی از نکات آموزنده زندگی علی(ع) همین مبارزه با خوارج است، مبارزه با خشکه مقدسی است، مبارزه با نفاق است، مبارزه با جهالت است، علی شیعه جاهل نمی‌خواهد، علی شیعه‌ای که حقه‌بازها و یهودی‌ها و جهودها بیایند شایعه درست کنند بگویند اقبال پاکستانی به امام جعفر صادقشان فحش داده، بعد مثل برق در میان این مردم ساری و جاری بشود که اقبال پاکستانی العیاذبالله ناصبی بوده - این مردی که مخلص اهل بیت پیغمبر است - و نروند کتابش را باز کنند یا اقلاً تاریخش را از سفارت پاکستان یا جای دیگر بپرسند، چنین شیعه‌ای را علی(ع) نمی‌خواهد و از او بیزار است. چشم‌هایتان را باز کنید، گوش‌هایتان را باز کنید هر حرفی را که می‌شنوید فوراً نگویند «می‌گویند چنین»، آخر این «می‌گویند»‌ها ریشه‌هایش یک جاهای خطرناک است، تحقیق کنید، بعد از تحقیق هر چه که می‌خواهید بینکم و بین‌الله بگویید، امای تحقیق حرفی را نزنید» ■

پی‌نوشت:

۱- انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۷، صص ۶۴ تا ۶۷.



گفتگو با مسئول دفتر حماس در ایران

اعتماد راسخ به ملت عزیز ایران



مدخل

در یکی از آخرین روزهای نیمه‌بارانی فروردین، براساس قرار قبلی به دیدار جناب دکتر اسامه عبدالمعطی مسئول دفتر جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» در تهران رفتیم تا با ایشان گفتگو کنیم. حدود ساعت ۱۰ صبح در دفتر ایشان بودیم و تا زمان اذان ظهر، گفتگویمان با ایشان ادامه داشت. هرچند گهگاه زنگ تلفن یا حضور کوتاه کارکنان دفتر رشته صحبت را قطع می‌کرد، ایشان با روی خوش و با طمأنینه به پرسش‌های ما پاسخ دادند. آنچه در پی می‌آید حاصل این گفتگوست.

ادامه داد چراکه سنگ‌بنای آن سالیان قبل پی‌ریزی شده بود و خیلی زود دیدیم که در عرصه‌های مختلف، نظامی، اجتماعی، سیاسی و حتی در بخش مردمی بسیار حرکت شتابانی داشت و الان بحمدالله این جنبش اولین جنبش مطرح در فلسطین است و دیدیم که چگونه مردم آن را انتخاب کردند تا در این برهه ملت فلسطین را راهبری کند. حماس نشان داد که آگاه و متصل به ریشه‌های اسلامی خود است. جنبشی است با تفکرات و اندیشه‌های اسلامی میانه‌رو. این جنبش تاکید دارد که فلسطین قضیه همه جهان اسلام است و همه مسلمانان موظفند به دفاع از آن و باتوجه به اینکه تهدیدات بسیاری متوجه امت اسلامی است؛ حماس معتقد است که همه ملل اسلامی باید متحد و یکپارچه در مقابل این تهدیدات بایستند. حماس همچنان جهاد و مقاومت را اصلی‌ترین و بهترین راهکار رهایی فلسطین می‌داند. حماس معتقد است که فلسطین تاریخی، از رود تا دریا و از رفح تا ناغوره، همه از آن امت اسلامی است و هیچ کس حق ندارد از آن چشم‌پوشد. بحمدالله امروزه حماس بیانگر و نماینده امیدها و آرزوهای امت اسلامی است و شاهد بودیم که چگونه مردم و ملل اسلامی درخلال این تهاجم ناکام ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه فلسطین و غزه در کنار

نسیم قدس: ضمن تشکر از شما برای پذیرش این مصاحبه، لطفا در ابتدا درباره سابقه و علل تاسیس جنبش حماس و اینکه چگونه جزیی از زندگی مردم فلسطین شده است بفرمایید.

دکتر عبدالمعطی: بنده هم از توجه همه برادرانی که در ایران به مسئله فلسطین توجه و اهتمام دارند، همچنین از مجله نسیم قدس سپاسگزارم. در پاسخ به این پرسش نمی‌شود گفت که جنبش حماس در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد، چون ریشه‌های این جنبش به قبل از آن، حتی حوالی سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد. دقیقاً در سال ۱۹۴۹ شاهد گشایش اولین شعبه اخوان‌المسلمین

در فلسطین بودیم. اخوان فلسطین در شرایط مختلف به فعالیت پرداخت و به این فعالیت ادامه داد تا تاریخ ۱۹۸۷/۱۲/۸ که انتفاضه اول آغاز شد و دقیقاً یک هفته پس از آن یعنی در تاریخ ۱۹۸۷/۱۲/۱۴ شاهد اعلام موجودیت رسمی جنبش مقاومت اسلامی حماس بودیم. به هر حال این گونه نیست که حماس در خلا و بدون سابقه و پیشینه تاسیس شده باشد. همان طور که گفتیم، حماس استمرار حرکت و جنبش اسلامی فلسطین یعنی اخوان‌المسلمین بود. به همین سبب خیلی قدرتمند تاسیس شد و به حرکت خود

این جنبش، جنبشی فراگیر است که به تمام خواسته‌های ملت عنایت و توجه خاصی دارد. جنبشی کاملاً مردمی و متصل به مردم که هدفش خدمت به ملت است

مردم فلسطین و بویژه در کنار جنبش مقاومت اسلامی حماس قرار گرفتند.

نسیم قدس: علت این رویکرد و اعتماد مردم به حماس، نه به عنوان یک سازمان، به عنوان یک تفکر آرمانی معتقد به ایستادگی در برابر ظلم و اشغالگری تا پای گذشتن از جان و مال چیست؟

دکتر عبدالمعطی: آنچه اتفاق افتاد این بود که حماس خواسته ملت فلسطین و مسئله فلسطین را به خوبی بازگو کرد و به دیگران نشان داد که مزدوران و ایادی رژیم صهیونیستی و آمریکا و مدعیان و طرفداران صلح برهه‌ای گذرا در تاریخ ملت فلسطین‌اند. مسئله فلسطین از ابتدا مسئله‌ای اسلامی است و براساس قواعد جهاد و مقاومت شکل گرفته است. از ابتدا، رهبران مقاومت مانند شهید شیخ عزالدین قسام(ره) و پس از آن حاج امین‌الحسینی(ره) که ایشان هم روحانی و مفتی قدس بود و همین طور شیخ عبدالقادر حسینی(ره)، اندیشه جهادی و مقاومت را در پیش گرفته بودند و ترویج می‌کردند و این روند ادامه داشت تا اینکه بیگانگانی با مسئله فلسطین وارد عمل شده و در برهه‌ای افکار و اندیشه‌های لائیک را ترویج و سپس اندیشه‌های خود را درخصوص عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و برقراری صلح ذلیلانه با این رژیم ترویج کردند که دیدیم چگونه براساس آن افکار، ۷۸ درصد از خاک فلسطین از دست رفت و تنها در مورد ۲۲ درصد باقیمانده به گفتگو و چانه‌زنی پرداختند که از آن هم تاکنون چیزی به دست نیامده و آنچه به دست آمده براساس مقاومت دلیرانه‌ای است که صورت گرفته، بنابراین باتوجه به آنچه گذشت، دور از ذهن و انتظار نیست که مردم به حماس روی بیاورند، چراکه این ملت همچون گذشته مسلمان، مجاهد و به حقوق حقه خود پایبندند و به خاک و مقدسات خود همچنان چنگ می‌زنند و از آن دفاع می‌کنند. وقتی مردم دیدند که حماس در پی تحقق این اصول و اهداف متعالی است به آن توجه و از آن حمایت کردند و پشت سر آن در حرکتند.

نسیم قدس: حرکت جنبش حماس مبتنی بر راهبرد اندیشه اسلامی است و مهم‌ترین رسالت حماس پیش از وظایف نظامی و سیاسی رسالت فرهنگی است. شما در مورد راهبردهای حماس و رویکرد مردم به سمت حماس فرمودید، مطمئناً حماس در انتظار ننشسته تا مردم به سمت او بیایند. حرکت و روند و تاکتیک‌هایی را در طول سال‌های مبارزه در میان

صفوف مردم اتخاذ کرده است. در برخورد با مسائل مختلف این تاکتیک‌ها و شیوه‌های عمل چه بوده که مردم در اوج تبلیغ و میدان‌داری عقاید سکولار، لائیک و ملی‌گرایانه از آنها بریدند و به سمت ریشه‌ها و اصول اعتقادی خود برگشتند، چه عواملی در این رویکرد جدید حماس موثر بوده است؟

دکتر عبدالمعطی: این سوال دو بخش دارد. درخصوص شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنبش حماس باید بگوییم جنبش حماس جنبشی فراگیر است.

جنبشی جهادی که در عین حال جنبشی اسلامی است و از آن به حرکتی فرهنگی سیاسی می‌توان تعبیر کرد.

این جنبش، جنبشی فراگیر است که به تمام خواسته‌های ملت عنایت و توجه خاص دارد. جنبشی کاملاً مردمی و متصل به مردم که هدفش خدمت به ملت است و آمده است تا خواسته‌ها و آرزوهای ملت را برآورده سازد. هدف حماس این است که از حقوق حقه ملت فلسطین و از ارزش‌های آن دفاع کند. از مهم‌ترین شیوه‌هایی که حماس در پیش گرفت، نزدیکی به توده‌های مردم است تا اعتماد و دوستی آنان را جلب کند. از این رو می‌بینیم که حماس بهترین نیروها و رهبران خود را در این راه تقدیم کرد که یا شهید و یا مجروح و یا اسیر شدند. و این همه در عرصه دفاع از ملت فلسطین صورت گرفت. شکی نیست که این امر اعتبار و جایگاه حماس در میان مردم فلسطین را افزایش داد و باعث شد که مردم بدان توجه و اقبال بیشتری پیدا کنند. من معتقدم که هر جنبش، گروه یا حکومتی که به توده‌های مردم نزدیک باشد و در کنار آنها حرکت یا حضور پیدا کند، از اعتماد مردم برخوردار می‌شود و عکس آن هم صادق است. بنابراین می‌بینیم که حماس توانست الگو و نمونه‌ای برای مردم باشد و آنها که عکس این رفتار را دارند مشخص است که سرنوشتشان محتوم به زوال خواهد بود. از این رو حماس در تلاش‌های خود همواره به صداقت توجه خاصی داشته و از طرفی هم پایبندی‌اش به حقوق ملت فلسطین از عواملی است که باعث شد تا حماس جایگاه ویژه‌ای در میان مردم پیدا کند. رهبران حماس همواره قبل از آنکه از مردم چیزی بخواهند خود پیش‌تاز بوده‌اند. حالا یا خود و یا فرزندان‌شان پیشاپیش مردم حرکت می‌کردند. نگاه حماس به مردم فلسطین آن طور نیست که آن را ملتی عقب‌مانده و بی‌سواد بداند که با شیوه‌ها و تاکتیک‌های ساده و وعده‌های پوچ و توخالی می‌توان فریبش داد. نه به عکس، ما معتقدیم که ملت فلسطین، ملتی باهوش، مجاهد، نستوه و پرتلاش است که ریشه و پیشینه‌ای طولانی در جهاد و مقاومت دارد. همین ملت بود که افکار، اندیشه‌ها و اهداف رهبران حماس را به خوبی مورد مذاقه و ارزیابی قرار داد و به آن ارج نهاد و همو بود که از آنهاپی که افکار و ارزش‌های لائیک را ترویج می‌کردند و دیدیم که پس از مدتی به دامن آمریکا و رژیم صهیونیستی افتادند، فاصله گرفت. اما اگر بخواهیم در مورد شیوه‌ها به تفصیل سخن بگوییم نیاز به یک کتاب دارد و خارج از حوصله بحث ماست و نمی‌توان در چند سطر آن را تشریح کرد، اما علاوه بر آنچه شرحش گذشت من مواردی را تیتروار عرض می‌کنم. ازجمله این عوامل پایبندی حماس به جهاد و مقاومت است. اینکه حماس بهترین رهبران و فرزندان خود را در این راه تقدیم کرد. خدمات گسترده‌ای که به مردم فلسطین ارائه داد، از قبیل ساخت دانشگاه، مدارس، بیمارستان‌ها، مهدکودک‌ها. توجه خاص به خانواده‌های بی‌بضاعت و بی‌سرپرست، پایبندی به ارزش‌ها و اصول به رغم پیروزی در انتخابات اخیر و به رغم همه فشارهایی

**انقلاب اسلامی حرکت
مبارک و خجسته‌ای است که
باعث ایجاد جهش و حرکت
شستایان ملت ایران به سمت
اسلام و رویکرد دینی و توجه
به جهان اسلام شده است**

که از تحریم و محاصره شروع شد تا جنگ همه‌جانبه رژیم صهیونیستی علیه غزه که بحمدالله در این جنگ با عنایتی که خداوند به ملت فلسطین داشت، دشمن از رسیدن به هدف خود ناکام ماند و نتوانست به هیچ یک از اهداف خود تحقق بخشد. به هر حال دیدیم که مردم فلسطین به جنبش و دولت منتخب خود توجه بیش از پیش نشان دادند و حامی و پشتیبان آن بوده و هستند.



توجهی ویژه به عدالت‌خواهی و مقاومت داشته باشند. بالطبع این امر بازتاب چشمگیری در جهان اسلام به طور اعم و در میان حرکت‌های اسلامی به طور اخص داشته است (مانند حماس و جهاد اسلامی) این انقلاب تأثیر بسزایی بر جهان مسلمان گذاشت و موجب آن شد که این جهان به فرهنگ و باورهای دینی و اسلامی خود بیش از گذشته و ظلم‌ستیزی و نفی اشغالگری صهیونیستی پایبند شود. همچنین موجب

شد تا این جهان بیش از پیش در جستجوی جنبش‌های اسلامی نظیر حماس باشد تا بتوانند این ارزش‌ها و اصول را تبلور و عینیت ببخشند، خاصه جنبش‌های اسلامی و اینکه حرکت‌های اسلامی روز به روز گسترده‌تر و نفوذ و حضورش در میان ملت فلسطین بیشتر و بیشتر شد.

نسیم قدس: این رویکرد و قرابت و نزدیکی حماس با انقلاب اسلامی موجب شده تا دشمنان و حتی برخی رژیم‌های عربی حماس را مورد اتهام قرار دهند که این جنبش عامل ایران است. شما چه جوابی دارید؟

دکتر عبدالمعطی: جنبش حماس، جنبش مستقلی است و عامل و مزدور کسی نیست و تحت امر هیچ یک از کشورها هم نیست. جنبشی است که اهداف و شیوه‌های خود را دنبال می‌کند و تلاش می‌کند ملت فلسطین را از یوغ اشغال‌گری و ظلم و ستم برهاند، ظاهراً این تلقی و ذهنیت وجود دارد که هیچ یک از این گروه‌های فلسطینی نباید مستقل باشند و حتماً باید به یک کشور یا سازمان اطلاعات آن کشور وابسته باشند. اما حماس چنین نیست. جنبشی مستقل است که برای خود تاریخی دارد و برای خون‌هایی که در این راه تقدیم داشته ارزش قائل است و جمهوری اسلامی ایران برایش یک هم‌پیمان راهبردی است. ما به این هم‌پیمانی و روابط با جمهوری اسلامی ایران افتخار می‌کنیم و قدردان کمک‌هایی هستیم که ایران اسلامی به ما و ملت فلسطین تقدیم داشته است.

جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس در کنار ما ایستاد و اهداف ما را به خوبی درک کرد و خط مقاومت و پایداری به ارزش‌ها را حمایت کرد و تا به امروز نیز، به رغم همه فشارهایی که در صحنه بین‌الملل بر ضدش اعمال می‌شود تا کمک‌هایش را

نسیم قدس: نکاتی که اشاره کردید، سنت لایتغیر الهی است. هر جریان و گروه و جنبشی که موارد یاد شده را رعایت و اجرا کند، مورد تأیید خداوند خواهد بود و در جامعه نفوذ و اقتدار خواهد داشت و از قدرت نرم هم به نحو احسن بهره می‌گیرد، اما به اعتقاد بعضی از تحلیل‌گران و سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و حتی رهبران جنبش‌ها، وقوع انقلاب اسلامی ایران بر فلسطین، لبنان و حتی جهان اسلام تأثیر بسزایی داشته است، مثلاً «وایمن» پس از انتفاضه اول، در نامه‌ای که برای برخی از نشریات امریکایی و صهیونیستی می‌نویسد اعلام می‌کند این مرحله از قیام فلسطینی‌ها تغییر ماهیت و ایدئولوژی داده است و اگر مانند حرکت‌های قبلی به رهبری ساف بود، ما هیچ نگرانی نداشتیم، اما اکنون ما اعتقاد داریم که این قیام‌کنندگان از پیروان تفکر خمینی هستند و همین موضوع شدت عمل ما در برخورد با قیام فلسطینیان را موجب شده است. یا شهید دکتر فتحی شقاقی صریحاً اعلام می‌کند که هیچ عاملی به اندازه انقلاب اسلامی ایران و تفکر امام خمینی (ره) در قیام

فلسطینی‌ها و رویکرد مقاومت و شهادت‌طلبی تأثیر نداشته است. سوال من مشخصاً این است که این دیدگاه را شما تا چه اندازه می‌پذیرید؟ آیا انقلاب اسلامی در گرایش مردم فلسطین به دیدگاه حماس و انتفاضه مؤثر بوده است یا نه؟

دکتر عبدالمعطی: انقلاب اسلامی حرکت مبارک و خجسته‌ای است که باعث ایجاد جهش و حرکت شتابان ملت ایران به سمت اسلام و رویکرد دینی و توجه به جهان اسلام شده و موجب پایداری ملت به اسلام و ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار شد تا

ما کاملاً به ملت عزیز ایران و ملت فلسطین و همه امت اسلامی اعتماد راسخ داریم که همگی برای وحدت هر چه پیشتر و یاری و همدلی هر چه پیشتر تلاش می‌کنند

به مقاومت و ملت فلسطین متوقف کند، زیر بار این فشارها نرفته و همچنان به این کمک‌ها پایبند است. ما ق‌ردان این موضع جمهوری اسلامی ایران هستیم، هرگز آن را از یاد نخواهیم برد و این ماهیت شفاف مناسبات ما با جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهایی است که با آنها روابطی داریم که براساس اصل احترام و همکاری و یاری رساندن متقابل است. اما موضوع خدمت بودن یا وابستگی به این یا آن کشور و این یا آن سازمان اصلا در فرهنگ ما نیست.

نسیم قدس: ازجمله مسائل مطرح شده در جنگ ۲۲ روزه توسط دشمن، ایجاد شبهه‌هایی بود برای ممانعت از کمک به مقاومت و مردم فلسطین و حمایت از آن، ازجمله این شبهه‌ها در ایران، اشاعه جانبداری حماس از حزب بعث و صدام و حتی شایعه برگزاری مراسم عزاء، پس از اعدام او بود، باتوجه به این نکته که مردم ایران از صدام حسین و حزب بعث کینه‌ای عمیق داشتند.

دکتر عبدالمعطی: این شبهه آنقدر کودکانه است که نیاز به پاسخ ندارد. ده‌ها بار به این شبهه پاسخ داده شده، شبیه این شبهه، شبهات دیگری نیز رواج یافت. ازجمله چیزهایی که به جناب خالد مشعل نسبت داده شد که واقعیت نداشت، با این هدف که مانع از یاری ملت و دولت ایران به جنبش حماس و ملت فلسطین شوند. مطمئناً درنهایت اینها به سود رژیم صهیونیستی است. من به شما اطمینان می‌دهم که رژیم صهیونیستی هرگز چنین روزی را شاهد نخواهد بود که بین مناسبات ما با جمهوری اسلامی ایران فاصله یا جدایی پیش آید. این شایعات کذب محض است و آنقدر سخیف و بی‌مایه است که جایی برای جواب دادن نمی‌گذارد. دور از حکمت و شان است که انسان به آنها پاسخ دهد و گاهی اوقات اصلاً پاسخ ندادن به این قبیل شایعات خود، بهترین پاسخ است.

نسیم قدس: در صحبت‌هایتان نام جناب خالد مشعل را آوردید. در اینجا نیز تصویری از ایشان و جناب اسماعیل هنیه هست. این دو، از شخصیت‌های محبوب و دوست‌داشتنی در ایران‌اند. شما علت این محبوبیت را چه می‌دانید؟

دکتر عبدالمعطی: ملت ایران، مومن، مجاهد و پویاست و به خوبی حق و باطل و خوب و بد را تشخیص می‌دهد و دشمن هر قدر مذبوحانه تلاش کند، نمی‌تواند نگاه ملت ایران را به مقاومت حماس و یا رهبران آن تغییر دهد که نه تنها نماینده ملت فلسطین که نماینده جهان اسلام‌اند. چهره‌هایی مانند خالد مشعل یا اسماعیل هنیه، متعلق به جنبش حماس یا فلسطین نیستند، بلکه متعلق به جهان اسلام‌اند، چون به اصول و ارزش‌های اسلام وفادارند و به هر کسی که امکاناتی در اختیار ما گذاشته و از ما حمایت کرده است، وفادارند و در راس آنها جمهوری اسلامی ایران. به همین لحاظ دشمنان ما می‌کوشند که این شخصیت‌ها را تخریب کنند تا به راحتی بتوانند از این رهگذر امت را از بین ببرند. حمله به خالد مشعل، حمله به سیدحسن نصرالله است و درواقع حمله و تهاجم به هر کسی است که پرچم اسلام و مقاومت را در دست گرفته و برافراشته است. بسیار طبیعی است که ملت ایران جنبش حماس و شخصیت‌هایی چنین بارز را

دوست داشته باشد و به آنها ارج ب‌نهد. خواه در بعد اسلامی و خواه در بعد انسانی. اینها شخصیت‌هایی مبارز و مدافع حقوق مسلم انسان‌ها و ملتی مظلوم هستند. ما کاملاً به ملت عزیز ایران و ملت فلسطین و همه امت اسلامی اعتماد راسخ داریم که همگی برای وحدت هر چه بیشتر و یاری و همدلی هر چه بیشتر تلاش می‌کنند که بی‌شک آنچه هدف قرار گرفته است، کل این امت با تمام مولفه‌ها و احزاب و مذاهب و عناصر آن است.

نسیم قدس: آخرین سوال اینکه در پایان جنگ ۲۲ روزه، توافقنامه‌ای بین خانم رایس و خانم لیونی امضا شد. یکی از بندهای آن توافق این بود که جنگی روانی علیه کل جبهه اسلامی (مقاومت) راه‌اندازی کنند و مسئولیت اجرای آن را به رژیم حسنی مبارک واگذار کردند، باتوجه به حرکت‌های تبلیغی علیه حزب‌الله و آقای سیدحسن نصرالله توسط رژیم مصر و همچنین اقداماتی که رژیم مصر در تخریب و بمباران تونل‌های زیرزمینی در رفح کرده است، موضع حماس درمقابل این سیاست‌های خصمانه چیست و چه تدبیری برای آن اندیشیده‌اید؟

دکتر عبدالمعطی: شکی نیست که توطئه علیه مقاومت فراگیر و گسترده است و متأسفانه باید عرض کنم که جریانی متشکل از برخی کشورهای عربی سمت و سوی خود را که همان سازش با رژیم صهیونیستی است مشخص کرده است و آنان معتقدند که این گزینه به رغم ناکارآمدی و ناکامی‌اش در دستیابی فلسطینیان به حقوق حقه‌شان، همچنان تنها گزینه ممکن است. متأسفانه این کشورها که من از نام بردن آنها صرف‌نظر می‌کنم، برنمی‌تابند که مقاومت نیرومند و پیروز باشد، لذا سعی می‌کنند به هر وسیله‌ای مقاومت را تضعیف و شخصیت‌های آن را تخریب کنند، خواه در غزه و خواه در لبنان این مسئله اسفباری است و امیدواریم که این روند هر چه سریع‌تر متوقف شود چراکه شخصیت‌های شناخته شده و شاخص مقاومت مایه عزت و سربلندی این امت هستند و کسی که درصدد تخریب آنها برآید درواقع خود را زیر سوال می‌برد و خود را تخریب کرده است. حمایت از مقاومت در فلسطین وظیفه همه است و تنها اختصاص به سید حسن نصرالله و حزب‌الله ندارد، همه کشورهای عربی و اسلامی باید از آن دفاع و حمایت کنند و امیدواریم که این تهاجم علیه برادران ما در حزب‌الله متوقف شود، چراکه مایه تفرقه و تشتت در میان امت می‌شود و دیدیم که شیمون پ‌رز در همین اتفاقاتی که بین مصر و حزب‌الله پیش آمد، بسیار اظهار خرسندی و خوشحالی کرد. ما خواستاریم که گذرگاه‌ها هر چه زودتر گشوده شود تا کلیه مایحتاج مردم و مقاومت تامین شود. در همین زمینه باید از تلاش مخلصانه عزیزان حزب‌الله برای کمک‌رسانی و حمایت از برادران خود در حماس سپاسگزاری کنیم و به آن ارج بگذاریم.

نسیم قدس: سپاسگزاریم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

دکتر عبدالمعطی: برای شما آرزوی توفیق دارم. ان‌شاءالله همچنان خستگی‌ناپذیر به تلاش‌هایتان در کاری که در پیش گرفته‌اید ادامه دهید و بتوانید آثار ماندگاری از خود برجای بگذارید. ■

هولوکاست؛ مظلومیت دروغین

بخش اول

دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، روزگار آمیختگی جدی حق و باطل است. تمیز دادن خادم از خائن، غاصب از آن که حقش را غصب کرده‌اند و مظلوم و ظالم از یکدیگر، چندان هم آسان نیست! روزگاری است که در آن با جابه‌جایی آب و سراب، بی‌رنگی و نیرنگ، مردانگی و ناجوانمردی، بسیار روبرویم. از جمله دلایل این آمیختگی و جابه‌جایی، حضور فعال جمعی سلطه‌جو و سیطره‌طلب است که خود را یهودی^۱ می‌خوانند و اقدامات شیطانی‌شان، اغتشاش و تشویشی معنایی را به طور گسترده سبب شده است.

آن چه در این مقاله دنبال می‌شود بیان یافته‌هایی است در همین زمینه و متمرکز بر «ایجاد اغتشاش در مفهوم «مظلومیت» توسط این قوم».

ایجاد اغتشاش در مفهوم مظلومیت

یهود با آن همه احبار و دانشمندانش که صورت امروزینشان «جامعه‌شناس» و «مورخ» و «باستان‌شناس» و «مستشرق» و «مردم‌شناس» و «روان‌شناس» و «زبان‌دان» و «کارگردان» و فیلسوفان رنگارنگ و آکادمیسین‌های متنوع و صاحبان کرسی‌های مختلف در علوم گوناگون (همه‌چیزشناسان!) است، سال‌هاست به این حقیقت بین رسیده که: «مظلومیت» در این عالم کارها می‌کند!

یهود با موضوع مظلوم‌نمایی کاملاً آشناست؛ آشنایی‌ای دیرینه و کهن. گمان می‌کنم در ادبیات ملل مختلف عالم که با یهود حشر و نشری داشته‌اند، شواهد متعددی بر این معنا بتوان یافت. البته نگاه فرهنگ و ادب پارسی به موضوعی موسوم به «مظلومیت جهودان» ناباورانه است.

در امثال و حکم دهخدا می‌خوانیم که: «جهود بازی در آوردن» نظیر «تنه من غریبم در آوردن» است.^۲

«جهود بازی در آوردن» همچنین یعنی «در ادای مالی تعلل بسیار ورزیدن»^۳ و این یعنی ابراز مظلومیت در زمینه‌ای که تا به یاد می‌آوریم مورد علاقه و تلاش بسیار یهود بوده است، یعنی زمینه اقتصادی!

همین طور «جهود، خون دیده است»، از مثل‌های دیگری است که دهخدا به آن اشاره می‌کند و زمانی به کار می‌رود که بخواهیم بگوییم کسی «برای آلمی خُرد و ناچیز جَزَع و ناشکیبایی بسیار می‌کند».^۴

همچنین «جهودی هم، چنین شده بود»، جایی استفاده می‌شود که بخواهیم به مزاح به شخصی بگوییم: «آسیب و گزند که به تو رسیده است،

بسیار سخت نیست».^۵

به این ترتیب معلوم می‌شود که قوم مزبور نه‌تنها در این آب و خاک با کارکردهای «مظلوم‌نمایی» آشنا بوده بلکه چندان از این روش، بهره‌جویی ناصواب کرده که نقد این رویکرد، تبدیل به ضرب‌المثل‌هایی مردمی شده است.^۶

اسلام‌شناسان ضداسلام

یهود سلطه‌جو کوشیده عنصر مظلومیت را از مکتب انبیای الهی (علیهم‌السلام) به نفع اغراض پلید خود مصادره کند و به طور قطع بیش از چهارده قرن است که نقاط قوت اسلام ناب محمدی و ضعف‌های مسلمانان را چه به صورت جمعی و گروهی و چه در بسیاری از موارد به مشکل مصداقی و فردی کاویده و بی‌شک به رمز بقای اسلام که در فداکاری عاشوراییان حسینی و پیام‌آوران زینبی آن و مظلومیت ایشان خلاصه می‌شود پی برده است.

یهودیان در شناختن اسلام - آن گونه که باید - و شناساندن آن به دیگران - آن گونه که خود می‌خواستند - بسیار فعال و کوشا بوده‌اند.

اینیاس گلدزیه^۷ (Goldziher) نمونه خوبی از این کوشایی است.^۸



سید غلامرضا سعیدی: در حال حاضر در ۲۵ دانشگاه در آمریکا و کانادا، دروس مطالعات اسلامی تدریس می‌شود، ولی استادان و معلمان همه یهودی هستند و هشتاد درصد اسرائیلی



در یک رشته از رشته‌های اسلامی درس می‌خوانند، برای این که یک کُرسی اسلامی را در یک دانشگاه اشغال بکند و در آن کرسی کار خود را انجام بدهد، یا یک کتاب بنویسد و در آن کتاب فکر خودش را پخش بکند. هیچ می‌دانید که (این را من از اهل اطلاع مکرر شنیده‌ام) بیش از ۹۰ درصد کرسی‌های اسلام‌شناسی جهان در اشغال یهودی‌هاست؟ اسلام‌شناس‌های جهان یهودی‌ها هستند! شما ببینید این‌ها چقدر قدرت ضربه زدن دارند! ^{۱۷}

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در سراسر این نوشته کمترین تعریض و تعرضی به کلیمیان راستین - خصوصاً هموطنان محترم و ارجمند - که می‌کوشند تا به راه حضرت موسی(ع) بروند وجود ندارد. این جمع، خود نیز تحت ستم سلطه‌جویان بدکاری‌اند که خودشان را «یهودی» می‌خوانند.
- متأسفیم که باید اذعان کنیم صهیونیست‌ها، تاکنون توانسته‌اند جمع زیادی از یهودیان را در دام خود گرفتار کنند.
- ۲- امثال و حکم، جلد دوم، علی‌اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۵۷ (چاپ چهارم)، ص ۶۰۳.
- ۳ - لغت‌نامه دهخدا، جلد پنجم، علی‌اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران (با همکاری انتشارات روزنه)، تهران: ۱۳۷۷ (چاپ دوم از دوره جدید)، ص ۷۹۳۲.
- ۴ - امثال و حکم، جلد دوم، ص ۶۰۳.
- ۵ - همان
- ۶ - کاوشی در ضرب‌المثل‌های سایر ملل دنیا که حضور یهود را در جمع خود داشته‌اند، می‌تواند موضوع جذابی باشد. امید است چنین تحقیقی در آتی به سامان برسد. ان‌شاءالله.
- ۷ - در منابع فارسی این نام به شکل «ایگناتس» و «اگناس» نیز آمده و همچنین نام خانوادگی این فرد به صورت «گولدتسیهر» نیز ضبط شده است.
- ۸ - در مورد یهودی بودن این فرد مراجعه کنید به: نردبانی به آسمان، ص ۹.
- ۹ - در نقد گلدزیه‌ر اثر ذیل به فارسی منتشر شده است:
- محاکمه گلدزیه‌ر صهیونیست، معلم نویسندگان «بیست و سه سال»، نوشته محمد غزالی مصری، ترجمه صدر بلاغی، انتشارات حسینییه ارشاد، تهران، زمستان ۱۳۶۳، ۳۲۳ صفحه (وزیری)
- ۱۰ - رشته‌ای که چیزی را بدان بکشند.
- ۱۱ - محاکمه گلدزیه‌ر صهیونیست، معلم نویسندگان «بیست و سه سال»، صص ۵ و ۶ (بخشی از پیشگفتار مترجم).
- ۱۲ - یهود در فرهنگ، تبلیغات و رسانه‌های غرب، ص ۷۴.
- ۱۳ - بانی نشر این کتاب پس از انقلاب اسلامی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) بوده است.
- ۱۴ - دایره‌المعارف فارسی، جلد دوم، بخش اول، ص ۲۴۳۷.
- ۱۵ - همان، جلد اول، ص ۸۳۶.
- ۱۶ - خاورشناسی و توطئه خاورشناسان، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، قم، تیرماه ۱۳۵۱، ص ۷.
- ۱۷ - حماسه حسینی، جلد اول، مرتضی مطهری، صدرا، تهران: تابستان ۱۳۶۸ (چاپ چهاردهم)، صص ۱۹۹ و ۲۰۰.

«این مستشرق در سال ۱۸۵۰ میلادی متولد شده و در سال ۱۹۲۱ در گذشته، یعنی افزون از هفتاد سال زندگی کرده است.

«گلدزیه‌ر» پیش از آنکه سال‌های عمرش به بیست برآید دست به کار تالیف شده، ولی مهم‌ترین اثر او یکی کتاب «مذاهب مفسرین در تفسیر قرآن» و دیگری کتاب «عقیده و شریعت در اسلام» است که با روشی رندانه افکار زهرآگین خود را به صورت نظریه‌های بی‌طرفانه و استنتاج‌های محققانه در فصول و ابواب این کتاب عرضه کرده و در این راه از روش خائنانه جعل و تحریف و قلب حقایق تا آخرین حد بهره گرفته و زیر شعار «تحقیق بی‌طرف» و «بررسی آزاد علمی»، موجی دامنه‌دار از تهمت و افتراء بر ضد اسلام انگیزخته است و مجموع شبهاتی را که علمای اسلام و مفسران قرآن، در طی قرون طرح کرده و برای پیشگیری از مَشُوب ساختن اذهان و مسموم کردن افکار به دفع آنها پرداخته و به هر یک از آنها جواب شافی و کافی داده‌اند از متون اسلامی استخراج کرده و با حذف جواب‌ها، طی ابواب و فصولی گرد آورده و آنها را تحت عنوان تاریخ تطور اعتقاد و تشریع در اسلام به سِلک^{۱۰} انتظار کشیده است»^{۱۱}

«دور از واقعیت نیست اگر گفته شود، رشته شرق‌شناسی به شکل امروزی آن به وسیله اگناس گلدزیه‌ر خاورشناس یهودی تحول یافت و این تلاش‌ها در ادامه تلاش‌های پیشینیان برای احیای نقش اسرائیلیان در این حوزه بوده است. ناگفته نماند که گلدزیه‌ر وصیت کرده بود، کتابخانه او به دانشگاه عبری بیت‌المقدس واگذار شود»^{۱۲}

نکته قابل توجه در بررسی عملکرد وی این است که اگر کسی درباره او بخواهد در دایره‌المعارف فارسی^{۱۳} مطلبی بیابد، ذیل نام او، راهنمایی می‌شود که به مدخل «حدیث» نیز مراجعه کند. نتیجه چنین مراجعه‌ای این است که به مذهب وی هیچ اشاره‌ای نبیند، اما دریابد که «گولدتسیهر» «در باب تاریخ اسلام و فرقه‌های آن، دانشمند کم‌نظیری» بوده است^{۱۴} و «در باب حدیث تَتَبُّعات مفصل و دقیق کرده است»^{۱۵}.

سید غلامرضا سعیدی روحانی مبارز شیعه که عمری را وقف آزادی فلسطین کرده، در مقدمه‌ای که به سال ۱۳۵۱ ه.ش. بر کتاب «خاورشناسی و توطئه خاورشناسان» نوشته، آورده است: «در حال حاضر در ۲۵ دانشگاه در آمریکا و کانادا، دروس مطالعات اسلامی تدریس می‌شود، ولی استادان و معلمان همه یهودی هستند و هشتاد درصد اسرائیلی»^{۱۶}.

استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرمود: «شما می‌بینید یک نفر یهودی، یک عمر،

در اواخر دهه هفتاد میلادی "ناحوم گولدمن" یکی از مؤسسان کنفرانس جهانی صهیونیسم و از بزرگ‌ترین حامیان برپایی "وطن ملی یهود" در فلسطین و رئیس وقت صندوق یهود در کتاب خود تحت عنوان "اسرائیل به کجا می‌رود" نوشت:

«این جزیره یهودی در اقیانوس عربی اطراف خود از بین خواهد رفت و شانس آن خیلی کم خواهد بود.»^۱

در ابتدا کمتر کسی به این تحلیل و پیشگویی وی توجه کرد اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمایت قاطع بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) از نهضت مردم فلسطین و موضع تاریخی و منحصر به فرد ایشان در خصوص زوال اسرائیل مبنی بر اینکه «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود» روح تازه‌ای بر پیکر فسرده و بی‌رمق فلسطین دمید. به گونه‌ای که فلسطینیان به اعاده سرزمین غصب شده خویش امیدوار شدند و رهبران مذهبی آنان نیز با الهام از تفکر امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران زوال و نابودی اسرائیل را بر اساس آیات قرآن و وعده الهی امری حتمی تلقی کردند. از جمله شیخ اسعد بیوض تمیمی از علمای بزرگ فلسطین و امام جماعت مسجد الاقصی، چند سال پس از انتشار کتاب گولدمن، کتابی نوشت با عنوان «زوال دولت اسرائیل حتمی و قرآنی» و در آن بر اساس آیات اول سوره الاسراء و بعضی آیات دیگر قرآن مجید، بازگشت اسلام و مسلمانان به فلسطین و پیروزی بر رژیم صهیونیستی و در نهایت زوال و فروپاشی این رژیم را پیش‌بینی کرده است.^۲

وقوع انتفاضه در فلسطین در سال ۱۹۸۷ این باور را در میان مسلمانان به ویژه فلسطینیان مبارز بیشتر زنده کرد که این نظر "ناحوم گولدمن" به واقعیت تبدیل خواهد شد و جزیره مزبور (یهودی) از بین خواهد رفت. اما نه در میان اقیانوس عربی پیرامون خود بلکه در میان امواج پرتلاطم انقلاب اسلامی که از ایران شروع شده و دامنه آن فلسطین اشغالی را نیز فرا خواهد گرفت.

وقوع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰ این باور و اعتقاد به سرنوشت آینده ملت فلسطین و رژیم صهیونیستی و زوال و فروپاشی تدریجی آن رژیم



سرنوشت اسرائیل از منظر نخبگان اسرائیلی - یهودی

بخش اول

مجید صفاتاج





برخی کشورها ایجاد کند اکنون این وضعیت نیز به سبب رشد آگاهی ملت‌ها و ابراز مخالفت آنها در برابر هر گونه ارتباط رهبرانشان با رژیم صهیونیستی، تغییر یافته است. فروپاشی هیبت و هیمنه این رژیم که بر پایه تبلیغات دروغین قدرت‌های حامی آن ایجاد شده بود، در چندین سال اخیر و به خصوص پس از ناکامی در تلاش برای به زانو درآوردن حماس و شکست خفت‌بار از حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه فرو ریخته است و ادعای شکست‌ناپذیری این رژیم در سطح بین‌المللی دیگر بی‌پایه و مضحک تلقی می‌شود. مجموعه این قضایا موجب شده است رهبران اسرائیل نیز با وحشت و اضطراب به افتادن این رژیم در سراسیمگی سقوط اعتراف کنند.^۴

با توجه به اینکه در این زمینه حدسیات و پیش‌بینی‌ها به صورت علنی مطرح شده است، مطبوعات اسرائیل در این مورد ساکت ننشستند و از اظهارنظرها به عنوان دیدگاه‌های "آخرالزمان" تعبیر کردند. اهمیت این دیدگاه فقط مربوط به یأس و سلب اعتمادی نیست که سران تل‌آویو گاه و بی‌گاه از آن سخن به میان می‌آورند، زیرا صاحبان این افکار و اندیشه‌ها صرفاً نخبگانی نیستند که خارج از گود نشسته و حیثیت جامعه صهیونیست را به بازی گرفته‌اند، بلکه یا جزو آن دسته افرادی هستند که نقش کلیدی در تصمیم‌سازی دارند و یا جزو اندیشمندانی که مدت‌های مدیدی با دستگاه حکومت در ارتباط بوده‌اند. به رغم اینکه همه این سیاستمداران و اندیشمندان به یک نوع جمع‌بندی دست یافته‌اند، اما برای تأیید دیدگاه‌هایشان به دلایل متنوعی استناد می‌ورزند. مهم‌ترین موضوعاتی که نخبگان و سیاستمداران و نظریه‌پردازان صهیونی در مورد آنها به اظهارنظر پرداخته‌اند عبارتند از:

۱- سقوط اخلاقی اسرائیل:

ابراهام بورگ^۵ رئیس اسبق آژانس یهود و رئیس پارلمان اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۹ درباره سقوط اخلاقی جامعه اسرائیل و رژیم صهیونیستی طی مقاله‌ای تحت عنوان "پایان صهیونیسم" می‌گوید:

«... قرار نبود قوم یهود در مالکیت جنگ افزارهای

بحران سیاسی و اجتماعی وسیعی بر این رژیم مستولی گشته است. شیوع فساد اخلاقی و مالی در بالاترین سطح حکومتی، بی‌اعتمادی اسرائیلی‌ها به رهبران سیاسی، سرخوردگی و یأس شدید در همه قشرها، نمونه‌ای از مشکلاتی است که این رژیم در داخل با آن دست به گریبان است. در جنبه امنیتی نیز اسرائیلی‌ها در وضع بغرنجی به سر می‌برند.

وحشت از موشک‌های حماس که مناطق صهیونیست‌نشین را هدف قرار می‌دهند و نداشتن احساس امنیت در مرز شمالی به علت هراس از موشک‌های حزب‌الله، نیز موضوعاتی نیستند که رهبران اسرائیل به سادگی بتوانند از کنار آن عبور کنند. در جبهه بیرونی نیز این رژیم با وضع وخیمی مواجه شده است. پس از ۶۰ سال تلاش رژیم صهیونیستی و حامیان قدرتمند آن، این رژیم اکنون در سطح بین‌المللی بی‌اعتبارتر از همیشه است. این انزوای بین‌المللی، در منطقه بسیار شدیدتر است و اگر زمانی این رژیم با همدستی رهبران مرعوب و مرتجع منطقه توانسته بود راه‌های ارتباطی را با

نظرسنجی‌ها از اسرائیلیان نیز نشان‌دهنده نگرانی شدید آنها از انتفاضه و وقوع انفجار در سرزمین‌های اشغالی است

اوضاع نابسامان امنیتی در سرزمین‌های اشغالی که در اثر انتفاضه به وجود آمده است سؤالات زیادی را در اذهان صهیونیست‌ها درباره طرح صهیونیسم و اهداف آن ایجاد کرده و ناامیدی عمیقی را موجب شده است،

جعلی را بیشتر کرد به ویژه اینکه انتفاضه فلسطین با تکیه بر دین اسلام و اراده مردم فلسطین - که کمترین امکانات را در برابر رژیم صهیونیستی دارند - توانست موفقیت و موقعیت ویژه‌ای به دست آورد. در حالی که گروه‌های مقاومت فلسطین و کشورهای عربی در خلال چهار دهه مبارزات سیاسی و حتی گاهی نظامی هرگز نتوانسته بودند چنین موفقیت‌هایی را به دست آورند. توجه به آثار، پیامدها و دستاوردهای انتفاضه و خسارت‌های رژیم صهیونیستی به خوبی بیانگر همین نکته و نیز چشم‌انداز آینده انتفاضه فلسطین و سرنوشت رژیم صهیونیستی است.

نظرسنجی‌ها از اسرائیلیان نیز نشان‌دهنده نگرانی شدید آنها از انتفاضه و وقوع انفجار در سرزمین‌های اشغالی است. براساس آخرین آمار ارائه شده «۷۹ درصد از اسرائیلیان از ادامه انتفاضه و وقوع انفجار در اراضی اشغالی به شدت نگران هستند».^۶ در نزد شهرکنشینان صهیونیست این احساس وجود دارد که خطر اعراب از بین نرفته است و وجود ملت فلسطین تنها مرزهای این کشور یا سلطه صهیونیست‌ها را بر بخش‌هایی از سرزمین فلسطین تهدید نمی‌کند، بلکه موجودیت آنها را به خطر می‌اندازد.

این نگرانی‌ها و اوضاع نابسامان امنیتی در سرزمین‌های اشغالی که در اثر انتفاضه شدت گرفته است، سؤالات زیادی را در اذهان صهیونیست‌ها درباره طرح صهیونیسم و اهداف آن ایجاد کرده و ناامیدی عمیقی را موجب شده است، به گونه‌ای که در آستانه برگزاری جشن‌های شصتمین سالروز برپایی رژیم صهیونیستی، اندیشمندان اسرائیلی به آینده این رژیم بسیار بدبین و ناامید بوده و بسیاری از آنان و سیاستمداران و حتی دولتمردان این رژیم، آشکارا از اعتقاد و باور خود مبنی بر فروپاشی این رژیم سخن گفتند.

واقعیت این است که رژیم صهیونیستی، به شدت هم در جبهه داخلی و هم در خارج از فلسطین اشغالی به بن‌بست و استیصال دچار شده و تمامی تدابیری که زمامداران این رژیم با همفکری متحدان جهانی خود اتخاذ کرده‌اند، یکی پس از دیگری با شکست و ناکامی مواجه شده است. در جبهه داخل،

در زمان شصت سالگی رژیم صهیونیستی، این رژیم با بحران امنیت روبه‌روست و مقوله امنیت به معنای واقعی، از حیات اسرائیلی‌ها رخت بر بسته است

نوین، برنامه‌های امنیتی رایانه‌ای و موشک‌های ضد موشک، پیش‌تاز دیگران باشد. قرار بود ما چراغ راه ملت‌ها باشیم ولی در این راه ناکام ماندیم. مبارزه ما برای بقای قوم یهود، به کشوری از شهرک‌نشینان قانون‌شکن و فاقد اصول اخلاقی تقلیل یافته است که گوش شنوایی برای شهروندان خود و دشمنان خویش ندارد. دولتی که عادل نیست، بقا نخواهد یافت... حتی اگر اعراب سر فرود آورند و شرم خود را فرو خورند، سرانجامی برای ما ندارد. بنایی که بر بی‌رحمی با انسان‌ها ساخته شده باشد، لاجرم فرو خواهد ریخت. اسرائیل که توجهی به کودکان فلسطینی ندارد نباید متعجب شود که آنها سرشار از نفرت، خود را در مراکز تفریحی اسرائیل منفجر کنند. آنها در مراکز تفریحی ما زندگی خود را نثار الله می‌کنند، چون دیگر زندگی‌شان چیزی جز شکنجه نیست.^۶

"اوری آوُنری" یکی از نخبگان اسرائیلی مخالف سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی نیز به این اقدامات ضد اخلاقی و بشری رژیم صهیونیستی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر شما صد سال تاریخ یهود را در نظر می‌گیرید و می‌گویید ما چیزهای خارق‌العاده‌ای ایجاد کرده‌ایم، صهیونیسم جامعه‌ای جدید در اسرائیل ایجاد کرده است و نظایر آن اما این به سبب بی‌عدالتی‌های زیادی بوده است که علیه مردم فلسطین اعمال شده است.^۷

شاعر اسرائیلی "حیم جوری" نیز ضمن سخن از سرزمین اسرائیل - یعنی فلسطین - می‌گوید: «این خاک از خون سیراب نمی‌شود، زیرا او می‌خواهد تعداد بسیار زیادی از مردگان را در خود دفن کند. او بر این باور است که اسرائیل متولد می‌شود، در حالی که در درون او چاقویی است که او را خواهد کشت.^۸

بسیاری از روشنفکران و مورخان اسرائیلی چنین احساسی را در میان صهیونیست‌ها درک کرده و بر این باورند که اسرائیل دچار سیر قهقرای شده و دوباره به سال ۱۹۴۸ یعنی زمان وقوع جنگ برای تشکیل دولت عبری بازگشته است.

بسیاری از روشنفکران و مورخان اسرائیلی چنین احساسی را در میان صهیونیست‌ها درک کرده و بر این باورند که اسرائیل دچار سیر قهقرای شده و دوباره به سال ۱۹۴۸ یعنی زمان وقوع جنگ برای تشکیل دولت عبری بازگشته است



۲- احساس ناامنی اسرائیلی‌ها:

بعضی نخبگان صهیونی درباره بازگشت یهودیان به عهد «گتو»^۹ و منزوی شدن آنها مانند نیمه اول قرن بیستم در کشورهای اروپایی - که در این دوره تاریخی مورد ظلم و ستم واقع می‌شدند و در حاشیه جامعه زندگی می‌کردند - سخن می‌گویند.

"مانولا دافری" نویسنده روزنامه اسرائیلی "معارفو" در مقاله‌ای تحت عنوان: "گتوی ترس" اوضاع جامعه صهیونیستی را این گونه توصیف می‌کند:

«این روزها فاجعه پس از فاجعه و عملیات پس از عملیات و سلسله نامتناهی ضربات دردناک، ما را در هر جا تعقیب می‌کند. کشور ما در ابتدا بر این اساس تشکیل شد که مکان امن و افتخارآمیزی برای یهودیان جهان باشد اما اکنون ناامن شده است.»^{۱۰}

"ناحوم برنیع" از تحلیلگران ارشد روزنامه عبری زبان "یدیعت آهارانوت" پرشمارگان‌ترین روزنامه اسرائیل که شکست رژیم صهیونیستی در جنگ دوم لبنان (۲۰۰۶) را پیش‌بینی کرده بود، ضمن بیان ناامیدی مردم اسرائیل درباره آینده خویش در خصوص وجود ناامنی در اسرائیل بر این باور است که «برتری نظامی و اقتصادی اسرائیل مظاهری فریبنده است و به رغم برخورداری این رژیم از اقتصاد پایدار، ارتش قوی و دانشگاه‌های ممتاز و معتبر، از تأمین امنیت یهودیان ساکن اسرائیل ناتوان است.»^{۱۱}

"اوری آوئری" نیز در پاسخ به این سؤال که «شما نوشته‌اید که اسرائیل مکانی خطرناک برای رشد ضد یهودیت از نظر بین‌المللی است. اسرائیل چطور امنیت یهودیان را هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی به خطر انداخته است؟ می‌گوید:

«در این باره نکات زیادی وجود دارد. یکی از مقاصد تشکیل اسرائیل این بود که مقصد امنی برای یهودیان پس از کشتار جمعی آنان باشد. ولی آنچه عملاً اتفاق افتاد و پروفیسور "یشایاهو لیپوویتز" هم به آن اشاره کرده این است که یکی از نقاط خطر جهان برای یهودیان، اسرائیل است آنها در معرض نابودی هستند. چون اگر بین اعراب و اسرائیل جنگ شود در نهایت بین اسرائیل و اعراب سلاح‌های کشتار جمعی به کار خواهد رفت.

صهیونیسم با این ایده بنا شد که پایانی بر یهودی

ستیزی در اروپا باشد. "تئودور هرتزل" نویسنده و روزنامه نگار سیاسی و بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی در کتاب دولت یهود (۱۸۹۶) نوشت: «آنها که می‌خواهند یهودی باقی بمانند به دولت یهود مهاجرت خواهند کرد و یهود باقی خواهند ماند و دیگران در ملت‌هایی که با آنها زندگی می‌کنند همسانگردی فرهنگی خواهند کرد و با آرامش با آنها زندگی خواهند کرد.

چون ما در حال جنگ با فلسطینی‌ها هستیم و با جهان عرب و اسلام هم این مشکل را داریم این مسئله مخالفت زیادی را علیه ما در سراسر جهان ایجاد کرده است. ما یک قدرت اشغالگر هستیم و سه و نیم میلیون فلسطینی به وسیله ما سرکوب شده‌اند.»^{۱۲}

"افراییم کام" کارشناس مسائل دفاعی اسرائیل نیز بر احساس ناامنی اسرائیلیها تأکید کرده است. به گفته او «افزایش قدرت ایران، ادامه اشغال شهرک‌سازی در کرانه باختری رود اردن، افزایش چشمگیر جمعیت فلسطینیان، افزایش قدرت جنبش اسلامی فلسطینی حماس در غزه و قدرت نوین موشکی نیروهای مقاومت [اسلامی فلسطین] از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که اسرائیل را با مشکل روبه‌رو کرده‌اند.»

او تأکید می‌کند که «به نظر نمی‌رسد این موقعیت دشوار با دستیابی به راه‌حلی پایدار به این زودی‌ها از بین برود.»^{۱۳}

این بدین معناست که در زمان شصت سالگی رژیم صهیونیستی، این رژیم با بحران امنیت روبه‌روست و مقوله امنیت به معنای واقعی، از حیات اسرائیلی‌ها رخت برسته است. آنها بر این باورند که اسرائیلی‌ها در گذشته، حداقل به یک پیمان نیم‌بند سازش با برخی رژیم‌های عراقی دست یافته بودند اما در برهه کنونی حتی توافقنامه جزئی آنها با تشکیلات خودگردان نیز نقش بر آب شده است و این تشکیلات به علت قدرت‌گیری اسلامگرایان، حتی توانایی کنترل رام‌الله را ندارد، چه برسد به تأمین امنیت اسرائیلی‌ها در کرانه باختری و نوار غزه. آنها می‌گویند که اسرائیل در دوره کارتر رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۷۸ توافقنامه سازش با مصر و در

سال ۱۹۹۴ در دوره کلینتون پیمان دوستی را با اردن امضا کرد اما در برهه کنونی به سبب اینکه صدای نفرت از اسرائیل فراگیر شده هیچ دولت عربی جرأت امضای توافقنامه صلح و یا دوستی با اسرائیل را ندارد.

احساس ناامنی اسرائیلی‌ها را، حتی وجود زرادخانه‌های هسته‌ای که "شیمون پرز" رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی آن را تأیید کرده است، برطرف نمی‌کند و ثابت شده که این زرادخانه استفاده‌ای برای این رژیم ندارد و نتوانسته مشکل ناامنی اسرائیلی‌ها را حل کند. زیرا وجود نیروهای حزب‌الله در شمال و حماس در جنوب اسرائیل همچنان این احساس ناامنی اسرائیلی‌ها را پایدار نگه داشته است. "اوزی دایان" ژنرال ذخیره ارتش اسرائیل در این باره می‌گوید:

«تاکتیک‌های جنبش‌های حزب‌الله و حماس باعث شده که اسرائیل احساس امنیت نکند.»^{۱۴}

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- صالح عوض، الانتفاضه الثوره، (الجزایر: مؤسسه الزيتونه للأعلام و النشر، ۱۹۸۹)، ص ۸۹
- ۲- اسعد تمیمی، زوال اسرائیل حتمیة قرآنیة (بیروت: انصار الثوره الاسلامیة فی فلسطین، الطبعة الثانية، ۱۹۸۸) صص ۴۷-۱۳۰.
- ۳- ماهنامه نداء القدس، شماره ۷۳، ص ۱۹
- ۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۴/۴، ص ۱۶.
- ۵- وی فرزند یوسف بورگ یکی از پایه‌گذاران رژیم صهیونیستی و همچنین بنیانگذار حزب مذهبی صهیونیستی "مفدال" است.
- ۶- روزنامه شرق، پایان صهیونیسم، ستون سرمقاله‌نویسان جهان
- ۷- روزنامه رسالت، ۱۳۸۴/۵/۱۵، ص ۱۵.
- ۸- المسیری، عبدالوهاب، «شکست رویای صهیونیسم»، ترجمه اسماعیل اقبال، فصلنامه مطالعات فلسطین، سال دوم، شماره اول، پائیز ۱۳۷۹، ص ۱۳۸
- ۹- Gito به بخشی از یک شهر یا خیابان یا محله‌های اروپایی اطلاق می‌شد که در قرون وسطی یهودی‌ها با احکام قانونی مشخصی در آنها اقامت داشتند. این گتوها دارای دیوار و درهایی بود که شب‌ها بسته می‌شد و از بقیه شهر کاملاً جدا می‌شد.
- ۱۰- نشریه صدای فلسطین اسلامی، دفتر جنبش حماس در تهران، شماره ۴۲، ص ۴۶.
- ۱۱- مجله پیام فلسطین، ویژه شصتمین سالگرد اشغال فلسطین، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین "حماس" - دفتر تهران، شماره ۴۸، خرداد ماه ۱۳۸۷، ص ۲۰.
- ۱۲- روزنامه رسالت، ۱۳۸۴/۵/۱۵، ص ۱۵.
- ۱۳- سلیمان دعویرسا، "بحران‌های ۶۰ سالگی صهیونیسم"، روزنامه ایران، ۱۳۸۷/۲/۲۱، ص ۷.
- ۱۴- همان.

دولت قانونی حماس، به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی عنوان شده است.^۱ ثالثاً در مصوبات این نشست اقدامی عملی برای پایان کامل محاصره غزه تدوین نشده و به موضع‌گیری ظاهری بسنده شده است، در حالی که ادامه محاصره غزه توسط صهیونیست‌ها و مصر، عملاً کار بازسازی را متوقف کرده است. دشمنان مقاومت با کارشکنی در بازسازی غزه سعی دارند اهدافی چند را اجرایی کنند، از جمله:

- افزایش تحریم‌ها و فشار بر ساکنان غزه برای رو

است. هرچند که ۸۰ کشور و سازمان جهانی در نشست بازسازی غزه در شرم‌الشیخ (۱۳۸۷/۱۲/۱۲) به پرداخت حدود ۴/۵ میلیارد دلار کمک برای بازسازی باریکه غزه متعهد شدند،^۲ اما این تعهدات هرگز عملی نشده است؛ چرا که اولاً این کمک‌ها به تشکیلات خودگردان واگذار شده که جایگاهی در غزه ندارد، ثانیاً پیش‌شرط پرداخت کمک‌ها به

رژیم صهیونیستی که همواره برای رسیدن به اهداف توسعه‌طلبانه‌اش سیاست کشتار و جنایت را در اولویت سیاست‌های خود داشته است، پس از شکست در برابر اراده ملت فلسطین در ۲۰ ماه محاصره غزه سرانجام در ۷ دی ۱۳۸۷ حملات گسترده‌ای را به غزه آغاز کرد که در نهایت پس از ۲۲ روز جنگ و کشتار، با اعتراف به شکست در برابر مقاومت، وادار به عقب‌نشینی شد تا پس از شکست در جنگ ۳۳ روزه (۱۳۸۵) در برابر حزب‌الله لبنان به شکست در مقابل فلسطینی‌ها تن دهد. صهیونیست‌ها و متحدانشان برای جبران و سرپوش نهادن بر ناکامی‌هایشان تحرکات جدیدی را در پیش گرفتند. بررسی تحولات فلسطین نشان می‌دهد که دشمنان مقاومت در دو عرصه فعالیت‌های گسترده‌ای می‌کنند که لزوم توجه جهان اسلام به مقابله با این توطئه‌ها ضروری است، چراکه مسئله فلسطین از دغدغه‌های جهان اسلام است که تأثیر بسیاری بر جایگاه جهانی مسلمانان دارد.

الف: بازسازی غزه

بررسی پرونده جنایت‌های رژیم صهیونیستی در جنگ ۲۲ روزه غزه بیانگر ابعاد گسترده‌ای از جنایت و نقض حقوق انسان‌های بی‌گناهی است که جرم آنها صرفاً تلاش برای آزادی وطن و سازش نکردن با دشمن است. در جنگ غزه بیش از ۱۳۴۰ شهروند فلسطینی شهید و ۵۴۰۰ نفر زخمی شدند که بیش از نیمی از آنان کودکان و زنان بودند. بر اثر این حملات تمام خانواده‌های فلسطینی در نوار غزه با تجربه تلخ از دست دادن اعضای خانواده خود روبه‌رو شدند. ۴۳۷ کودک زیر ۱۶ سال، ۱۱۰ زن، ۱۲۳ فرد مسن، ۱۴ عضو تیم پزشکی و ۴ خبرنگار در میان شهدا هستند.^۱ از سوی دیگر آژانس امداد سازمان ملل نیز اعلام کرد محاصره غزه ادامه دارد و ساکنان آن از امکان دسترسی به ضروریات زندگی بی‌بهره‌اند و اگر مرزها گشوده نشود، وضعیت وخیم‌تر خواهد شد.^۲

براساس گزارش نهادهای بین‌المللی میزان خسارات وارده به غزه ۲ میلیارد دلار برآورد شده

برای جهان اسلام انتفاضه‌ای قاسم غفوری



در رو قرار دادن آنها در برابر دولت قانونی حماس - ایجاد درگیری داخلی میان گروه‌های فلسطینی در غزه به سبب صورت نگرفتن بازسازی در غزه و مشکلات ایجادشده برای مردم.

- اعطای کمک‌ها به تشکیلات خودگردان می‌تواند تحرکی برای بیان مثبت بودن سازشکاری و پیامدهای منفی مقاومت باشد که از یک سو تقویت‌کننده خط سازش و توجیه عملکردهای ایوبازمن و کشورهای عربی سازشکار است و از سوی دیگر عامل تفرقه میان ساکنان غزه و کرانه باختری.

- معطوف شدن توجه فلسطینی‌ها به غزه و غفلت از سایر تحرکات توسعه‌طلبانه صهیونیست‌ها.

باتوجه به آنچه ذکر شد و با عنایت به این حقیقت که دشمنان مقاومت سعی دارند از مسئله بازسازی غزه به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کنند، اتحاد جهان اسلام برای بازسازی غزه امری ضروری است.

ب: توجه به بیت المقدس

روند تحولات فلسطین نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها به رغم مشکلات درونی و خارجی و حتی شکست در جنگ ۲۲ روزه غزه فعالیت‌های گسترده‌ای را برای اشغال کامل کرانه باختری و بیت المقدس در دستور کار دارند. مسئولان رژیم صهیونیستی برای یهودی‌سازی بیشتر شهر اشغالی قدس درصدد غصب خانه‌های فلسطینیان در این شهر هستند. آنها به بهانه‌های مختلف فلسطینی‌ها را از خانه‌هایشان در بیت المقدس اخراج و یهودیان را در این مناطق ساکن می‌کنند.^۴

در این چارچوب منابع خبری سرزمین‌های اشغالی از طرح رژیم صهیونیستی برای یهودی کردن قدس خبر دادند و اعلام کردند که رژیم صهیونیستی برای ساخت ساختمانی به مساحت ۹۵۰ مترمربع در بخش شمالی دیوارالبراق طرحی را در دست دارد. شیخ رائد صلاح، رئیس جنبش اسلامی و خطیب مسجدالاقصی ایفای نقش فوری اسلامی-عربی و فلسطینی برای تثبیت حضور ساکنان فلسطینی بیت المقدس و تاسیس یک صندوق اسلامی-عربی برای پوشش دادن این اقدام را خواستار شد.^۵ صهیونیست‌ها برای یهودی‌سازی قدس به هر

ترفندی متوسل می‌شوند، چنانکه آنها یک قطعه سنگ بزرگ تاریخی متعلق به کاخ امویان را از منطقه خاتونیه واقع در جنوب شرق مسجدالاقصی به سرقت بردند تا سیاست حذف آثار غیریهودی این مکان مقدس و اعلام آن به‌عنوان مکانی صرفاً یهودی را اجرا کنند.^۶

صهیونیست‌ها در کرانه باختری به منظور جداسازی کامل شهر قدس از دیگر مناطق فلسطینی‌نشین این منطقه نیز طرح‌هایی را اجرایی می‌کنند. آنها برآنند تا ارتباط جغرافیایی بین معالیه ادومیم و قدس تکمیل و این دو منطقه به هم وصل شود و از سویی کرانه باختری و قدس از هم جدا شوند.^۷

باتوجه به آنچه ذکر شد، به صراحت می‌توان گفت که صهیونیست‌ها برای اجرای این طرح‌ها تلاش می‌کنند تا فلسطینی‌ها و افکار عمومی جهان را به مسائل حاشیه‌ای سوق دهند ازجمله:

- استفاده از آمریکا برای ایجاد به اصطلاح روند صلح در خاورمیانه که با به بازی گرفتن کشورهای عربی اجرا می‌شود.

- ایجاد جنگ فلسطینی با فلسطینی برای شکست اتحاد فلسطینی‌ها

- ادامه حملات و محاصره غزه - جوسازی رسانه‌ای علیه ایران، سوریه و حزب الله لبنان

آغاز انتفاضه‌ای فراگیر برای حمایت از فلسطین در جهان اسلام تا تحقق آرمان تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف، ضروری است



- ایجاد بحران‌های امنیتی در سایر نقاط جهان نظیر بحران‌هایی که در پاکستان و عراق و حتی آفریقا مشاهده می‌شود.

- استفاده از آمریکا و اروپا برای ایجاد جنجال‌های جهانی به منظور دور کردن افکار عمومی از فلسطین.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی از تحولات فلسطین می‌توان گفت که امروز غزه، کرانه باختری و بیت المقدس بیش از هر زمان دیگری به یاری و اتحاد جهان اسلام نیاز دارند، چراکه سیاست‌های آشکار و پنهان صهیونیست‌ها برای غلبه بر این مناطق به شدت در حال اجرا شدن است.

در این چارچوب جا دارد جهان اسلام گام‌هایی برای حمایت از فلسطین بردارد، از جمله:

- اتحاد جهان اسلام برای بازسازی غزه و پایان دادن به وعده‌های پوشالی غرب در این زمینه.

- شکستن کامل محاصره غزه - استفاده از افکار عمومی جهان برای حمایت از مقاومت و مقابله با خط سازش و صهیونیست‌ها

- فعال‌سازی سازمان کنفرانس اسلامی برای حمایت واحد جهان اسلام از آرمان‌های ملت فلسطین

- پی‌گیری طرح‌های محاکمه سران جنایتکار رژیم صهیونیستی و متحدان آنها

- اقدام عملی برای اجرای اصل تحریم کالاهای صهیونیستی و کشورهای حامی آنها

در این میان آغاز انتفاضه‌ای فراگیر برای حمایت از فلسطین در جهان اسلام تا تحقق آرمان تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف، ضروری است. ■

منابع:

- ۱- پایگاه اینترنتی فلسطین الیوم، ۱۳۸۷/۱۱/۱
- ۲- هفته‌نامه نیوزویک ۱۳۸۷/۱/۱۶
- ۳- گزارش خبرگزاری فرانسه ۱۳۸۷/۱۲/۱۳
- ۴- خبرگزاری آلمان، ۱۳۸۷/۱/۱۶
- ۵- همان
- ۶- روزنامه «الانجاد» چاپ امارات ۱۳۸۷/۱/۱۶
- ۷- خبرگزاری آلمان ۱۳۸۷/۱/۱۷
- ۸- روزنامه صهیونیستی هآرتس ۱۳۸۷/۱۱/۲۳

سلطنت پهلوی و اسرائیل

محمدتقی تقی‌پور

یهودی‌های اصفهان بود. برادرانش آلبرت و بن‌حور در سال ۱۹۴۹ م / ۱۳۲۸ ش، و پدر و مادرش در سال ۱۹۵۰ م / ۱۳۲۹ ش، به فلسطین کوچ کردند و به دامن اسرائیل پناه بردند. عزری پیش از این، چندین بار به ایران اعزام شده بود. در سال ۱۹۴۷ م / ۱۳۲۶ ش، یعنی یک سال قبل از تاسیس اسرائیل وی به عنوان دبیر جنبش خلوتص [پیشاهنگی] به شیراز اعزام شده بود تا با همکاری دیگر نمایندگان صهیونیست میان جامعه ده هزار نفری یهودی‌های آن شهر، افکار صهیونیستی را ترویج و تبلیغ کند.

واردات بی‌حد و حصر انواع محصولات و کالاهای ساخت اسرائیل، بازار ایران را به تسخیر اسرائیلی‌ها در آورده بود. به نوشته بعضی منابع آن زمان، اقلام و محصولات فراوانی نیز با معافیت گمرکی، یعنی بدون پرداخت هرگونه حق گمرکی یا عوارض، وارد کشور و پخش می‌شد

آن در منطقه بود.^۱ در میان کشورهای خاورمیانه، ایران تنها کشوری بود که ابتدا سیاست همکاری پنهانی با اسرائیل را پیش گرفته بود. در واقع، روابط با اسرائیل مناسبات ایران با کلیه همسایگانش را تحت الشعاع قرار داد[...]. دولت ایران به ماموران موساد اجازه داد که در ایران فعالیت کنند؛ یعنی از بدو تاسیس اسرائیل، ایران از اعراب حمایت لفظی می‌کرد و به اسرائیل کمک پنهانی می‌داد.^۲

ویلیام شوکراس درباره عکس العمل شاه برای به رسمیت شناختن اسرائیل می‌نویسد:

«شاه گفته بود، اگر نخست وزیر و وزیر امور خارجه

موافق شناسایی اسرائیل هستند من حرفی ندارم.»^۳

البته دولت ایران چند ماه پیش از به رسمیت شناختن اسرائیل، عباس صیقل را به عنوان نماینده خود در اسرائیل، به سرزمین فلسطین اعزام کرده بود.

با شناسایی رژیم غاصب صهیونیستی، موقعیت عناصر یهودی و کانون‌ها و جمعیت‌های فعال آن‌ها در ایران بیش از پیش تقویت و تحکیم شد و تلاش‌های گوناگون سیاسی؛ اقتصادی و فرهنگی آن‌ها گسترش و شدت یافت. اسرائیل نیز به طور غیررسمی دفتر نمایندگی یا همان سفارت خود را در ایران برپا کرد.

در این مقطع، نمایندگان دولت اسرائیل مثل صوی آزوی [دورئیل تحت پوشش سازمان‌ها و موسسات مختلف صهیونی در ایران فعالیت می‌کردند.

وی مدتی نیز با عنوان رئیس بخش اقتصادی آژانس یهود و نماینده اتاق بازرگانی اسرائیل در تهران و مسئول دایره کنسولی اسرائیل در ایران فعالیت می‌کرد.

مثیر عزری، یهودی ایرانی تبار صهیونیست، نماینده دیگر اسرائیل در ایران بود که در سال ۱۹۵۸ م / ۱۳۳۷ ش، وارد ایران شد. عزری فرزند صیون از

پس از اعلام موجودیت و تاسیس اسرائیل در اردیبهشت سال ۱۳۲۷ ش، ماه مه ۱۹۴۸ م، حضور اشخاص، کانون‌ها و جمعیت‌های یهودی و صهیونیستی در ایران و ارتباط و همکاری آن‌ها با مقامات رسمی کشور وارد مرحله نوینی شد. نفوذ و اقتدار اشرافیت یهود و کمپانی‌های قدرتمند یهودی اروپا و آمریکا از یک سو و پشتیبانی بی‌چون و چرای آن‌ها از رژیم جدیدالتاسیس اسرائیل و به علاوه قدرت گسترده و روزافزون محافل یهودی، صهیونیستی، فراماسونری و بهایی در سراسر کشور، از نظر سردمداران عرصه سیاست و قدرت در ایران، به ویژه شخص محمد رضا پهلوی و اطرافیان و درباریان او واقعیتی بود که نباید نادیده گرفته می‌شد.

از دیدگاه آن‌ها برای تثبیت و تحکیم قدرت حکومت و سلطنت پهلوی در داخل کشور و حتی منطقه و نیز تقویت روابط بین‌المللی دولت شاهنشاهی، ضروری بود تا از این اهرم بهره برداری شود.

از سوی دیگر با توجه به قدرت بی‌چون و چرای آمریکا و انگلیس و نیز اشخاص و کانون‌های یهودی، ماسونی و بهایی در داخل کشور و وابستگی همه جانبه مقامات بلند پایه رژیم، اتخاذ سیاست مستقل و مبتنی بر مصلحت و منافع ملی کشور و مسلمانان، مفهوم و جایگاهی در عرصه سیاست خارجی ایران نداشت.

بر این اساس، رژیم پهلوی در اسفند سال ۱۳۲۸ در زمان نخست وزیر محمد ساعد مراغه‌ای، اسرائیل را به صورت «دو فاکتو» به رسمیت شناخت و این خبر در ۲۴ اسفند همان سال از طریق برخی رسانه‌های خبری پخش و منتشر شد. در این زمان حسین علاؤزیر امور خارجه ایران بود که روابط بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با صهیونیست‌ها داشت. به نوشته ویلیام شوکراس، شناسایی اسرائیل از سوی ایران یک موفقیت سیاسی برای اسرائیل و شکستن دیوار انزوای سیاسی



او همچنین نمایندگی داشت تا در شهرهای مختلف یهودی‌نشین در ایران، شعبه‌های این تشکل صهیونی را پایه‌گذاری کند. به ادعای عزری، خلوتص در این زمان حدود سه هزار عضو فعال داشت.

از آنجا که دولت ایران، صهیونیسم را به رسمیت شناخته بود، خلوتص نیز آزادانه در شهرهای مختلف فعالیت داشت.

در شهر آبادان حدود ۳۰۰ نفر یهودی جای گرفته بود که برای همکاری با ارتش انگلستان در جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ م / ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ ش، به آن شهر آمده بودند.

این قبیل افراد در شهرهای دیگر نیز با لباس فرم نظامی ارتش انگلستان حضور داشتند اما عمدتاً در راستای برنامه‌ها و اهداف سازمان‌ها و کانون‌های صهیونیستی تلاش و فعالیت می‌کردند.^۴

عزری به عنوان دبیر جنبش خلوتص که نمایندگی بعضی دیگر از جمعیت‌های صهیونیستی را نیز عهده دار بود، با این قبیل گروه‌ها ارتباط و همکاری تشکیلاتی در

ایران داشت. لذا پس از عهده دار شدن سمت نمایندگی رسمی اسرائیل در ایران از تمامی این ارتباطات و امکانات در مسیر اهداف اسرائیل بهره‌برداری کرد.

در همین دوران بود که روابط و همکاری‌های اسرائیل و رژیم پهلوی در زمینه‌های مختلف سیاسی، بازرگانی، نظامی، اطلاعاتی، فرهنگی، بانکی، کشاورزی، ورزشی و... روز به روز افزایش و گسترش یافت.

برای مثال؛ ایران متعهد بود بخش عمده نفت مورد نیاز اسرائیل را تامین کند که در موقعیت صنعتی و اقتصادی و افزایش قدرت ماشین جنگی اسرائیل تاثیر به‌سزایی داشت.

انتقال بدون وقفه نفت از خارک به بندر ایلات در فلسطین و همکاری مشترک ایران و اسرائیل در تاسیس و راه اندازی خط لوله نفت ایلات - اشکلون در اراضی اشغالی، معروف به «شاه لوله» و ایجاد کمپانی‌های مشترک ایرانی و اسرائیلی در حوزه‌های نفتی، مثل «ترانس آسیاتیک» و یا کمپانی معروف به «مصرف‌گاز» که چهل درصد سهام آن به ایمانوئل راسین یهودی روسی تبار تعلق داشت، تنها نمونه‌ای از تاخت و تازهای اسرائیلی در ایران آن دوره بود.^۵

ماموران و وابسته‌های نظامی اسرائیل در ایران از جمله یعقوب نیمرودی، افرائیم هود، شاموئیل گات، ژنرال اسحاق سگب (سگو) و... از جمله کسانی بودند که همراه نمایندگان موساد مستقر در تهران، عزری را به طرق مختلف پنهانی مساعدت و پشتیبانی می‌کردند.

فقر اطلاعات و کاستی‌های پژوهش و تاریخ‌نگاری در این عرصه موجب شده است تا بسیاری از مردم ایران درباره حضور و تکاپوی رازآلود صدها نمونه از این افراد در ایران، هیچ گونه آگاهی نداشته باشند.

در دورانی که مئیر عزری نمایندگی سفارت اسرائیل را در ایران عهده‌دار بود، صدها شرکت و کمپانی صهیونیستی نام و نشان دار، به طور رسمی در ایران فعالیت می‌کردند. کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی تا دفاتر نمایندگی بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌های یهودی و اسرائیلی در زمینه‌های مختلف نفت، پتروشیمی، سد سازی، پل سازی، خانه سازی، هتل سازی، تولید انواع سموم، کشاورزی، آبیاری، دامداری، مرغداری، صادرات و واردات، بازرگانی، بانکداری، تجارت و تولید دارو، حمل و نقل، معاملات نظامی و تسلیحاتی، صادرات فرش‌های نفیس و... در شهرهای مختلف ایران، حضوری فعال و

موقعیتی مناسب داشتند که برای پرهیز از تطویل مقال از ذکر اسامی و صاحبان آن‌ها ناگزیر خودداری می‌شود.

علاوه بر شرکت‌ها و کمپانی‌های یاد شده. صدها موسسه، شرکت، کارخانه و مرکز تولیدی، صنعتی، بازرگانی و بانکی نیز در آن زمان متعلق به زرسالاران یهود ایران بود که در عرصه‌های گوناگون فعالیت انحصاری داشتند. از کارخانه‌های یخچال جنرال استیل، پلاسکو، صنایع پارس و آمریکا، شرکت صنعتی روغن نباتی و صابون متعلق به خانواده‌های القانیان (حبیب، صیون، عطاء اله و پسران) تا کارخانه‌های یخچال‌سازی وستینگهاوس متعلق به برادران یهودی (سعید و مسعود حکیم)؛ گروه صنعتی شیراز متعلق به حشمت اله کرمانشاهی که شرکت‌های متعددی را مثل روغن نرگس شیراز و... تحت پوشش و تملک داشت؛ کارخانه‌های زنجیرهای متعلق به مراد اریه مثل: کاشی ایرانا، کارخانه‌های پلاستیک سازی، کارخانه‌های موکت بافی، کارخانه‌های ملامین؛ تا کارخانه‌های مشروب‌سازی میکده، متعلق به خانواده‌های سیمانطوب؛ شراب‌سازی ایران می متعلق به اسحاق شمسی؛ مشروب سازی باختر متعلق به اسحاق حکیم‌زاده در کنار بیش از یک صد مورد مشابه که نگارنده آن‌ها را شناسایی کرده، تماماً به غارت ثروت مردم ایران مشغول بودند.^۶

علاوه بر این، صدها یهودی در مراکز و موسسات صنعتی، تولیدی، بانکی و بازرگانی که جایگاه مهم و حساس در کشور داشتند، حضور و نفوذ شگفت‌انگیزی داشتند.

از جمله، ذوب آهن اصفهان، شرکت ملی نفت ایران، پتروشیمی، ده‌ها بانک متعلق به دولت.

روزنامه اسرائیلی جروزالم پست در سال ۱۳۳۰ شمسی، به نقل از موشه (موسی) برال نماینده یهود ایران در مجلس شورای ملی که به تل‌آویو سفر کرده بود، تعداد ثروتمندان یهود ایران را پنج هزار نفر و تعداد یهودی‌های ثروتمند درجه اول کشور را یک هزار نفر اعتراف و اعلام کرد.^۷ نیاز به توضیح ندارد که بسیاری از این افراد به اشکال مختلف سرمایه‌های باد آورده خود را پس از تبدیل به دلار از طریق بانک‌های آمریکا، انگلیس و سوئیس به بانک‌های اسرائیل منتقل و یا در شهرهای مختلف اسرائیل مثل تل‌آویو، ناتانیا، هرتسلیا و... در بخش‌های مختلف تولیدی، صنعتی، ساخت و ساز و... سرمایه‌گذاری می‌کردند.



**انتقال بدون وقفه نفت
از خارک به بندر ایلات در
فلسطین و همکاری مشترک
ایران و اسرائیل در تاسیس
و راه اندازی خط لوله نفت
ایلات - اشکلون در اراضی
اشغالی، معروف به «شاه
لوله» و ایجاد کمپانی های
مشترک ایرانی و اسرائیلی
در حوزه های نفتی، مثل
«ترانس آسیاتیک» و یا
کمپانی معروف به «مصرف
گاز» که چهل درصد سهام آن
به ایمانوئل راسین یهودی
روسی تبار تعلق داشت، تنها
نمونه ای از تاخت و تازهای
اسرائیلی در ایران آن دوره
بود**



در خاتمه، امام، خطر اصلی برای کیان اسلام را
«خطر یهود» اعلام می کند و می فرماید:

«... حالا که خطر بر اسلام وارد شده و آن خطر یهود
است و حزب یهود - که همین حزب بهائیت است
- این خطر که حالا نزدیک شده، اگر آقایان علمای
اعلام، خطبا، طلاب، همه با هم، هم صدا بگویند که
ما نمی خواهیم که یهود بر مقدرات ما حکومت کند، ما
نمی خواهیم که مملکت ما با مملکت یهود هم پیمان
شود!... آقایان با یهود هم پیمان می شوند!»^{۱۱}

سیطره صهیونیست ها بر منابع اقتصادی و مالی
کشور، مسئله ای نبود که امام از آن غافل و به آن
بی توجه باشد؛ آن چنان که فرمود: «هدف اسلام است،
استقلال مملکت است؛ طرد عمال اسرائیل است؛ اتحاد
با کشورهای اسلامی است. الان تمام اقتصاد مملکت
در دست اسرائیل است، عمال اسرائیل اقتصاد ایران را
قبضه کرده اند. اکثر کارخانجات در دست آن ها اداره
می شود؛ تلویزیون، کارخانه ارج، پرسی کولا»^{۱۲}
امام به مناسبت صدور حکم بازداشت و محکومیت
بعضی شخصیت های روحانی و علمی، ضمن ابراز تأسف
و اعلام نگرانی خود می افزاید:

«تأسف بالاتر، تسلط اسرائیل و عمال اسرائیل است بر
بسیاری از شؤون حساس مملکت و قبضه نمودن اقتصادیات
آن، به کمک دولت و عمال دستگاه جبار. اسرائیل با دول
اسلامی در حال جنگ است، و دولت ایران با کمال دوستی
با او رفتار می کند و همه نحو وسایل تبلیغ و ورود کالاهای
آن را فراهم می سازد.»^{۱۳}

واردات بی حد و حصر انواع محصولات و کالاهای ساخت
اسرائیل، بازار ایران را به تسخیر اسرائیلی ها در آورده بود.
به نوشته بعضی منابع آن زمان، اقلام و محصولات فراوانی
نیز با معافیت گمرکی، یعنی بدون پرداخت هر گونه حق
گمرکی یا عوارض، وارد کشور و پخش می شد.

حضرت امام با اشاره به سلطه صهیونیست ها بر بازار
ایران، در این باره، چنین افشاگری کرده است:

«امروز اقتصاد ایران به دست آمریکا و اسرائیل است؛
بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است
و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگانان و زارع
نشسته است؛ اصلاحات آقایان بازار سیاه برای آمریکا و
اسرائیل درست کرده است.»^{۱۴}

در همین مقطع تاریخی، حضرت امام به توطئه

به گواهی اسناد موجود، بسیاری از ثروتمندان یهود
ایران دارای دو شناسنامه و پاسپورت، یعنی ایرانی و
اسرائیلی بودند.^{۱۵}

دسترسی و دستیابی به این اسناد و اطلاعات - که
زمانی در نهانخانه اسرار، بایگانی و طبقه بندی می شد -
اگرچه امروز نیز بسیار سخت و دشوار است اما غیر ممکن
نیست. آگاهی از عمق و گستره این مهم و آشنایی با ماهیت
یهودی و صهیونیستی بسیاری از رویدادها، ارتباطات،
مبادلات، معادلات، معاملات، فعالیت ها و عکس العمل ها
در آن دوران، بدون برخورداری از اطلاعات، هوشمندی،
ذکاوت و حضور استثنایی در عرصه مناسبات سیاسی،
اجتماعی و فرهنگی ممکن نبود.

عجیب است که حضرت امام، گویی به تمامی این
اسرار و اطلاعات، در همان دوران، وقوف داشت. امام،
روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۲، یعنی حدود یک ماه قبل
از حادثه پانزده خرداد، طی سخنانی در مسجد اعظم
قم، تهاجم رژیم به مجالس و مساجد و مراکز دینی، از
جمله فیضیه و سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری طلاب
و مردم را اقدامی در جهت تأمین خواست و منافع اسرائیل
و یهود در ایران و ناشی از نفوذ و حضور آن ها در حوزه های
سیاستگذاری، برنامه ریزی و مشورتی در کنار مقامات
درجه اول دربار و دولت اعلام کرد.

امام در این سخنرانی، جدیت و خشونت رژیم شاه را
در تعقیب بعضی افراد به اتهام «اعلام خطر برای اسلام
از دست یهود»، مورد مذمت، نفرت و سرزنش قرار داد
و در مقام سؤال از شخص اول مملکت فرمود:

«... آقا مگر شما یهودید؟ مگر مملکت ما مملکت
یهود است.»^{۱۶}

در این سخنرانی، حضرت امام با اشاره به سیطره یهودی ها
و ایدای آن ها در ایران، هر گونه سکوت و بی توجهی علمای
دین را همراهی با رژیم جبار اعلام می کند:

«وای بر این مملکت! وای بر این هیأت حاکمه!
وای بر این دنیا، وای بر ما! وای بر این علمای ساکت
! وای بر این نجف ساکت! این قم ساکت! این تهران
ساکت! این مشهد ساکت! این سکوت مرگبار اسباب
این می شود که زیر چکمه اسرائیل، به دست همین
بهایی ها، این مملکت ما، نوامیس ما پامال شود...»^{۱۷}
سکوت امروز، سکوت همراهی با دستگاه جبار است؛
نکنید سکوت.»^{۱۸}

سیاسی و فرهنگی رژیم پهلوی به منظور بدبین کردن مردم به روحانیت و تلاش آن‌ها برای کاهش نفوذ و ارتباط روحانیت در میان مردم اشاره می‌کند و در پاسخ به مقامات حکومتی چنین می‌فرماید:

«اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد؛ اسیر آمریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد اسرائیل اقتصاد ایران را قیضه کند؛ نمی‌گذارد کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته شود.»^{۱۵}

حضور فعال اسرائیلی‌ها و کمپانی‌های صهیونیستی مثل؛ شرکت «تهال» و اجرای مدل‌های «کیبوتص»‌های اسرائیل در ایران، مثل؛ دشت قزوین^{۱۶} و برخی دیگر از مناطق شمال، جنوب و غرب کشور؛ توطئه خزنده دیگر اسرائیلی‌ها برای پیشبرد اغراض خود در ایران و از بین بردن انواع محصولات و کشاورزی سنتی و جانشین کردن روش‌ها و نمونه‌های اسرائیلی با هدف وابسته کردن کشور در این عرصه بود.

حضرت امام، از همان آغاز فعالیت اسرائیلی‌ها در این حوزه، با عکس‌العمل منفی خود، قشرهای مختلف مردم، به ویژه علما و روحانیون، اندیشمندان و آگاهان سیاسی را درباره خطر این حرکت خزننده هشدار داد:

«الان که من این جا نشسته‌ام، برای شما صحبت

می‌کنم، مزارع بسیار خوب ایران - بسیاری اش - در دست اسرائیل است! از ایلام به من نوشته‌اند که مزارع خوب این جا را داده‌اند اسرائیلی‌ها چغندر بکارند. تابلویی زده‌اند کنار جاده که مزرعه نمونه ایران و اسرائیل! این آقایانی که می‌گویند: اسرائیل را ما کنار زده‌ایم، روزنامه اسرائیل که برای من آمده است، آورده‌اند، نوشته بود این که سفیر اسرائیل در ایران، تهران، آقایان می‌گویند که ما کاری نداریم با اسرائیل!!^{۱۷}

یادآوری این مهم خالی از فایده نیست که بسیاری از وزیران و مقامات بلند پایه کشور از همان ابتدا، از طریق زد و بندهای سیاسی و مالی، به طور جدی زمینه‌ها را در این عرصه برای رژیم صهیونیستی و ماموران اسرائیلی مهیا می‌کردند.

ارسنجانی وزیر وقت کشاورزی، جانشین او اسماعیل ریاحی، دکتر عبدالمجید مجیدی، ایرج وحیدی، مسعود عالیخانی، عبدالعظیم ولیان و...، از جمله نمونه‌هایی در این رابطه‌اند.

اعزام جوانان به اسرائیل، تحت عناوینی چون اردوهای علمی، فرهنگی، تورهای مسافرتی و ورزشی و تحصیلات تکمیلی، به منظور از بین بردن قبح رابطه با رژیم صهیونیستی و ایجاد فضای روانی برای عادی سازی روابط با اشغالگران، از جمله برنامه‌های مشترک رژیم پهلوی و اسرائیل بود که در آن دوران با جدیت تمام دنبال می‌شد. برگزاری جشنواره‌های مختلف، مسابقات ورزشی و بازدیدهای گروهی به خصوص برای دانشجویان از جمله توطئه‌ها در این مسیر بود که حضرت امام با هوشیاری تمام درباره آن هشدار می‌دادند:

«بالاخر از آن ذخایر تحت الارضی، این ذخایر فوق الارضی است. این جوان‌های ماست. آقا! جوان‌های ما را دارند می‌برند، خدا می‌داند؛ جوان‌های دول اسلامی را دارند می‌برند. یک دسته آمریکاست و یک دسته نمی‌دانم کجاست [...] و یک دسته دیگری هم الان دارند به اسرائیل می‌روند.

الان در منزل من موجود است. آن مجله دانشجویان، سازمان دانشجویان ایران در اسرائیل الان موجود است. آقا! این ذخایر ما این جوانان هستند. این جوان‌های ما را دارند اغفال می‌کنند؛ دارند به آن‌ها تزریق می‌کنند که هر بدبختی شما دارید از اسلام است.»^{۱۸}

حرکت دیگر رژیم در این زمینه، اعزام کارمندان،

کارکنان و کارشناسان سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و مراکز مختلف به اسرائیل، برای فراگیری آموزش‌های به اصطلاح تخصصی و کارشناسی بود.

حضرت امام در یکی از سخنرانی‌های خود، ضمن نکوهش ادعاها و تبلیغات دولتمداران رژیم مبنی بر ترقی و پیشرفت کشور و مملکت، فرمود:

«این مملکت مترقی [است] که الان نسبت به هر چیزش احتیاج دارد به خارج؟ از اسرائیل کارشناس می‌آورد؛ ای وای؛ به اسرائیل می‌فرستند که یاد بگیرند. شهرداری‌ها امسال از قم رفته‌اند؛ از قم اشخاصی رفته‌اند یعنی فرستاده‌اند آن‌ها را که بروند [...] در آن جا چیز یاد بگیرند. من نمی‌دانم از یهودی‌ها می‌خواهند چه چیز یاد بگیرند؟ از آن‌ها تقلب باید یاد بگیرند؛ از آن‌ها خدعه و فریب باید یاد بگیرند. چه چیز می‌خواهند یاد بگیرند؟»^{۱۹}

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱- ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، صص ۹۱ - ۹۲.

۲- همان.

۳- همان ص ۹۴.

۴- منیر عزری، پیشین، دفتر اول.

۵- همان منبع، دفتر دوم.

۶- ر.ک : محمدتقی تقی‌پور، پژوهش صهیونیت، کتاب دوم، مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، صص ۳۸۶ تا ۳۹۸.

۷- ر.ک : مرضیه یزدانی، اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۲۰۵.

۸- برای اطلاعات بیشتر، مراجعه شود : سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران.

۹- سخنرانی امام، ۱۳۴۲/۲/۱۲، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱۲.

۱۰- همان، ص ۲۱۳.

۱۱- همان، ص ۲۱۶.

۱۲- سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان، ۱۳۴۳/ ۱/ ۲۱، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۷.

۱۳- پیام به ملت ایران، ۱۸ / ۱ / ۱۳۴۳ ش، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۱.

۱۴- پیام امام به علما و روحانیون، ۴ آبان ۱۳۴۳، صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۴.

۱۵- همان، ص ۴۱۷.

۱۶- منیر عزری، سفیر اسرائیل در ایران، در جلد اول یادنامه به طور مفصل این مسئله را توضیح داده و تشریح کرده است.

۱۷- سخنرانی امام، ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ ش، صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۸۶ - ۳۸۷.

۱۸- سخنرانی در جمع روحانیون، ۱۸ شهریور ۱۳۴۳ ش، صحیفه امام، ج ۱، صص ۳۸۱ - ۳۸۲.

۱۹- سخنرانی امام؛ ۱۳۴۳/ ۱/ ۲۶، صحیفه امام، ج ۱ ص ۳۰۵.



وضعیت نظامی حماس

(جنبش مقاومت اسلامی فلسطین)
بخش دوم
مجید صفاتاج



نیروهای حماس که بیشتر اعضای آن را ساکنان اردوگاه‌ها و فلسطینیان مقیم اراضی اشغالی تشکیل می‌دهند کارایی و توان رزمی بالایی دارند. بازوی نظامی حماس نخست‌بانام «مجاهدان فلسطین» به عملیات‌های متهورانه و موفقیت آمیز بر ضد منافع اسرائیل دست زد.

آنگاه در سال ۱۹۹۱ با تشکیل گردان‌های «عزالدین قسام» دامنه عملیات نظامی‌اش توسعه یافت که طی آن خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی به نیروهای صهیونیستی وارد شد. هدایت و فرماندهی شاخه نظامی حماس را شهید یحیی عیاش به عهده داشت.^۱

سازماندهی نیروهای شاخه نظامی حماس بر اساس هسته‌های مستقل و همراه با تقسیم‌بندی وظیفه‌ای و منطقه‌ای صورت گرفته است. هر دسته به گونه‌ای خودکفا حداکثر پنج نفر را در خود جای داده است و به سه نوع عملیاتی، اطلاعاتی و پشتیبانی تقسیم می‌شود. تنها فرمانده هسته است که از طریق یک رابط با فرمانده منطقه در ارتباط است و اعضای هسته از ماهیت اعضای دیگر هسته‌ها بی‌اطلاع‌اند. هر شهر در کرانه باختری و نوار غزه چند هسته دارد که مسئولیت فرماندهی این هسته‌ها بر عهده یکی از نیروهای زبده و قدیمی است و یک رابط نیز وظیفه ارتباط این فرمانده با مسئولان هسته‌ها و ارتباط فرمانده با تشکیلات امنیتی در خارج را بر عهده دارد. در واقع ارتباط بین هسته‌ها با تشکیلات خارج بسیار محدود است و تنها در موارد نیاز یک رابط اعزامی از خارج با رابطان مناطق تماس برقرار می‌کند.

این نیروها و هسته‌ها تابع مقررات خشک و انعطاف ناپذیر نیستند، بلکه با توجه به اوضاع و متناسب با موقعیت به طور مستقل تصمیم‌گیری می‌کنند. به جز فرماندهان اصلی و برخی عناصر تقریباً بیشتر نیروها و رزمندگان حماس در داخل ناشناخته‌اند و نزد صهیونیست‌ها نیز سوابق امنیتی ندارند.^۲

حماس محور عملیاتی خود را تنها در داخل سرزمین‌های اشغالی متمرکز ساخت و با اجرای عملیات برون مرزی بر ضد اهداف اسرائیل مخالف بود. این جنبش در طول حیات سیاسی خود با اجرای صدها رشته عملیات نظامی و با حمله به شهرک‌های یهودی نشین، امنیت اسرائیل را در سراسر فلسطین اشغالی به مخاطره انداخت که عملیات شهادت طلبانه نیز از آن جمله بود.

جنبش حماس در محافل مردمی فلسطین پایگاه مستحکمی دارد و از سازمان‌های فعال و تأثیرگذار بر روند انتفاضه به شمار می‌آید. از این رو پیوسته در معرض هجوم گسترده نیروهای صهیونیستی قرار دارد. طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ شمار فراوانی از عناصر طرفدار آن بازداشت و تبعید شدند. افزون بر آن، با

استقرار نیروهای تشکیلات خودگردان در نوار غزه عده‌ای از نیروهای حماس به سبب اجرای عملیات نظامی بر ضد اسرائیل توسط پلیس فلسطینی سرکوب شدند. از آن پس حجم عملیات نظامی حماس کاهش یافت. زیرا از درگیری مستقیم با پلیس فلسطین و تشدید حملات سرکوبگرانه

اسرائیل بر ضد ساکنان نوار غزه بیم داشت.^۳ در ۱۶ آوریل ۱۹۹۳ شاخه نظامی حماس اولین عملیات استشهادی خود را در قهوه خانه محل تجمع سربازان در شهرک میحوالا انجام داد. در این عملیات شهید «ساهر التمام بش» یک اتومبیل بمب‌گذاری شده را در بین دو خودروی نظامیان صهیونیست منفجر کرد و خود نیز به شهادت رسید.

پس از این تاریخ، این نوع عملیات، به عنوان نوعی عملیات موثر، در دستور کار شاخه نظامی حماس قرار گرفت. تقریباً تمامی این گونه عملیات‌ها در داخل اراضی ۱۹۴۸ انجام گرفته و در مقایسه با سایر عملیات‌ها بیشترین تلفات جانی را از صهیونیست‌ها بر جای گذشته است. مهم‌ترین و مؤثرترین عملیات در زمستان ۱۹۹۶ صورت گرفت که طی آن شش عملیات استشهادی متوالی در مدت یک هفته اجرا شد و ضمن بر جا گذاشتن خسارات و تلفات زیاد، بر نتایج انتخابات نخست وزیری رژیم صهیونیستی نیز اثر گذاشت و باعث شکست حزب کار در این انتخابات شد.

فعالیت حماس

اوضاع حاکم بر فلسطین اشغالی در دوره‌های مختلف باعث شده است که فعالیت و نیز میزان و نوع عملیات حماس به تبعیت از آن تغییر کند. این دوره‌ها عبارتند از: دوره اول از ابتدای تشکیل حماس در سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۳ یعنی سال استقرار نهاد خودگردان فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه را شامل می‌شود. دوره دوم پس از استقرار نهاد خودگردان شروع شد و تا مذاکرات کمپ دیوید دوم در سپتامبر ۲۰۰۰ ادامه یافت. دوره سوم از ابتدای انتفاضه الاقصی (۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰) شروع شد و تا زمان تشکیل دولت منتخب حماس ادامه داشت. دوره چهارم نیز از زمان تشکیل دولت حماس شروع شده و تاکنون ادامه دارد.

این چهار دوره مشخصه‌هایی دارد و شرایط محیطی متفاوتی را بر حماس تحمیل کرده و عملکرد نظامی حماس در داخل نیز با توجه به آن شکل گرفته است. در اینجا به طور مختصر برخی از مشخصه‌های هر دوره

ذکر می‌شود.

دوره اول:

۱- نداشتن تجربه کافی: در این دوره رزمندگان حماس غالباً جوانانی بودند که با انگیزه‌های اسلامی و انقلابی به حماس پیوسته بودند. اما امکانات و زمان کافی برای آموزش و سازماندهی مناسب آنها فراهم نشده بود. برای مثال، در یک عملیات، رزمندگان حماس از فاصله نزدیک با اسلحه کلاشیکف یک اتوبوس صهیونیست‌ها را به رگبار بستند، اما از یک خشاب فشنگ تنها پنج گلوله به اتوبوس اصابت کرد. یا اینکه در برخی موارد که رزمندگان توانسته بودند واحدهای گشتی صهیونیست‌ها را به هلاکت برسانند، به علت ناآگاهی، از برداشتن اسلحه و تجهیزات آنها غفلت کرده بودند.

۲- کمبود امکانات و تجهیزات: به طور کاملاً طبیعی در اوایل کار، حماس تجهیزات نظامی کمی در دست داشت، به گونه‌ای که در اغلب عملیات خود به رغم شجاعت و جسارت رزمندگان این کمبود به چشم می‌خورد. مثلاً در یک هسته پنج نفره، تنها یک اسلحه در اختیار افراد قرار می‌گرفت. بعداً با افزایش توانمندی و کسب تجربه در زمینه جمع‌آوری و تهیه تجهیزات به روش‌های مختلف این کمبود تا حدی جبران شد. به گونه‌ای که پس از مدتی حماس قادر به ساخت مواد منفجره و راکت شد.

۳- تقسیم نشدن وظایف: در این دوره، هنوز یک سازماندهی مشخص که در آن سه وظیفه اصلی اطلاعاتی، عملیاتی و پشتیبانی تقسیم‌بندی شده باشد به وجود نیامده بود.

۴- رابطه نسبتاً دوستانه و مثبت رزمندگان حماس با رزمندگان سایر گروه‌ها به ویژه گروه فتح.

۵- حضور مستقیم نیروهای نظامی صهیونیست در مناطق شهری کرانه باختری و نوار غزه. این حضور مستقیم در شهرها امکان عملیات علیه آنها را فراهم می‌کرد.

۶- با توجه به بافت مردمی و جدید بودن حماس، رژیم صهیونیستی نیز از آن اطلاعات کمتری داشت. این موضوع موجب شده بود که نیروهای حماس ضربات کمتری را متحمل شوند.

۷- طی این دوره ۸۳ عملیات مهم و اساسی توسط حماس به اجرا درآمد که خسارات چشمگیری به صهیونیست‌ها زد.

دوره دوم:

به رغم اینکه در این دوره کمبودها و ضعف‌های حماس در بخش نظامی تا حد زیادی برطرف شد، حضور عرفات در مناطق فلسطینی و تعهد وی برای تأمین امنیت صهیونیست‌ها (بر اساس توافق اسلو) مانع بزرگی برای حماس محسوب می‌شد؛ زیرا درگیر شدن با نیروها و سازمان‌های فلسطینی برای حماس به عنوان یک خط قرمز تعیین شده بود و حماس نیز ناچار بود برای اجتناب از این درگیری هزینه زیادی بپردازد. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که عرفات پس از استقرار در منطقه کرانه باختری و نوار غزه به تأسیس ده‌ها سازمان و تشکیلات امنیتی اقدام کرد و بسیاری از رزمندگان سابق فتح (در داخل) را به خدمت این سازمان‌ها درآورد. این نیروها نیز که در سال‌های قبل با نیروهای حماس همکاری می‌کردند، اطلاعات خوبی از حماس در اختیار داشتند و به نهاد خودگردان برای کنترل حماس کمک زیادی کردند. همین موضوع باعث شد تا حماس انرژی و توان زیادی را برای ایجاد تغییرات لازم به منظور حفظ امنیت خود به کار گیرد.

به طور خلاصه مشخصه‌های دوره دوم عبارتند از:

- ۱- رفع کمبودها و نقیصه‌های دوره اول؛
- ۲- حضور تشکیلات خودگردان به عنوان یک مانع و دستگیری عده‌ای از رهبران و فرماندهان حماس توسط نهاد خودگردان فلسطین؛
- ۳- شناسایی توسط صهیونیست‌ها و اجرای طرح ترور فرماندهان نظامی حماس؛
- ۴- افزایش ارتباط با بخش خارجی؛
- ۵- ورود نوع جدیدی از عملیات به نام عملیات استشهادی به صحنه نبرد.

دوره سوم:

پس از گذشت هفت سال از امضای توافقنامه اسلو و اصرار صهیونیست‌ها بر اجرا نکردن تعهداتشان در خصوص تشکیل دولت مستقل فلسطینی، حل مسئله قدس، آوارگان و... فلسطینیان اندک امید خود را از عرفات و روند مذاکرات سازش از دست داده بودند و بار دیگر به شکل سابق مبارزه، یعنی انتفاضه روی آوردند. این انتفاضه پس از آن شروع شد که شارون (رهبر وقت حزب لیکود) برای اثبات حاکمیت صهیونیست‌ها بر مسجد الاقصی در اقدامی هتک آمیز وارد صحن این مسجد شد. به همین سبب، این انتفاضه نام انتفاضه الاقصی را بر خود گرفت.

با شروع انتفاضه الاقصی تقریباً تمامی نیروهای فلسطینی موجود در صحنه فلسطین، به نوعی وحدت غیررسمی رسیدند و بخش اعظم جنبش فتح و نهاد خودگردان فلسطین که از سال ۱۹۹۳ از صحنه نبرد فاصله گرفته بودند، مجدداً وارد مرحله عملیاتی شدند. با وجود اینکه حماس طی یک ماه اول انتفاضه در همکاری با نیروهای فتح احتیاط به خرج می‌داد، پس از آن با تمام توان به صحنه آمد و در تشکیل کمیته مقاومت مردمی به طور فعال مشارکت کرد.

مشخصه‌های اصلی این دوره به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- توانایی حماس در تولید مواد منفجره و موشک‌های ابتکاری در داخل؛
- ۲- به کارگیری سلاح خمپاره؛
- ۳- همکاری مناسب بین کلیه نیروهای مبارز؛
- ۴- افزایش بی سابقه عملیات علیه صهیونیست‌ها به



گونه‌ای که طی یک سال از ابتدای شروع انتفاضه الاقصی تنها حماس موفق به اجرای ۱۰۸ فقره عملیات علیه صهیونیست‌ها شد. در مجموع از ابتدای انتفاضه الاقصی تا پایان سال ۲۰۰۱، ۲۴۳ نفر از صهیونیست‌ها به هلاکت رسیدند و ۲۳۴۶ نفر از آنها نیز زخمی شدند که نزدیک به ۵۰ درصد این تلفات ناشی از عملیات حماس در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ بوده است.

در هفته‌های آخر سال ۲۰۰۱ به علت فشارهای بیش از حد داخلی و بین‌المللی، حماس ناچار شد با توقف عملیات در اراضی ۱۹۴۸ و عملیات خمپاره‌زنی موافقت کند، ولی حق خود را برای عملیات علیه نیروهای نظامی صهیونیستی در کرانه باختری و نوار غزه محفوظ

ادامه در صفحه ۴۵

کیست؟ نتانیاهو

کیست؟ نتانیاهو



«بنیامین نتانیاهو» ملقب به «بی‌بی» رئیس -
افراطی لیکود که پس از انتخابات اخیر پارلمان رژیم
صهیونیستی به سمت نخست‌وزیری این رژیم رسید،
در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۴۹ در تل‌آویو به دنیا آمد. و
دوران کودکی خود را در بیت‌المقدس سپری کرد و
تحصیلات دبیرستان را در آمریکا گذراند.

پدر وی در آمریکا در رشته تاریخ تدریس می‌کرد.
در سال ۱۹۶۷ به فلسطین اشغالی بازگشت و فوراً
به ارتش پیوست و در یگان ویژه تکاوری به فراگیری
فنون نظامی پرداخت. از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ افسر یگان
ویژه ضدترور بود، وظیفه اصلی این یگان شناسایی و
ترور مبارزان فلسطینی است.

نتانیاهو در چندین جنگ و عملیات تروریستی
شرکت داشته است. از جمله در عملیات فرودگاه
بیروت در سال ۱۹۷۰ که به هنگام ربوده شدن
هواپیمای «سابانا» مجروح شد. وی در سال ۱۹۷۲
ارتش را رها کرد. اما در سال ۱۹۷۳ به علت جنگ
و شکست رژیم صهیونیستی به ارتش بازگشت و به
درجه ژنرالی رسید.

در سال ۱۹۸۲ به درخواست «موشه آرنز» وزیر
جنگ سابق رژیم صهیونیستی به عنوان نایب رئیس
هیأت اعزامی این رژیم به واشنگتن رفت. این هیأت
وظیفه بررسی نحوه همکاری راهبردی میان آمریکا
و اسرائیل را به عهده داشت. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸
سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد شد.
نتانیاهو در سال ۱۹۸۸ معاون وزیر امور خارجه و از
سال ۱۹۹۱ نیز معاون «اسحاق شامیر» نخست‌وزیر
رژیم صهیونیستی بود. از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ به
عنوان نهمین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی انتخاب
شد و همزمان مسئولیت وزارت اسکان را نیز به عهده
داشت.

نتانیاهو در انتخابات سال ۱۹۹۹ رقابت را به حریف
اصلی خود یعنی «یهود باراک» رئیس حزب کار رژیم
صهیونیستی واگذار کرد، اما همچنان به عنوان یک
بازیکن فرعی در صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی

را به علت آنچه آن را «نبود شریک فلسطینی قانونی»
می‌نامیدند، رد کردند و آن را فرسوده خواندند.
بعد از این مواضع افراطی بود که جنبش مقاومت
فلسطین این موضع‌گیری‌ها را جنگ علیه ملت
فلسطین قلمداد کرد.

رئیس حزب لیکود در آستانه انتخابات پارلمانی
نیز بر مواضع تند خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین
عناصر تبلیغاتی تاکید کرد. او در اظهاراتی عقب‌نشینی
از بلندی‌های جولان و قدس شرقی را که «یهود
اولمرت» نخست‌وزیر مستعفی رژیم صهیونیستی به
دنبال آن بود، رد کرد.

نتانیاهو همچنین تهدید کرده است که به ایران
حمله خواهد کرد و برای نابود کردن حماس بار دیگر
غزه را به اشغال نیروهای صهیونیست در خواهد آورد.
کارشناسان مسائل سیاسی این اظهارات نتانیاهو
را به دور از واقعیت‌های موجود می‌دانند و معتقدند
که این اظهارات تنها برای جلب آراء محافل تندروی
صهیونیستی که بیشترین قدرت را در سرزمین‌های
اشغالی در دست دارند، صورت می‌گیرد.

نگاهی به ناتوانی رژیم صهیونیستی در تجاوز ۲۲
روزه اخیر به نوار غزه نیز این موضوع را به اثبات
می‌رساند. نتانیاهو در حالی از حمله به ایران و از بین
بردن نیروهای مقاومت سخن می‌راند که نظامیان
ارتش صهیونیستی حتی موفق نشدند با تمام امکانات
و تجهیزات خود، موشک‌های مقاومت فلسطینی به
سرزمین‌های اشغالی را که جزو مراحل اولیه اهداف
آنان در حمله به غزه بود، متوقف کنند.

نتانیاهو همچنین مدعی شده است که کابینه به
رهبری وی تنها کابینه رژیم صهیونیستی خواهد
بود که می‌تواند ابقای بلندی‌های جولان در دستان
اسرائیل را تضمین کند و نخواهد گذاشت که قدس
اشغالی تقسیم شود.

نتانیاهو در اظهارات تبلیغاتی خود گفته بود: قدس
هرگز بار دیگر تقسیم نخواهد شد، جاملا (نام عبری
جولان) نیز هرگز سقوط نخواهد کرد و در صورت
پیروزی لیکود، همچنان در دستان ما خواهد بود. ■

به نقل از: بولتن هفتگی اخبار فلسطین، مرکز مطالعات فلسطین، شماره ۱۴۲

خود را نگه داشت.
وی در سال ۲۰۰۲ و هنگامی که «آریل شارون»
یکی از سران راست‌گرای رژیم صهیونیستی قدرت را در
دست گرفت و بعد از استعفای «دیوید لوی» به وزارت
خارجه این رژیم منصوب شد، بعد از آن نیز از ۲۰۰۳ تا
۲۰۰۵ وزیر دارایی رژیم صهیونیستی شد. در سال
۲۰۰۵ بعد از اینکه نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی
که خود یکی از افراطی‌ترین سران اسرائیل بود و به
علت کشتار مردم فلسطین به «قصاب صبرا و شتیلا»
معروف شده بود، طرح خروج از نوار غزه را مطرح کرد،
نتانیاهو به عنوان اعتراض به این طرح از کابینه شارون
کناره‌گیری کرد.

بعد از اینکه شارون در پی تشدید اختلافات با
حزب لیکود در پی تصمیم به عقب‌نشینی یک‌جانبه
از غزه، از لیکود خارج شد و حزب به اصطلاح میانه‌رو
«کادیم» را تأسیس کرد، نتانیاهو بار دیگر به ریاست
لیکود برگزیده شد، تا این حزب همچنان در مواضع
افراطی خود باقی بماند.

برنامه سیاسی حزب لیکود در زمان ریاست نتانیاهو
به این صورت طراحی شد، در زمانی که بحث تشکیل
دو دولت فلسطینی و اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی
مطرح شده بود، این حزب به شدت با برپایی دولت
فلسطینی مخالفت می‌کرد، آنها همچنین با انتقال
اموال دولت منتخب فلسطین به ریاست «اسماعیل
هنیه» به غزه نیز مخالف بودند.

افراط‌گرایی لیکود تاحدی بود که آنها به‌کارگیری
کارگران فلسطینی از کرانه باختری و نوار غزه در
بخش صهیونیست‌نشین فلسطین اشغالی نیز به
شدت مخالف بودند. آنها همچنین طرح «نقشه راه»

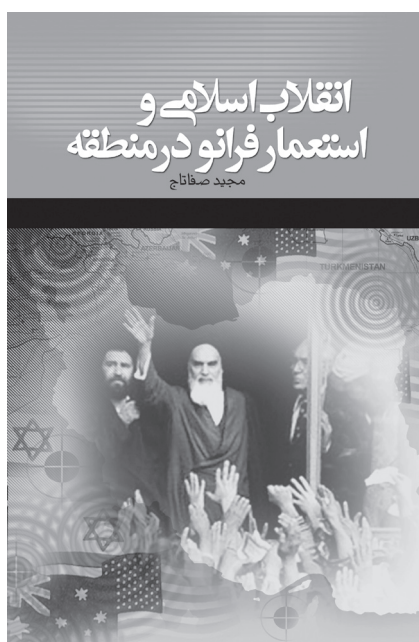
معرفی کتاب

«انقلاب اسلامی و استعمار فرانکو در منطقه»

نوشته مجید صفاتاج

ناشر: موسسه حامیان آزادی قدس و سفیر اردهال

در فصل اول کتاب با عنوان انقلاب اسلامی ایران، ماهیت، ویژگی‌های بین‌المللی انقلاب اسلامی و تأثیرات جهانی آن را مورد مطالعه قرار داده است. در فصل دوم، تهدیدات آمریکا بر ضدانقلاب اسلامی ایران شامل تهدیدات امنیتی، اشغال نظامی و تهدیدات نرم بر ضد ایران را بررسی کرده است. فصل سوم به موضوع نفت به عنوان رکن اصلی سیاست‌های آمریکایی- صهیونیستی اختصاص دارد. در فصل چهارم اهمیت راهبردی و اقتصادی منطقه خلیج فارس برای نظام سلطه جهانی بررسی شده است. در فصل‌های پنجم و ششم راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی و سیاست‌های آمریکا در منطقه توضیح داده شده است. در فصل هفتم از استعمار فرانکو و ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن به عنوان راهکار عملی سلطه‌گری آمریکا و صهیونیسم بر منطقه سخن گفته و در فصل هشتم مراحل اجرایی راهبرد آمریکا در منطقه را بر شمرده است. در فصل‌های نهم و دهم درباره راهبردهای خاورمیانه‌ای آمریکا و صهیونیسم پس از اشغال عراق، و راهبرد ضد ایرانی رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان بحث مفصلی شده است. در فصل‌های یازدهم و دوازدهم نیز به شکست راهبردهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی در منطقه در مقابل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است و در فصل آخر، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان غربی در مورد شکست راهبردها و سیاست‌های آمریکایی- صهیونیستی به صورت مستند بیان شده است. ■



و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود را بر ضد انقلاب اسلامی ایران در منطقه آغاز کرد تا با سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران و یا حداقل محدودسازی آن، همچون گذشته، منابع و ذخایر عظیم خلیج فارس را به یغما ببرد.

با توجه به دیدگاه فوق‌الذکر، مولف تلاش کرده تا در دوازده فصل، انقلاب اسلامی ایران و رویارویی آمریکا و صهیونیسم با آن را به تصویر بکشد و شکست تدریجی راهبردهای آمریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه، بیشتر نمایان سازد. وی این ادعای خویش را نیز با دیدگاه‌های نظریه‌پردازان غربی در مورد شکست راهبردها و سیاست‌های آمریکایی- صهیونیستی در منطقه همراه ساخته است. مولف

کتاب «انقلاب اسلامی و استعمار فرانکو در منطقه» به مناسب سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران چاپ و منتشر شده است. محتوای این کتاب درباره انقلاب اسلامی و تأثیرات و پیامدهای آن و همچنین سیاست‌های آمریکایی و صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و تقابل و رویارویی نظام سلطه جهانی و صهیونیسم بین‌الملل با انقلاب اسلامی ایران، به ویژه ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی آن است. این اثر که با استناد به منابع مکتوب، شامل کتاب‌ها و نشریات و نیز دیگر منابع رسانه‌ای مانند اینترنت تألیف شده است، صرفاً ابعاد بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده و تلاش کرده تا راهبردها و سیاست‌های ستیزه‌جویانه آمریکا و صهیونیسم را در برابر آن به تصویر بکشد. بر این اساس نویسنده معتقد است که انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا نظام برگرفته از آن ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی داشته باشد که در ابعاد بین‌المللی، از دیگر انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی جهان متمایز و تأثیرگذاری آن نیز بر دیگر ملل جهان به‌ویژه مردم مسلمان منطقه کاملاً چشمگیر باشد. بدین معنی که بُعد جهان‌شمولی انقلاب، بعد از مدت زمان کوتاهی تمام جهانیان را فراگرفت و توانست با تأکید بر فطرت الهی انسان‌ها و نگاه و بینشی جهانی، همه مستضعفان جهان به‌ویژه مسلمانان را مخاطب قرار دهد.

از این روست که با روشن شدن سیاست‌های جهان‌شمولی انقلاب اسلامی ایران، جبهه استکبار به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم جهانی، راهبردها



عبداللہ راستگو

بخش پنجم

کلاسیک و یهودیت تعبدی کنونی، آیه مشهور «تو رفیق خویش را همچون خودت دوست خواهی داشت» (لاوین ۱۹: ۱۸) را به عنوان دوست داشتن رفیق یهودی خود و نه رفیق انسانی (و غیر یهودی) بطور کلی درمی یابد. به همین ترتیب آیه «تو خون همنوع خویش را هدر نخواهی داد» (همان جا، ۱۶) به این معنا گرفته می شود که نباید بی حرکت ماند زمانی که زندگی و خون یک رفیق یهودی در خطر است اما نجات جان یک بیگانه (غیر یهودی) ممنوع است چراکه او، رفیق تو نیست... کلمه «انسان»

(آدم) به معنای یهودی گرفته می شود...^۳

«... تلمود بر آن است که چند دسته یهودی وجود دارد و آنها را به ترتیب صعودی، چنین تعریف می کند: عوام، کسانی که تنها کتاب مقدس را می شناسند. (دوم) کسانی که میشانه یا آگادا (فصل های تلمود) را نیز می شناسند و سرانجام کسانی که تحصیل کرده اند و می توانند درباره جنبه های حقوقی گمارا، داد سخن بدهند. تنها این آخری ها هستند که قادرند همراهان یهودی خویش را در همه موارد رهبری نمایند.»^۴

برای اینکه یک نمونه از این رهبران تحصیل کرده یهودی را بشناسیم، قدری از کتاب اسرائیل شاهاک فاصله می گیریم و خبری را که در جریان جنگ ۲۲ روزه غزه نقل شده است، در اینجا ذکر می کنیم:

«به نقل از خبرگزاری فرانسه، مردخای الياهو، خاخام اسرائیلی که مرجع مذهبی جریانی به نام «جریان ملی اسرائیل» است در نامه ای به ایهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل و سران ارتش این رژیم با اشاره به ماجرای در تورات، نوشت که غزه با این مساله تطبیق دارد و براساس تورات، کشتار زنان و کودکان غزه، شرعی است. در این نامه که در نشریه هفتگی یهودیان در کنیسه ها توزیع می شود، آمده است: از آنجایی که مردم غزه برای جلوگیری از شلیک موشک ها کاری انجام ندادند باید به طور دسته جمعی مجازات شوند. البته این «خاخام تحصیل کرده» توضیح نداده است که کودکان یک ماهه برای جلوگیری از شلیک موشک ها باید چه کاری انجام می دادند.»^۵

گمراه کننده باشد، مگر اینکه بتوانند عبری بخوانند... دیده ایم که در قلمرو باور، آزادی عمل بسیاری وجود دارد اما در مورد تفسیر قانونی متون قدسی، درست عکس آن است که اتفاق می افتد. در اینجا همه چیز به طور سفت و سخت تعیین شده است، توسط تلمود، و نه به وسیله خود کتاب مقدس. یهودیت کلاسیک و یهودی های متعبد کنونی بیشتر آیات کتاب مقدس را به معنایی درک می کنند که با معنای لفظی آن کاملاً متفاوت است... در ده فرمان، فرمان هشتم، یعنی: تو دزدی نخواهی کرد. (سفر خروج ۲۰: ۱۵) به عنوان ممنوعیت دزدی از فرد یهودی تفسیر می گردد. دلیل این امر آن است که بنا بر تلمود، همه اعمالی که ده فرمان ممنوع کرده گناهان کبیره است (اما) دزدی اموال، یک گناه کبیره نیست و ربودن اموال بی گناهان و غیر یهودیان به دست یهودی ها را قانون تلمودی مجاز شمرده است...^۶

«در موارد متعددی، واژه های کلی از قبیل «همانند تو»، «بیگانه» یا حتی «انسان» به معنایی انحصارطلبانه و قوم گرایانه گرفته شده اند. یهودیت

در نشریه هفتگی یهودیان

آمده است:

از آنجایی که مردم غزه
برای جلوگیری از شلیک
موشک ها کاری انجام ندادند
باید به طور دسته جمعی
مجازات شوند

در شماره های قبل گفتیم که تلمود مجموعه تفاسیر تورات و دستورالعمل های اجرایی علمای یهود است که در کتابی نزدیک به ۳۰ جلد، همه زندگی یهودی ها را تحت نظام و قاعده درمی آورد. این کتاب ظاهراً بعد از تورات است اما درواقع از آن مهم تر و برای یهودی ها مقدس تر و باارزش تر است.

در عین حال به دلیل مطالب بسیار زننده و توهین آمیزی که درباره غیر یهودیان در این کتاب هست، معمولاً آن را از چشم و دست غیر یهودی ها پنهان می کنند. به همین دلیل برای پی بردن به محتویات آن و برای آنکه گرفتار احساسات و حب و بغض نشویم باید به مدارک اصیل و به افراد مطمئن رجوع کرد.

یکی از این مدارک و افراد مورد وثوق منبع زیر است:

تاریخ یهود، مذهب یهود، بار سنگین سه هزاره. این کتاب نوشته اسرائیل شاهاک^۱ است که استاد شیمی در دانشگاه اورشلیم بود - و ظاهراً چند سال قبل فوت کرده است - و چون فردی لائیک است و اعتقادات مذهبی ندارد، به تلمود هم عنایت دینی ندارد و به راحتی درباره آن انتقاد می کند. شاهاک در اسرائیل ساکن بود و به اصل عبری تلمود دسترسی داشته و در کتاب خود موارد زیادی را از این کتاب نقل می کند که به راستی شگفت آور است. بخش هایی از این کتاب خواندنی را نقل می کنیم:

«... آنچه بیشتر آدم های «بسیار مطلع» به گمان خویش از یهودیت می دانند می تواند بسیار



باز می‌گردیم به مطالب شاهاک:

«تلمود رسماً این گونه وام (با بهره) را ممنوع می‌کند و برای هر یهودی که از وامی که به یهودی دیگر داده، بهره می‌گیرد، مجازات سنگینی پیش‌بینی می‌نماید. برعکس به گفته بیشتر مقامات تلمودی، این یک وظیفه مذهبی است که وقتی وامی به بیگانگان داده می‌شود، بیشترین بهره، اخذ گردد.»^۶

«بر یهودیان ممنوع است که حتی زنی را که به یهودیت گرویده است به همسری اختیار نمایند؛ چرا که هالاخا (دستگاه قوانین یهودیت کلاسیک مبتنی بر تلمود بابلی) این اصل را وضع می‌نماید که هر زن غیریهودی یک روسپی است.»^۷

«... ترور رهبر، یکی از تاریخدانان نوین بسیار نادری است که توجه داده است که یهودیان دیرزمانی حاملان و تاجران اصلی بردگان، میان اروپای قرون وسطایی (مسیحی و مشرک) و دنیای مسلمان بوده‌اند. ابن‌میمون (بزرگ‌ترین عالم یهودی تلمودی) به منظور تسهیل این امر مذموم، یهودیان را به نام مذهبشان مجاز نمود که کودکان غیریهودی را برای فروش بربایند.»^۸

«قتل یک یهودی، گناهی کبیره است (اما) اگر قربانی یک بیگانه و غیریهودی باشد، قضیه کاملاً فرق می‌کند. آن یهودی که بیگانه‌ای را به عمد می‌کشد تنها گناهی خلاف قوانین آسمان مرتکب گشته است و یک دادگاه نمی‌تواند او را به مجازات برساند و اگر به طور غیرمستقیم باعث مرگ یک بیگانه شود به هیچ روی گناهی مرتکب نشده است... در مورد یک بیگانه، نباید برای آزار او دست بلند کرد بلکه می‌توان به او به‌طور غیرمستقیم آزار رساند؛ مثلاً با ربودن نردبان، زمانی که او در گودالی افتاده است. در اینجا ممنوعیتی در کار نیست چه این کار مستقیماً انجام نگرفته است... در زمان جنگ، همگی بیگانگان که به یک جمعیت دشمن تعلق دارند، می‌توانند - یا حتی باید- کشته شوند. از ۱۹۷۳ این دیدگاه به نظامیان اسرائیلی مذهبی، ترویج شده است... زیرا که گفته شده است: بهترین بیگانگان را بکشید...»^۹

برای پرهیز از طولانی شدن مطلب خواننده گرامی را به خواندن اصل کتاب رجوع می‌دهیم و برای آنکه کمی هم از فضای کشت و کشتار و تبعیض و نفرت دور شویم چند سطری از کتاب را در

فضایی دیگر اما از همان تلمود نقل کرده و موضوع را ختم می‌کنیم:

«دوشیدن شیر گاوان در روز سبت (شنبه)؛ این عمل مطابق قواعد مذهبی ممنوع گشته است... در اینجا، اختلاف بزرگی میان خاخام‌های صهیونیست و غیرصهیونیست پدید آمد... خاخام‌های غیرصهیونیست یک عبارت باستانی را نبش قبر کرده‌اند که اجازه می‌دهد گاو را در روز سبت، سبکبار گردانند به این شرط آشکار که شیر بر روی زمین بپاشد. اما راه حل: شنبه صبح، یک کیبوتص‌نشین مومن، به اصطیل می‌رود و سطل‌ها را زیر گاوها می‌نهد - در سراسر ادبیات تلمودی، چنین کاری را ممنوع نمی‌نماید- بعد برای دعا و نماز به کنیسه می‌رود. در این اثناء یکی از رفقای او به اصطیل وارد می‌شود با این نیت شرافتمندانه که با جاری کردن شیر گاوان بر روی زمین، مانع رنج بردن آنان گردد. اما اگر به تصادف، درست در زیر گاوها، سطلی وجود داشته باشد، آیا باید آن را بردارد؟ هیچ جا چنین کاری تجویز نشده است. پس او ماموریت نیکوکارانه خویش را به انجام می‌رساند و در همان حال سطل‌ها پرمی‌شود و خود او نیز روانه کنیسه می‌گردد. سرانجام یک رفیق مومن سوم به اصطیل سر می‌زند و از کشف سطل‌های پر از شیر، شگفت‌زده می‌شود! آنها را در جای خنکی می‌گذارد و به رفقاییش در کنیسه می‌پیوندد...»^{۱۰}

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

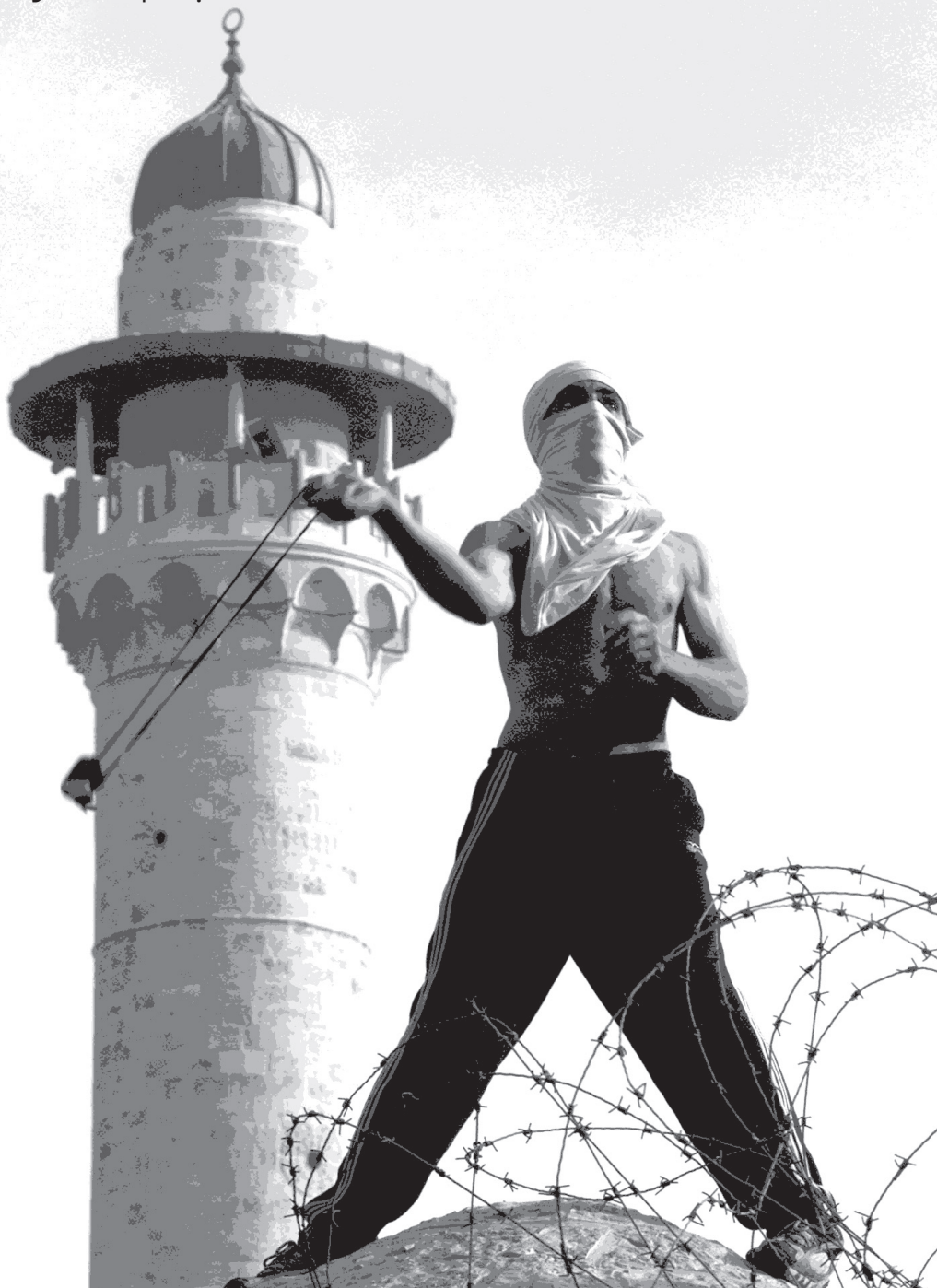
- ۱- کتاب «تاریخ یهود- مذهب یهود، بار سنگین سه هزاره، تالیف اسرائیل شاهاک، ترجمه دکتر مجید شریف است. از انتشارات چاپخش، چاپ اول، سال ۱۳۷۶. گویا ترجمه دیگری نیز از این کتاب منتشر شده است.
- ۲- این قسمت خلاصه و اندکی هم ویرایش شده صفحات ۱۰۲ تا ۱۰۴ است.
- ۳- صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶
- ۴- صفحه ۱۱۰
- ۵- به نقل از بولتن هفتگی مرکز مطالعات فلسطین، شماره ۱۳۷، ص ۱۱، ۸۷/۱۰/۲۸
- ۶- کتاب شاهاک، ص ۱۱۶
- ۷- همان، ص ۱۵۳ پاورقی
- ۸- همان، ص ۱۶۶ پاورقی
- ۹- با تلخیص از صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۲
- ۱۰- ص ۱۹۱ و ۱۲۰ اسرائیل شاهاک تذکر می‌دهد که او خود این راه‌حل را در سال ۱۹۵۲ در یک کیبوتص دیده است.

رژیم مصر و فرزند نامشروع اوسلو «فتح»، با استفاده از اختیارات واگذار شده به آنها از سوی مقامات صهیونیستی در صدد نابودی ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت برآمده‌اند و نکته جالب توجه در این مسئله این است که رژیم اشغالگر قدس با واگذاری این مسئولیت به طرف‌های مصری و فلسطینی خود را از زیر بار سنگین اجرای آن که حتی جنگ اخیر غزه نیز در تحقق آن موفق نبود، خلاص کرده است. اما «محمود عباس» رئیس سابق تشکیلات خودگردان فلسطین و گروه رام‌الله با آغوش باز از این تفویض اختیار مقامات صهیونیستی استقبال کرده و به امید دریافت پاداش از سوی اربابان صهیونیستی و آمریکایی خود، تمام تلاش خود را برای فراهم کردن مقدمات اجرای این خواسته‌های صهیونیستی به کار گرفته‌اند و این پاداش‌ها ممکن است در قالب کمک‌های اطلاعاتی و نظامی این طرف‌ها به تشکیلات رام‌الله تقدیم شود.

استمداد جنبش فتح از رژیم صهیونیستی و رژیم مصر برای مقابله با گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطین و نابودی آنها که در جریان گفتگوهای جاری در قاهره صورت گرفت، نمی‌تواند نتیجه‌ای جز تقویت موضع جنبش مقاومت اسلامی «حماس» به عنوان حافظ و پاسدار مخلص و صادق منافع ملی فلسطین داشته باشد. علاوه بر این، استمداد مقامات فتح از رژیم صهیونیستی و دولت مصر و در مقابل به گرسنگی کشاندن ملت فلسطین از سوی این گروه باعث تقویت نگرش عمومی ملت فلسطین به مقامات جنبش فتح و گروه‌های جناح چپ می‌شود که آنها را صرفاً ابزاری می‌دانند که رژیم اشغالگر قدس با استفاده از آنها سعی در حذف مسئله فلسطین دارد. تعامل فزاینده بار و توجیه‌ناپذیر دولت مصر با ملت فلسطین و به ویژه اتخاذ سیاست‌های سرکوبگرانه و امنیتی صرف و از سوی دیگر تعامل امنیتی و تهدیدآمیز آمیخته با نگرش خشونت‌آمیز و برتری‌جویانه «عمر سلمان» رئیس سازمان اطلاعات مصر و معاون وی با جنبش حماس باعث تقویت این نگرش مردمی در میان ملت فلسطین می‌شود. وقتی مقامات مصری در جریان گفتگوی ملی گروه‌های فلسطینی در قاهره خطاب به رهبران جنبش حماس می‌گویند «زود باشید توافق‌نامه را امضا کرده و ما را خلاص کنید، این به نفع شماست» عبارت «این به نفع شماست»

مساجد حماس در مقابل کازینوهای فتح!

به قلم: احمد الفلو



بدین معناست که در غیر این صورت محاصره همه جانبه نوار غزه از سوی مصر شدت بیشتری به خود خواهد گرفت. علاوه بر این، مسئولان مصری به هنگام بازگشت رهبران مقاومت به نوار غزه در گذرگاه مرزی «رفح» آنها را با دقت تمام تفتیش کرده و اموالی را که سعی در وارد کردن آنها به نوار غزه داشتند، مصادره می کنند. مطمئناً این اقدامات با همکاری جنبش فتح و به منظور اعمال فشار علیه جنبش حماس برای پذیرش پاره ای از شروط زیانبار و نامقبول که به منظور نابودی مقاومت وضع شده اند، صورت می گیرد.

در حال حاضر هیچ اثری از ملی گرایی در میان رهبران جنبش فتح و بدنه این جنبش باقی نمانده است که بتوانند به آن افتخار کنند و یا به دستاوردهای سیاسی خود بیالند. کارنامه این جنبش مملو از جنایت ها و خیانت های متعدد از قبیل: کوتاهی در زمینه حقوق ملی فلسطینیان، عقب نشینی از حق ملت فلسطین در قدس شریف، در راستای تقویت همکاری های امنیتی خود با دشمن صهیونیستی در مقابل گروه های مقاومت، همکاری اطلاعاتی با سازمان های صهیونیستی برای ترور مبارزان فلسطینی است. این جنبش در بعد اخلاقی نیز کارنامه توجیه پذیری را از خود به جای گذاشته و تخلفات بی شمار آن که از جمله آنها می توان به سرقت اموال سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و خزانه های تشکیلات خودگردان، تامین سیمان مورد نیاز برای احداث دیوار حایل در اراضی فلسطینی، تامین آرد مورد نیاز شهر کنشینان صهیونیست، تصویب قانونی مبنی بر ارت بردن زن و یا نزدیکان وی از اموال شوهر، احداث و راه اندازی کازینوی فحشا و قمار در اریحا برای رفاه حال اربابان صهیونیستی خود اشاره کرد. مقامات جنبش فتح ادعا دارند که این اقدامات و مذاکرات آنها با طرف صهیونیستی نشانگر رشد و بلوغ عقلی آنها و در مقابل فعالیت های جهادی و مقاومتی جنبش حماس ناشی از عدم رشد و بلوغ فکری آنهاست.

رنگ باختن ارزش ها و بی توجهی به مسائل اخلاقی در میان رهبران و اعضای جنبش فتح باعث شده است که این جنبش، مشروعیت انقلابی خود در میان ملت فلسطین را از دست داده و به یک شرکت تجاری برای تحقق منافع مالی مدیران و مشتریان خود بدل شود. این جنبش در ادامه این مسیر، در مقابل سنگرهای گروه های مقاومت، اقدام به ساختن برج و هتل کرده

در حال حاضر هیچ اثری از ملی گرایی در میان رهبران جنبش فتح و بدنه این جنبش باقی نمانده است که بتوانند به آن افتخار کنند

و پس از تن دادن به همکاری های امنیتی و اطلاعاتی گسترده با سازمان اطلاعاتی موساد رژیم صهیونیستی و نیز اجرای برنامه های ژنرال «کیت دایتون» آمریکایی، مشروعیت ملی خود را نیز از دست داد و ژنرال دایتون با تقدیم سلاح و آموزش عناصر آن، در صدد تحقق منافع رژیم صهیونیستی و مبارزه با گروه های مقاومت فلسطینی برآمد. بدیهی است که همکاری این جنبش با عناصر قلدرمآب سرویس های امنیتی مصر برای ترور و سرکوب و به گرسنگی کشاندن زنان و کودکان نوار غزه و استفاده از عناصر خود برای جاسوسی از گروه های مقاومت و رهبران آنها به نفع دشمن صهیونیستی، باعث شده است که این جنبش از ابتدایی ترین اصول انسانی نیز دور شود. اگر تاریخ، ده ها صفحه سیاه در کارنامه جنایت های رژیم صهیونیستی ثبت کند، مطمئناً در کارنامه رژیم حاکم مصر و دار و دسته عباس و دحلان در رام الله نیز صدها صفحه پر از خیانت و فریب را ثبت خواهد کرد. با نگاهی به سیر عملکرد جنبش فتح پس از امضای توافقنامه اوسلو تاکنون، می بینیم که سازمان موساد رژیم صهیونیستی، رژیم حاکم بر مصر، مشتریان شجاع!! کازینوی اریحا و ژنرال دایتون بزرگ، چهار رکن اساسی اداره این جنبش بوده اند و در واقع اوضاع نابسامان این جنبش به جسد نیمه جانی می ماند که این طرف های چهارگانه در اتاق مراقبت های ویژه

رنگ باختن ارزش ها و بی توجهی به مسائل اخلاقی در میان رهبران و اعضای جنبش فتح باعث شده است که این جنبش، مشروعیت انقلابی خود در میان ملت فلسطین را از دست داده و به یک شرکت تجاری برای تحقق منافع مالی مدیران و مشتریان خود بدل شود

قلبی «CCU» برای نجات آن از مرگ حتمی تلاش می کردند و با سوق دادن آن به اعطای امتیازات سیاسی و تساهل خیانت بار درباره مسئله فلسطین تلاش داشتند حیات سیاسی این جنبش را به آن بازگردانند. شاید همین مسئله اهتمام طرف های صهیونیستی-آمریکایی به نگهداشتن جنبش فتح در حالت مرگ مغزی و احیای حیات آن با استفاده از کمک های مالی و سیاسی، عاملی بود که جنبش حماس را به ارائه طرحی مبنی بر تشکیل مرجعیت مقاومت به موازات ساف که جنبش فتح آن را تحت سیطره خود درآورده است، واداشت، تا بدین ترتیب بتواند آتش مقاومت را همچنان شعله ور نگهدارد و اجازه ندهد که مقامات منفعت طلب جنبش فتح مسئله فلسطین را در معرض مزایده عمومی قرار دهند. از سوی دیگر، همین مسئله باعث شد که جنبش فتح مانع از انجام هرگونه اصلاح واقعی در ساختار ساف و یا اصلاح رویکردهای سیاسی آن شود.

در این مسئله هیچ شکی نیست که ورود مقتدرانه اسلامگرایان به عرصه مبارزاتی و سیاسی فلسطین باعث تقویت مسئله فلسطین شده و در نهایت همین مبارزاتی که اهل قرآن و مسجد بودند، توانستند پیروزی های چشمگیری در مقابل رژیم صهیونیستی را رقم بزنند که نمونه های آن را می توان در جنگ فرقان و ایستادگی و پایداری ملت فلسطین در مقابل گرسنگی و انسداد گذرگاه ها و نیز شعله ور شدن آتش مقاومت و مقابله با سرکشی ها و یاغی گری های عناصر عباس علیه ملت مظلوم فلسطین در کرانه باختری به عینه مشاهده کرد. اگر مزدوران و عناصر سرسپرده به ژنرال دایتون فکر می کنند که با ترور و بازداشت و شکنجه ائمه مساجد و تعطیلی مراکز حفظ قرآن خواهند توانست جلوی گسترش موج اسلامگرایی و مقاومت را بگیرند، به خطا رفته اند و این مصداق بارز این آیه است که «پیریدون ان یطفؤا نورا لله باقوا هم و یابی الله الا ان یتم نوره و لو کره الکافرون» (سوره توبه آیه ۳۲) آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود (فوت کردن) خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران کراهت داشته باشند. ■

به نقل از: هفته نامه دفتر جنبش مقاومت اسلامی «حماس» در تهران، شماره ۹۸

کوین آلفرد استروم

Kevin Alfred Strom

مواضع و دیدگاه‌های استروم را در چند بخش می‌توان بررسی کرد:

۱) مبارزه با سلطه یهودیان آمریکا

کوین آلفرد استروم سلطه یهودیان بر آمریکا را «خطرناک‌ترین تهدید فراروی منافع ملی آمریکا می‌داند»^۵ وی تاکنون در قالب گزارش‌ها، مقالات، نشست‌ها و همایش‌های مختلف، بارها و بارها درباره خطر سلطه یهودیان هشدار داده است. به طور نمونه وی در مقاله مفصلی با عنوان «چه کسانی بر آمریکا حکومت می‌کنند؟»^۶ پرده از نفوذ یهودیان در رسانه‌های جمعی مختلف این کشور برداشته است.

استروم همچنین با اشاره به شکل‌گیری سازمان‌های یهودی آمریکا معتقد است که «این‌گونه سازمان‌ها نیز همواره در جهت

ضربه زدن به منافع آمریکا فعالیت می‌کنند.» برای مثال می‌توان به مقاله این نویسنده با عنوان «انجمن ضداقترا؛ بزرگ‌ترین دشمن آمریکا» (The ADL: America's Greatest Enemy) اشاره کرد که استروم در آن به ضررهای جبران‌ناپذیری که این سازمان به منافع آمریکا وارد آورده، می‌پردازد.^۷ استروم در این مقاله به مسئله «جاسوسی اطلاعاتی این سازمان به نفع یهودیان و رژیم صهیونیستی» اشاره می‌کند. وی ثابت می‌کند که این انجمن در واقع یک سازمان جاسوسی خارجی است که در آمریکا مشغول جمع‌آوری اطلاعات در مورد افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مخالف رژیم صهیونیستی است. به همین سبب نیز استروم معتقد است که این سازمان بزرگ‌ترین دشمن آمریکاست و آن را یک گروه شیطانی (Nefarious group) می‌نامد. او در این مقاله می‌گوید: «آنها که به نام حقوق مدنی فعالیت می‌کنند، سال‌هاست که اخبار و اطلاعات را تحت کنترل خود دارند و ما را از طریق یک نظم جدید جهانی، برده خود کرده‌اند. آنها همچنین کارهایی را در قالب فعالیت‌های حقوق بشر، ولی در اصل برای شست و شوی مغزی ما انجام می‌دهند.» وی بر این نکته تأکید می‌کند که ADL مدعی است که در «جست و جوی حقیقت» است، در حالی که درگیر جاسوسی غیرقانونی علیه شهروندان آمریکایی شده و همچون «کاگ‌ب» عمل می‌کند.^۸

جالب اینکه پس از طرح دیدگاه‌های استروم، شبکه خبری ABC، در تایید اظهارات استروم گزارش داد: اسنادی در جهت تایید فعالیت‌های جاسوسی ADL به نفع اسرائیل وجود دارند و این اسناد نشان می‌دهند که انجمن ضداقترا، فعالیت‌های حدود ۱۰ هزار نفر از مردم آمریکا را که با سیاست‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی مخالف بوده‌اند زیر نظر داشته است.^۹

استروم جنگ افغانستان، عراق و حمله احتمالی به ایران را برای یهودیان آمریکا و در جهت تأمین منافع رژیم صهیونیستی می‌داند، چراکه با از بین رفتن قدرت‌های منطقه‌ای اولین برنده واقعی این قضیه رژیم صهیونیستی است

امروز یهودیان به‌رغم جمعیت اندک خود که در خوش‌بینانه‌ترین حالت در حدود ۱۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود^۱ توانسته‌اند در سراسر جهان به ویژه آمریکا در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نفوذ چشمگیری داشته باشند. یهودیان آمریکا عمدتاً با استفاده از رسانه‌ها سعی می‌کنند برنامه‌های خود را با روش‌های مختلف و متنوع در این کشور منعکس کنند. دفاع از منافع یهودیان در سراسر جهان و رژیم صهیونیستی و جانبداری از رفتار این رژیم در قبال فلسطینیان همواره در اولویت این برنامه‌ها قرار دارد. صرف هزینه‌های هنگفت به نفع اسرائیل سبب شده تا برخی از روشنفکران و متفکران آمریکایی درصدد مخالفت با این روند برآیند و به افشای قدرت یهودیان در حوزه‌های مختلف این کشور بپردازند.

در این گزارش قصد داریم به معرفی یکی از این روشنفکران به نام کوین آلفرد استروم بپردازیم. نامبرده که یک فعال سیاسی در آمریکاست، سال‌هاست سعی کرده مردم را از وجود چنین قضایی در کشورش آگاه سازد. وی تاکنون به‌رغم محدودیت‌ها و موانع بی‌شماری که در مقابلش قرار داشته، بر عقاید و اندیشه‌های خود پافشاری کرده است.

زندگی‌نامه

کوین آلفرد استروم در سال ۱۹۵۹ در آمریکا متولد شد.^۲ استروم از سال ۱۹۸۲ رسماً فعالیت‌های سیاسی خود را با عضویت در سازمان اتحاد ملی (National Alliance) آغاز کرد. این سازمان با هدف دفاع از منافع جمعی ملت آمریکا و افشای سلطه و نفوذ سایر اقلیت‌ها و نژادها، به ویژه نژاد یهود تاسیس شده است. بعدها استروم توانست با پیگیری‌های مداوم در سال ۱۹۹۱ یک برنامه رادیویی را به صورت هفتگی تحت عنوان صداهای مخالف آمریکا (American Dissident Voices) تحت مدیریت سازمان اتحاد ملی راه‌اندازی کند، که تاکنون نیز آن را ادامه داده است.^۳ متأسفانه باید خاطرنشان کرد که استروم بعدها از طرف برخی از روسای این سازمان، به تکروری و توطئه علیه رهبری این سازمان متهم و اخراج شد. وی در تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۰۵ از سازمان اتحاد ملی کناره‌گیری کرد.^۴ استروم و برخی از حامیان وی پس از کناره‌گیری از سازمان اتحاد ملی، سعی کردند از طریق ایجاد یک سازمان جدید تحت عنوان «حافظان ملی» (National Vanguard) به ترویج افکار و اندیشه‌های خود در زمینه افشای نفوذ و سلطه یهودیان در این کشور و سایر کشورهای جهان بپردازند.

۲) دیدگاه استروم درباره رژیم صهیونیستی

اگرچه کوین آلفرد استروم بیشتر حملات خود را به تلاش یهودیان برای سلطه بر آمریکا معطوف کرده اما معتقد است که یهودیان تافته جدابافته از رژیم صهیونیستی نیستند و لذا تامین منافع یهودیان به معنای تامین منافع رژیم صهیونیستی است. برای نمونه، استروم جنگ افغانستان، عراق و حمله احتمالی به ایران را برای یهودیان آمریکا و در جهت تامین منافع رژیم صهیونیستی می‌داند، چراکه با از بین رفتن قدرت‌های منطقه‌ای اولین برنده واقعی این قضیه رژیم صهیونیستی است.^{۱۰} در همین زمینه، استروم در مقاله‌ای با عنوان «جنگ ترور» (The war of Terror) نوشت: «جنگ‌های صورت گرفته در خاور میانه همگی به نفع صهیونیسم و با تحریک آن صورت گرفته و می‌گیرند».

وی در بخشی از این مقاله می‌گوید: جرج بوش، جنگ‌ها را در جهت منافع رهبران و روسای رژیم صهیونیستی تدارک می‌بیند و درواقع منافع اسرائیل را تامین می‌کند. وی همچنین وقوع ۱۱ سپتامبر را کاملاً به نفع یهودیان رژیم صهیونیستی می‌داند و معتقد است که برنده واقعی این نبرد، یعنی نبرد با تروریسم، یهودیان بوده‌اند. چراکه نتیجه واقعه ۱۱ سپتامبر، بسیج جهانی علیه دشمنان اسرائیل بود و حادثه ۱۱ سپتامبر توانست به تدریج دشمنان اسرائیل و عمدتاً مسلمانان را هدف قدرت‌های جهانی قرار دهد.^{۱۱}

۳) مواضع استروم در قبال آنتی‌سمیتیسم

استروم معتقد است که بحث آنتی‌سمیتیسم عمدتاً ساخته و پرداخته خود یهودیان است و آنان سعی می‌کنند از آن به عنوان حرب‌ای برای سرکوب مخالفان خود بهره بگیرند. «نژادپرست واقعی، یهودی‌اند. کسانی که برای حفظ برتری و منافع نژادی خود دست به هر جرم و جنایتی می‌زنند و به راحتی آن را توجیه می‌کنند.»^{۱۲} استروم افراط‌گرایی یهودیان را ناشی از وجود عباراتی در تلمود می‌داند که سبب شده تا یهودیان از این عبارات به عنوان دستاویزی برای از بین بردن مخالفان خود، بهره بگیرند.^{۱۳}

فعالیت‌ها و اقدامات

کوین آلفرد استروم برای عملیاتی کردن اهداف و برنامه‌های خود بسیار تلاش کرده است. در این بخش به برخی از فعالیت‌های وی اشاره می‌شود:

۱- عضویت در سازمان اتحاد ملی - استروم از سال ۱۹۸۲ رسماً به عضویت سازمان اتحاد ملی درآمد. این سازمان که توسط فردی به نام ویلیام پیرس (William Pierce) تأسیس شد سعی کرده، همواره منافع مردم آمریکا را مدنظر قرار دهد و با کسانی که قصد ضربه زدن به منافع ملی این کشور را دارند، مقابله کند. استروم، نماینده ویژه ویلیام پیرس در انتشار مطالب سازمان بود. وی تا تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۰۵ در این سازمان عضویت داشت.^{۱۴}

۲- تشکیل سازمان حافظان ملی - استروم پس از اخراج از سازمان اتحاد ملی در تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۰۵ به اتفاق عده‌ای از طرفدارانش، سازمان «حافظان ملی» را راه‌اندازی کرد. فعالیت‌های این سازمان نیز عمدتاً بر محور دفاع از منافع ملی آمریکا بنیان نهاده شده است.^{۱۵}

۳- راه‌اندازی رادیو صداهای مخالف آمریکا - استروم در سال ۱۹۹۱ یک برنامه رادیویی با عنوان «صداهای مخالف آمریکا» را راه‌اندازی کرد. وی از این طریق سعی

می‌کرد هفته‌ای یک بار مردم را از مسائل مختلف و وقایع و رخدادهایی که با منافع ملی این کشور مرتبط است مطلع کند.

۴- حمایت از تجدیدنظر طلبان - از آنجا که استروم و حامیان وی در بسیاری از حوزه‌ها بویژه در مورد نقش و نفوذ یهودیان، با تجدیدنظر طلبان هم‌عقیده‌اند، همواره با آنان در تماس‌اند. استروم و سازمان متبوع وی، جلسات و میزگردهایی را با تجدیدنظر طلبان داشته و مصاحبه‌های زیادی را با برخی از شخصیت‌های مشهور تجدیدنظر طلب انجام داده‌اند. برای نمونه استروم مطالب مختلفی را در حمایت از ارنست زاندل، تجدیدنظر طلب معروف هولوکاست، از طریق وب‌سایت حافظان ملی و بویژه رادیو صداهای مخالف آمریکا منتشر کرده است.^{۱۶}

نتیجه‌گیری

درنهایت باید خاطرنشان کرد اگرچه افرادی چون کوین آلفرد استروم و سازمان‌هایی چون «حافظان ملی» و «اتحاد ملی» در آمریکا رفته رفته مورد اقبال عمومی قرار می‌گیرند، اما کماکان در اقلیت بسر می‌برند. درواقع به سبب فضای عمومی حاکم بر این کشور، صداهای مخالف کمتر انعکاس می‌یابد و به سختی با مخاطب خویش ارتباط برقرار می‌کند. از آنجا که بیشتر حملات استروم متوجه یهودیان است عمده مخالفت‌ها و سنگ‌اندازیه‌ها نیز از جانب این نژاد صورت می‌گیرد. برای مثال انجمن ضدافترا (ADL) به کرات وی و سازمان‌های متبوع وی را نژادپرست، افراطی و آنتی‌سمیتیست قلمداد کرده است استروم می‌گوید سازمان ADL، برای تخریب وی و عملکرد او بسیار تلاش کرده است اما او همچنان در جامعه آمریکا مشغول اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اطلاعات است. ■

موسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا

پی‌نوشت‌ها:

1-<http://www.jewish>

Virtuallibrary.org/jsources/Judaism/jewpop.html

2-<http://en-wikipedia>.

Org/wiki/kevinalfredstrom

3-<http://www.nationalvanguard.org/story.php?id=2482>

4-<http://www.adl.org>

5-<http://www.natvan.com/who-rules-america>

6-Ibid

7-<http://www.gwb.com.au/2000/pc/bnai15.htm>

8-Ibid

9- Ibid

10- Ibid

11- Ibid

12-<http://www.whitefreespeech.com/adu/adv081603.Html>

13- Ibid

14-<http://en-wikipedia.org/wiki/kevinalfredstrom>

15-<http://www.nationalvanguard.org/story.php?id=5460>

۱۶- برای دریافت متن کامل مطالب استروم در مورد تجدیدنظر طلبان مراجعه کنید به پایگاه <http://www.whitefreespeech.com/americanandissidentvoice.html>

(۱۸۲۰-۱۸۹۸) نخستین بار در سال ۱۸۸۱ میلادی آن را چاپ کرد. /ص ۴/

۳. تاریخ تحریر نسخه‌های خطی مورد استفاده شِفر سال‌های ۱۸۷۴ و ۱۸۷۷ است و نشان می‌دهد که این هر دو نسخه در هند قلمی شده و از رسم الخط غلط و املای نادرست کلمات و قرآینی دیگر، این گمان حاصل می‌شود که نویسندگان نسخ مزبور از فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی کمپانی هند شرقی^۱ بوده‌اند. /ص ۴/

۴. سفرنامه چاپ شفر کمتر از ده سال با نگارش نسخه‌های مورد استفاده فاصله زمانی دارد؛ و نسخه خطی قدیم‌تر تا کنون پیدا نشده؛ و نسخه‌ای که اساس چاپ شفر بوده‌است مشهور نیست؛ و در تذکره‌ها و مراجع نیز یادی از سفرنامه حاضر دیده نمی‌شود؛ و بعد از ادوارد براون، محققان دانشمندی چون دکتر غلامحسین صدیقی و احمد آتش و دخویه و پروفیسور هامیلتون گیپ به بعضی از نوشته‌های سفرنامه حاضر خرده گرفته‌اند، بویژه پژوهشگر گرانمایه، آقای دکتر دبیر سیاقی، ضمن تحشیه و تعلیقات مُتَمَتِّع^۲ و مفیدی که بر سفرنامه نگاشته‌اند ایراد و اشتباهات آن را نیز مرقوم فرموده‌اند. با ملاحظه این معانی، صحت و اعتبار مندرجاتی از سفرنامه حاضر چندان شایسته اعتماد به نظر نمی‌رسد. /ص ۱۶/

۵. در سفرنامه واژه‌هایی به کار رفته‌است که در زمان ناصرخسرو هنوز وضع نشده و تداول نیافته بود؛ از جمله واژه «سیاق» که در نیمه اول قرن پنجم هجری معمول نبوده و به جای آن کلمه «شمار» به کار می‌رفته‌است. سیاق در زمان ملکشاه سلجوقی مرسوم گشت. همچنین در سفرنامه واژه «قلاوز» ترکی را به کار برده‌است. این واژه در اصطلاحات دیوانی زمان سلجوقیان دیده نمی‌شود. نیز اصطلاح «خالصه» نه تنها در دوره غزنویان مصطلح نبوده، سلجوقیان هم آن را به کار نبرده‌اند. /ص ۱۶ (با تلخیص)/

۶. در سفرنامه از هنر نقاشی و صنعت شیشه‌سازی پیشرفته و تکامل یافته یاد شده‌است که به هیچ وجه با شرایط زمان و نوشته‌های تاریخی مطابقت نمی‌کند. /ص ۱۶/

۷. در سفرنامه، نام شخصیت‌هایی موهوم و افرادی ناشناس با القاب و عناوین مختلف درج شده‌است که از نام و نشان و سرگذشت آنان در منابع دیگر آن زمان اثری دیده نمی‌شود؛ مانند ابوالحسن گیلکی بن محمد، ابوالفتح علی بن احمد، ابوالفضل خلیفه بن علی الفیلسوف،

آیا «سفرنامه ناصرخسرو» جعلی است؟

بخش اول / محمد طیب

حاضر را تا انتها بخوانید.
باور مؤلف کتاب این است که «سفرنامه ناصرخسرو» جعلی است و نویسنده آن ناصرخسرو نیست. وی معتقد است در نگارش این سفرنامه بایست دست عوامل کمپانی هند شرقی وابسته به استعمارگر پیر و روباه مکار «دولت بریتانیا» را دید. همچنین از چرایی این اقدام و منافی که از طریق چنین جعلیاتی نصیب عاملان شده هم به تفصیل سخن رانده‌است.

در این جا تذکر این نکته لازم است که گاه مقالات محققانه و کتب مفیدی منتشر می‌گردند که پس از گذشت سال‌ها باز هم همچنان تازگی محتوایی خود را حفظ می‌کنند و این وظیفه اهل نشر است که نگذارند غبار فراموشی بر روی این دست آثار بنشیند. امیدواریم در راستای انجام این تکلیف فرهنگی، گزیده‌ای که تقدیمتان می‌کنیم باعث تشویق شما به مطالعه کامل کتاب یادشده شود.

اصل حرف

۱. نوشته‌های سفرنامه منسوب به ناصرخسرو در تمام شاخه‌های ادب و فرهنگ ایرانی در ابعادی بس گسترده نفوذ یافته و اثر گذاشته، و این اثر از مآخذ مهم تاریخ، جغرافیای تاریخی، و مردم‌شناسی به‌شمار است. نقد و بررسی عمیق و تفصیلی آن از جهات گوناگون فوایدی دربر دارد. /ص ۳۴/

۲. سفرنامه‌ای که هم‌اکنون در دست همگان قرار گرفته و چندین بار تجدید چاپ شده‌است مبتنی بر دو نسخه خطی است که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. خاورشناس نامی، شارل هانری اوگوست شِفر

مقدمه: خوب است گاهی با خود فکر کنیم دشمنان اسلام و مسلمین با سیطره فرهنگی سنگینی که در طول قرن‌ها داشته‌اند، به نام «علم» و «تحقیق» چه سوءاستفاده‌ها کرده‌اند و ما از آنچه بر سرمان آورده‌اند چقدر می‌دانیم؟ آنچه در این نوشته خواهید خواند، گزیده بخش‌هایی است از کتاب «نگاهی نو به سفرنامه ناصرخسرو» تألیف «فیروز منصوری». این کتاب سال ۱۳۷۲ با قطع وزیری در ۲۳۳ صفحه توسط شرکت انتشارات چاپخش منتشر شده است. ممکن است شتابان از خود بپرسید سفرنامه ناصرخسرو چه ربطی ممکن است با حیطة موضوعات صهیونی داشته باشد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید کمی حوصله کنید و مطلب



ابوبکر همدانی، ابوسعید بصری، ابوسعید جهود، ابوعبدالله احمد بن علی بن احمد، ابوعبدالله محمد بن فلیح، ابوغانم عبس بن البعیر، ابومنصور شهرمدان پارسی، ابومنصور محمد بن دوست، تاج‌المعالی، شیخ سدید محمد بن عبدالملک، عبید نیشابوری و لشکرخان. / ص ۱۸

۸. حکیم ناصر خسرو قبادیانی، آن مرد دانشمند و شاعر آزاده، سفرنامه ننوخته‌است. این کتاب را به نام او ساخته و از شهرت وی سوءاستفاده کرده‌اند تا تحریفات تاریخی و مطالب نادرست را موثق و معتبر قلمداد نمایند. / ص ۱۹

۹. اهل تحقیق از جمله ادوارد براون، تقی‌زاده، دبیرسیاقی و غیره را عقیده بر این است که سفرنامه شرح و بسط منشور قصیده مفصل و معروفی است از ناصر خسرو به مطلع «ای خواننده بسی علم و جهان گشته سراسر - تو بر زمی و از بَرَت این چرخ مدور» که به مسافرت وی به کشورها و شهرها اشاراتی دارد. ولی، به نظر نگارنده، تنظیم کنندگان سفرنامه این کتاب را با توجه بدان قصیده بر ساخته و به آن شاخ و برگ داده‌اند و شارحان و مفسران نیز از روی همین قصیده برای ناصر خسرو پیر و مرشدی به نام ابونصر هبة‌الدین موسی بن عمران با لقب «مؤید فی الدین» تعیین کرده‌اند؛ در صورتی که در سفرنامه از تعلیم و تعلّم یا مرید و مرادی خبری نیست.^۲

/.../ آیا در سایر کتاب‌های ناصر خسرو از تعلیم این مرشد و رهبر روحانی نام و نشانی دیده می‌شود؟ چرا مؤلفان تاریخ و سرگذشت مشاهیر در قرن‌های پنجم و ششم هجری از همچو شخصی با این شهرت و مقام یاد نکرده‌اند؟ آیا این مرشد و مربی روحانی غیر از ناصر خسرو اشخاص دیگری را نیز رهبری کرده و تعلیم داده‌است؟ / ص ۱۹ و ۲۰ (با تلخیص)

۱۰. در سفرنامه، «ناصر خسرو» خود را مردی «دبیرپیشه» می‌خواند که بارگاه سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود را دیده‌است. از سوی دیگر ابوالفضل بیهقی در «تاریخ بیهقی» به دقت از دبیران مشهور آن روزگار و کارهایشان یاد کرده‌است. شخصی به نام ناصر خسرو به عنوان دبیر، نه تنها در تاریخ بیهقی، بلکه در هیچ منبع و مأخذ ترکی و عربی و فارسی دیگری تا کنون دیده نشده‌است. / ص ۳۶ و ۳۷ (با تلخیص)

۱۱. نویسنده سفرنامه به احکام نجوم اعتقاد داشته و بر این مبنا که در مقارنه «رأس و مشتری»، «هر

حاجت که در آن روز خواهند باری‌تعالی و تقدس روا کند» به گوشه‌ای رفته و دو رکعت نماز کرده و حاجت خواسته‌است. اما حکیم ناصر خسرو به شهادت اشعار خود به احکام نجوم اعتقادی نداشته از جمله گوید: «نگیرد هرگز اندر عقل من جای - که گردون خیر داند کرد یا شر». / ص ۳۷ و ۳۸

۱۲. مؤلف سفرنامه از «طغرل بیک» یاد می‌کند به این که «بنای مدرسه‌ای فرموده بود» حال آن که به دست ترکمانان طغرل بیک در این سال‌ها مدرسه و مسجد و حصار شهرها ویران می‌شد و به غارت می‌رفت. «بنای مدرسه فرمودن طغرل بیک» و عمارت کردن آن در نیشابور، ضرب‌المثل «خانه خرس و کاسه مس»^۳ را به یاد می‌آورد. / ص ۳۸ تا ۴۰ (با تلخیص)

۱۳. نویسنده سفرنامه از ولایت‌گیری طغرل بیک و عزیمتش به اصفهان که از وقایع سال ۴۳۸ ه. ق. است، از قبل یعنی در یازدهم شوال ۴۳۷ ه. ق. یاد می‌کند!

۱۴. به جهت «زمانی» و «مکانی» مسیرهایی که نویسنده سفرنامه، شرح طی شدنشان را می‌دهد، و بعضاً شگردی که در نام‌گذاری مکان‌ها دارد، غیر عادی است. به عنوان مثال می‌خوانیم:

- راوی سفرنامه فاصله نیشابور تا بسطام را که ۳۷۰ کیلومتر است پنج روزه (دوم تا هفتم ذی‌قعدة) طی می‌کند، ولی فاصله ۲۰۰ کیلومتری مسیر بعدی را که از بسطام تا سمنان است بیست و دو روزه (هشتم ذی‌قعدة تا غرة ذی‌حجه) می‌پیماید!

- در سفرنامه می‌خوانیم: «میان ری و آمل کوه دماوند است مانند گنبدی و آن را لواسان گویند»!

- مسیر ناصر خسرو از سمنان تا قزوین که ۳۸ روزه آن را طی می‌کند، به گونه‌ای است که بی‌آن که در ری توقف کند از سمنان یک‌راست به سوی قزوین می‌شتابد! دکتر دبیرسیاقی، که به حومه قزوین آشنایی کامل دارد اشتباهات مربوط به این مسیر و جابه‌جایی مواضع جغرافیایی از قزوین تا قلعه شمیران، یادشده در سفرنامه را گوشزد می‌کند.

- از تبریز تا خوی بیست و پنج فرسنگ (۱۵۴ کیلومتر) است و از خوی تا برکری سی فرسنگ. همین فاصله پنجاه و پنج فرسنگی را ناصر و همراهانش، بی‌آن که از سرگذشت خود و چگونگی شهرها و راه‌ها و حوادث ایام سخنی به میان آورند، در مدت پنجاه و شش روز (۱۴ ربیع‌الاول تا ۱۲ جمادی‌الاولی) پیموده‌اند. / ص ۴۴ تا ۶۴ (با تلخیص)

۱۵. در سفرنامه می‌خوانیم: «در تبریز قَطْران‌نام شاعری را دیدم، شعری نیک می‌گفت، اما فارسی نیکو نمی‌دانست. پیش من آمد، دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند. و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید، با او بگفتم و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.» چون این نوشته بی‌اساس اکثر پژوهشگران و صاحب‌نظران را دچار حیرت کرده و سبب شده‌است که بر مبنای آن درباره زبان آذربایجان تفسیرها نموده و نظریات مختلفی ابراز نمایند؛ از این رو جا دارد که در این باره بیش‌تر بحث و فحص شود:

- کسی که زبان نیکو نداند (چه فارسی چه انگلیسی) نمی‌تواند شعر نیک بگوید!

- دقیقی و منجیک دیوانی نداشته‌اند تا قطران آن‌ها را در محرم و صفر ۴۳۸ ه. ق. برای ناصر خسرو بخواند!

- بررسی زندگی قَطْران نشان می‌دهد که وی اساساً در سال‌های ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ هجری قمری در تبریز نبوده‌است تا بتواند با ناصر خسرو، در آن شهر، طی این سال‌ها ملاقاتی داشته باشد! / ص ۵۴ تا ۶۳

- در سفرنامه، از یک‌سو، رودخانه دجله با نام جدید «شط‌العرب» و با آن مشخصات و محدوده خاص معرفی شده، و از سوی دیگر، حتی برای نمونه، یک بار هم نام «خلیج فارس» یا «دریای پارس» یاد نشده‌است. در حالی که در حدود العالم و نوشته‌های ابن خردادبه، جیهانی، مسعودی، استخری، مقدسی، که همگی بر ناصر خسرو مقدم‌اند، از دریای پارس یاد شده‌است. / ص ۱۲۶ و ۱۲۷

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱. کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۰۰ برای آموزش زبان فارسی شعبه‌ای در کالج فورت ویلیام در کلکته تأسیس کرد. شعبه کالج هند شرقی نیز در هیلپیری به سال ۱۸۰۶ گشایش یافت.

۲. بهره‌دهنده.

۳. در «گزیده قصاید ناصر خسرو» (به انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار) قصیده ۱۳ بیت‌های ۶۵ تا ۶۷ و ۸۹ به بعد بر مبنای وجود «مؤید فی الدین» معنا شده‌است. اصلی‌ترین بیت مورد نظر در دیوان ناصر خسرو این است: «استاد و طبییست و مؤید ز خداوند - بل کز حکم و علم مثال‌یست مصور».

۴. نظیر «از دیگ چوبین کسی حلوا نخورده» (مراجعه شود به امثال و حکم دهخدا)

شعر مقاومت

می گویند: عید آمده است

گذرگاه بسته است

از دنیای شاعران

شاخه گلی برای تو می آورم

لنگه کفشی برای «لیونی»

رو سری بی برای «مبارک»

و آفی برای دو «عبدالله»

اسماعیل!

اینجا شعب ابی طالب است یا کربلا؟

یک شعب و چند ابوسفیان؟

یک کربلا و چند یزید؟

گذرگاه را بسته اند

دل های ما گذرگاه نمی خواهد، اسماعیل

ترکش بمب های «باراک»

پیشانی بچه های ما را هم

سوزانده است

اسماعیل!

دنیا کنار پنجره هایش مرده است

کنار هزاران هزار پنجره

و خونِ کود کانت

در بورس های نیویورک

معامله می شود

مزایده خون

مزایده نفت

مناقصه عشق...

اسماعیل!

دنیا پر شده از نمرود

از فرعون

از شمر

دنیا پر از گرگ شده است

اما

تو می دانی

شانه های شیطان

با لنگه کفشی

فرو می ریزد

تو بهتر از من می دانی

فردا، فرشتگان

دوباره

در باغچه های شما

نیلوفر خواهند کاشت

بلال ها از مأذنه ها بالا خواهند رفت

سیاهی خواهد مرد

و سواحل غزه

در هیاهوی بچه ها

تنفس آبی خویش را

از سر خواهد گرفت

فضل الله قاسمی

شاخه گلی برای تو
شاخه گلی برای تو
شاخه گلی برای تو





شاهکارهای مجسمه آزادی

حمیدرضا شکارسری

۱

با آن مشعل می توانست

یک لشکر اسرائیلی را ذغال کند

با آن کتاب قطور می توانست

هزار تانک اسرائیلی را له کند

با زنجیرهای زیر پایش می توانست

دست‌های اولمرت و لیونی را ببندد

با خارهای تاجش می توانست

مبارک را به سیخ بکشد

اما مجسمه آزادی

به احترام غزه سکوت کرد ...

۲

مجسمه آزادی هرگز نگذاشت

کودکان غزه در سرمای زمستان بلرزند

با مشعل مهربانش

پیراهن آنان را آتش زد و

گرم‌شان کرد ...

۳

مجسمه آزادی

در اندوه کشتگان

گریست

غزه را سیل برد ...

۴

مجسمه آزادی

آه کشید

آن قدر سوزناک

که مانند بمبی فسفری در غزه منفجر شد ...

۵

مجسمه آزادی

با کتاب قطورش

مهربان

نگران

آتش غزه را باد زد

کباب‌ها برشته شدند ...

۶

مجسمه آزادی

با مشعل فروزانش

پرنده‌ای کباب کرد

و همراه کاروان کمک‌های انسان‌دوستانه

از راه غزه

به تل‌آویو ارسال کرد ...

۷

مجسمه آزادی

با آن که نود و سه متر بلندی دارد

از غزه دیده نمی‌شود ...

۸

مجسمه آزادی

سرک کشید غزه را ببیند

آسمان‌خراش‌های مزاحم نیویورک نگذاشتند ...

۹

هیروشیما

کره

ویتنام

افغانستان

عراق

غزه ...

تاج مجسمه آزادی

چند خارِ دیگر دارد؟

۳۹ نسیم قدس

شماره ۸ اردیبهشت ۸۸



نارگیل دریایی

محمد طیب

به تناسب محتوای این صفحات می‌توانستیم نام آن را «کشکول» بگذاریم، اما به لحاظ زمانی کمی عقب‌تر رفتیم و نامش را گذاشتیم «نارگیل دریایی»!

نارگیل دریایی درخت بزرگی است از تیره نخل‌ها که ارتفاعش تا سی متر نیز می‌رسد. کشکول‌های گرانبها از میوه همین درخت که نوعی نارگیل بزرگ و بیضی شکل است ساخته می‌شود.

قرآن کریم و تحریف‌گری یهود

استاد شهید آیت‌الله مر تظی مطهری می‌گوید: ^۱

تحریف در زبان عربی از ماده «حرف» است، یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی خود که داشته است یا باید داشته باشد. شما اگر کاری کنید که جمله‌ای، نام‌های، شعر و عبارتی آن مقصودی را که باید بفهماند، نفهماند و مقصود دیگری را بفهماند، می‌گویند شما این عبارت را تحریف کرده‌اید. مخصوصاً اگر کسی در سندهای رسمی دست ببرد، می‌گویند سند را تحریف کرده است.

تحریف انواعی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تحریف لفظی و تحریف معنوی. تحریف لفظی این است که ظاهر مطلبی را عوض کنند، مثلاً از یک گفتار عبارتی حذف شود یا به آن عبارتی اضافه شود، و یا جمله‌ها را چنان پس و پیش کنند که معنی آن فرق کند، یعنی در ظاهر و در لفظ گفتار تصرف کنند.

تحریف معنوی این است که شما در لفظ تصرف نمی‌کنید، لفظ همان است که بوده، ولی آن را طوری معنی می‌کنید که خلاف مقصد و مقصود گوینده است. آن را طوری معنی می‌کنید که مطابق مقصود خود شما باشد نه مطابق مقصود اصلی گوینده.

قرآن کریم کلمه تحریف را مخصوصاً در مورد یهودی‌ها به کار برده و با ملاحظه تاریخ معلوم می‌شود که اینها قهرمان تحریف در طول تاریخ هستند. نمی‌دانم این چه نژادی است که تمایل عجیبی به قلب^۲ حقایق و تحریف

دارد، لهذا همیشه کارهایی را در اختیار می‌گیرند که در آنها بشود حقایق را تحریف و قلب کرد. من شنیده‌ام بعضی از همین خبرگزاری‌های معروف دنیا که رادیوها و روزنامه‌ها همیشه از اینها نقل می‌کنند منحصرأ در دست یهودی‌هاست. چرا؟ برای اینکه بتوانند قضایا را در دنیا آن طوری که دلشان می‌خواهد منعکس کنند و قرآن چه عجیب درباره اینها حرف می‌زند. این خصیصه یهودیان که تحریف است، در قرآن به صورت یک خصیصه نژادی شناخته شده است. در یکی از آیات قرآن در سوره بقره می‌فرماید: أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ.^۳

ای مسلمانان آیا شما طمع بستید که اینها به شما راست بگویند؟ اینها همانا هستند که با موسی می‌رفتند و سخن خدا را می‌شنیدند، اما وقتی که برمی‌گشتند تا در میان قومشان نقل کنند آن را زیر رو می‌کردند.

تحریف هم که می‌کردند، نه از باب اینکه نمی‌فهمیدند و عوضی بازگو می‌کردند، نه، اینها ملت باهوشی هستند و خوب هم می‌فهمیدند، اما در عین اینکه خوب می‌فهمیدند، مع ذلک حرف‌ها را، سخنان را به گونه‌ای دیگر برای مردم بیان می‌کردند. تحریف همین است. یعنی پیچ دادن، کج کردن چیزی، از مسیر اصلی منحرف کردن. اینها در کتب الهی تحریف کردند. قرآن در این مورد در بسیاری از جاها یا کلمه تحریف را آورده و یا به صورت دیگری مطلب را بیان کرده است. ولی مفسرین ذکر کرده‌اند که تحریفی که قرآن می‌گوید اعم از تحریف لفظی و تحریف معنوی است. یعنی بعضی از این تحریف‌ها که صورت گرفته است در لفظ بوده و بعضی در تفسیر و در معنی بوده است نه در لفظ.

روش یهود: نفوذ در اقوام و تحریف حقایق! آموزش بزرگ انقلاب اسلامی شهید مطهری می‌گوید:

امان از دست یهود که بر سر دنیا از دست اینها چه آمد؟ یکی از کارهایی که قرآن به اینها نسبت می‌دهد که هنوز هم ادامه دارد، مسئله تحریف و قلب حقایق است. اینها شاید باهوش‌ترین مردم دنیا باشند؛ یک نژاد فوق‌العاده باهوش و متقلب. این نژاد باهوش متقلب همیشه دستش روی آن شاه‌رگ‌های جامعه بشریت است، شاه‌رگ‌های اقتصادی و البته عده‌ای این کار را کرده‌اند ولی نه به قدر کافی. الان خبرگزاری‌های بزرگ دنیا که یکی از آن شاه‌رگ‌های خیلی حساس است به دست یهود می‌چرخد، برای اینکه قضایا را تاحدی که برایشان ممکن است آن طور که خودشان می‌خواهند به دنیا تبلیغ کنند و برسانند. در هر مملکتی اگر بتوانند آن شاه‌رگ‌ها را، وسائل به قول امروزی‌ها ارتباط قدیم‌الایام کارشان این بوده. قرآن در یک جا می‌فرماید: أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ.^۴

مسلمین! شما به ایمان اینها چشم بستاید؟! آیا اینها را نمی‌شناسید؟! اینها همان کسانی هستند - یعنی الان هم روح همان روح است و الا کسی اجدادش فاسد باشند دلیل فساد حالایش نمی‌شود. اینها همان روح اجداد خودشان را حفظ کرده‌اند - که با موسی هم که بودند، سخن خدا را که می‌شنیدند، وقتی که برمی‌گشتند آن را مطابق میل خودشان عوض می‌کردند، نه از روی جهالت و نادانی، در کمال دانایی. تحریف و قلب حقایق، یکی از کارهای اساسی یهود است از چند هزار سال پیش تا امروز. در میان هر قومی در لباس و زی خود آن قوم ظاهر می‌شوند و افکار و اندیشه‌های خودشان را از زبان خود آن مردم پخش می‌کنند، منویات خودشان را از زبان خود آن مردم می‌گویند.^۵

انتقام گیری از نوع بشر

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران چنین فرموده‌اند: حدود یک‌صد سال قبل یک هسته صهیونیستی با هدف انتقام‌گیری از نوع بشر در اروپا به وجود آمد، تا به تلافی زیر فشار بودن و سرکوب و تحقیر یهودیان در ۲۰ قرن گذشته که برخی به حق و برخی ناحق بوده است، با ایجاد فتنه و فساد و دور ساختن مردم از فرهنگ انسانی فعالیت کنند که از جمله وسایل کار این هسته صهیونیستی روزنامه‌های نیویورک تایمز، واشنگتن پست، مجله نیوزویک، وال استریت ژورنال و ده‌ها رادیو و تلویزیون وابسته و فیلمسازان و کارگردانان مختلف می‌باشد که از این طریق این مخالفت علنی و تبلیغی خود را علیه جنبش‌ها و انقلاب‌های مردم، بخصوص مسلمانان عملی می‌سازند و حتی به سردمداران مرتجع منطقه خلیج فارس از ابتدای پیروزی انقلاب خط می‌دهند و جنگ افروزی می‌کنند. در آمریکا روزانه از طریق ده‌ها روزنامه ۶۲ میلیون شماره منتشر می‌شود که برخی از مقالات آن به وسیله رادیو تلویزیون‌های وابسته نیز نقل شده و صدها میلیون انسان از مطالب آن مطلع می‌شوند که این مطالب خواه ناخواه در ذهن آنها اثر می‌گذارد و پنجاه درصد این روزنامه‌ها در اختیار سرمایه‌داران می‌باشد.^۶

قطره‌ای از دریا!

آلفرد م. لیلیانتال از نویسندگان سرشناس آمریکایی در نیمه دوم قرن بیستم که خود اگر چه یهودی است ولی از مخالفان صهیونیسم سیاسی به‌شمار می‌آید، می‌نویسد: هر چه از نقش روزنامه «نیویورک تایمز» در وارونه جلوه دادن حقایق و همراه ساختن افکار عمومی آمریکا گفته شود، تنها قطره‌ای از دریاست.

«نیویورک تایمز» تنها اخباری را منتشر می‌کند که با مواضع سازگار باشد و از انتشار هر گونه مطلبی که به گونه‌ای با نظراتش منطبق نباشد خودداری می‌کند، به ویژه آنگاه که موضوع، به اسرائیل مربوط باشد. مثال برجسته این اعمال نظر در هنگام پذیرش دکترای افتخاری دانشگاه عبری بیت‌المقدس از سوی «ژان پل سارتر»^۷ جلوه‌گر شد. این روزنامه سخنان «سارتر» را بدین سان نقل کرد: «پذیرش این عنوان که آن را برای خود افتخار می‌شمارم، ارزش سیاسی دارد. این عنوان حاکی از آن است که من از آغاز پیدایش اسرائیل آن را دوست می‌داشتم و امیدوارم که شاهد پیشرفت آن در جو صلح و امنیت باشم.»

اما «نیویورک تایمز» عمداً بقیه سخن او را حذف کرد. این قسمت از سخن او در روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» آمده است: «من اعتقاد دارم که دستیابی به چنین صلحی فقط هنگامی ممکن است که اسرائیلی‌ها به مذاکره با فلسطینی‌ها بپردازند؛ زیرا من در همین حال به سرنوشت ملت فلسطین هم عنایت دارم.»^۸

مالکان یهودی نیویورک تایمز

خاندان «سولتز برگر» سال‌هاست که امپراتوری رسانه‌ای نیویورک تایمز را اداره می‌کنند.^۹ اینان یهودی‌اند.

اسامی صهیونیستی

استاد «زید ابوعنیمه» می‌نویسد: صهیونیست‌ها بر شماری از مجلات علمی - تخصصی نفوذ و سیطره دارند و از آن‌ها به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند. یکی از این مجلات «شنال جئوگرافیک» است که در زمینه جغرافیا شهرت بسیار دارد. به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها از قدیم در این مجله دست داشته‌اند، زیرا در یکی از شماره‌های سال ۱۹۱۵، در این نشریه نقشه‌ای از جهان با یک جدول توضیحی به چاپ رسید که در کنار کلمه فلسطین بر روی نقشه و جدول عبارت «سرزمین اسرائیل» درج شده است.

کسانی که سیر انتشار این مجله را از آغاز، یعنی از سال ۱۸۸۸ دنبال کرده‌اند درمی‌یابند که مسئولین این مجله در هر مسئله‌ای که به فلسطین مربوط بوده، اصرار داشته‌اند که اسامی صهیونیستی، از قبیل «سرزمین اسرائیل»، «سرزمین عهد عتیق» و «سرزمین موعود» را به کار ببرند. شمارگان مجله نشنال جئوگرافیک در سال ۱۹۸۱، یازده میلیون نسخه بود. تلاش ناموفق ولی گسترده مسئولان صهیونیست این نشریه به‌ظاهر جغرافیایی، در تحریف نام «خلیج فارس»، در

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- این بخش با اندکی تلخیص و تغییر نقل می‌گردد از: حماسه حسینی، جلد اول؛ مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا؛ تهران: تابستان ۱۳۶۸؛ صص ۱۵-۱۲.
- ۲- قلب یعنی «دیگرگون کردن چیزی را».
- ۳- آیا طمع دارید که یهودان به دین شما بگروند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود آن را تحریف می‌کنند با آنکه در کلام خدا تعقل کرده معنی آن را دریافته‌اند. (سوره بقره - آیه ۷۵).
- ۴- سوره بقره - آیه ۷۵.
- ۵- سیری در سیره نبوی؛ مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا؛ تهران: بهار ۱۳۶۸؛ صص ۱۵۵ و ۱۵۶.
- ۶- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛ گردآوری و تدوین:

بنیاد فرهنگی فاطمه‌الزهراء علیهاالسلام، ناشر: «مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»؛ تهران: زمستان ۱۳۷۳؛ ص ۶۴ (بخشی از بیانات در نماز جمعه خطبه اول مورخه ۱۵/۶/۶۴).

۷- متولد ۱۹۰۵ و متوفای ۱۹۸۰ میلادی، فیلسوف مشهور فرانسوی، از رهبران آگزیستانسیالیسم.

۸- ارتباط صهیونیستی؛ آلفرد م. لیلیانتال؛ سید ابوالقاسم حسینی، (ژرفا)؛ مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر)؛ تهران: پاییز ۱۳۷۹؛ صص ۲۴۳، ۲۶۰ و ۲۶۱.

۹- هفته‌نامه سروش؛ سال ۲۴، شماره ۱۰۸۳، مورخه ۱ تیر ۱۳۸۱؛ ص ۴۶.

۱۰- یهود در فرهنگ، تبلیغات و رسانه‌های غرب؛ زید ابوعنیمه؛ ترجمه عبدالفتاح احمدی؛ مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه؛ تهران: ۱۳۸۰؛ صص ۵۵ و ۵۶.

فلسطین در گذر تاریخ

اردیبهشت

۵ اردیبهشت / ۲۴ آوریل ۲۰۰۵ شهادت «ایاد الدویک» (۲۸ ساله) از اهالی شهر الخلیل و کشته شدن یک نظامی صهیونیستی در جریان تیراندازی نظامیان صهیونیستی در نزدیکی پل «لحول» در شمال الخلیل

۶ اردیبهشت / ۲۵ آوریل ۲۰۰۲ آغاز مذاکرات بین رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین درباره سرنوشت کسانی که از ۳ هفته پیش در کلیسای المهد محاصره شده بودند.

۷ اردیبهشت / ۲۶ آوریل ۱۹۰۹ وقوع انقلاب علیه سلطان عبدالمجید و خلع وی از قدرت به دست جمعیت ترک‌های جوان به رهبری آتاتورک و پایان خلافت اسلامی (عبدالمجید در سال ۱۹۰۰ میلادی فرمانی مبنی بر عدم اجازه اقامت بیش از سه ماه به یهودیان در فلسطین صادر کرده بود).

۹ اردیبهشت / ۲۸ آوریل ۲۰۰۲ شهادت و مجروح شدن ۲۱۱۱ فلسطینی و بازداشت بیش از ۶ هزار نفر دیگر توسط نظامیان رژیم صهیونیستی در طول ۴ هفته از آغاز عملیات «السر الوافی» (دیوار حائل)

۹ اردیبهشت / ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ تایید حکومت جدید «ابومازن» توسط مجلس قانونگذاری فلسطین

۹ اردیبهشت / ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ بمباران اتومبیل «نضال محمد سلامه» (۳۵ ساله) یکی از فرماندهان جبهه مردمی برای آزادی فلسطین توسط هواپیماهای رژیم صهیونیستی و به شهادت رسیدن وی.

۱۰ اردیبهشت / ۲۹ آوریل ۲۰۰۲ شهادت ۱۱ فلسطینی و مجروح شدن بیش از ۶۰ نفر و بازداشت ۳۰۰ نفر دیگر در حمله نظامیان رژیم صهیونیستی به الخلیل

۱۰ اردیبهشت / ۲۹ آوریل ۲۰۰۳ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه توسط «عاصف ابوحنیف» در تل‌آویو و هلاکت ۴ صهیونیست و زخمی شدن حدود ۳۰ نفر دیگر.

۱۱ اردیبهشت / ۳۰ آوریل ۱۹۲۱ آغاز انقلاب «یافا» در میان فلسطینیان علیه صهیونیست‌ها که به مدت ۱۵ روز ادامه یافت.

۱۱ اردیبهشت / ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ یورش نظامیان رژیم صهیونیستی به «رفح» و شهادت ۵ فلسطینی از جمله یک نوزاد و مجروح شدن ۱۴ نفر دیگر.

۱۱ اردیبهشت / ۳۰ آوریل ۲۰۰۳ یورش نظامیان رژیم صهیونیستی به «حی الشجاعیه» در غزه و شهادت ۱۴ فلسطینی و مجروح شدن ده‌ها نفر دیگر.

۱۲ اردیبهشت / ۱ مه ۲۰۰۲ تحویل ۶ زندانی فلسطینی تشکیلات خودگردان فلسطین، از جمله «احمد سعادت» دبیرکل جبهه مردمی برای آزادی فلسطین به نیروهای امنیتی آمریکا و انگلیس به اتهام قتل «رحبعم زئیفی»

۱۲ اردیبهشت / ۱ مه ۲۰۰۵ کشته شدن یک نظامی صهیونیستی در روستای صیدا، در جریان درگیری با دو فرمانده جنبش جهاد اسلامی که از زندان تشکیلات خودگردان فرار کرده بودند که یکی از آنان به نام «شفیق عبدالغنی» (۳۸ ساله) به شهادت رسید.

۱۳ اردیبهشت / ۲ مه ۱۹۸۲ آغاز تجاوز گسترده رژیم صهیونیست به لبنان و اشغال جنوب و منطقه جبل لبنان و بخش اعظم بیروت، پایتخت این کشور

۱ اردیبهشت / ۲۰ آوریل ۲۰۰۴ یورش نظامیان صهیونیستی به بیت لاهیا در شمال نوار غزه و شهادت ۱۲ فلسطینی و مجروح شدن بیش از ۱۰ نفر دیگر و تخریب منازل فلسطینیان

۱ اردیبهشت / ۲۰ آوریل ۲۰۰۴ آزادی «مردخای وانانو» دانشمند هسته‌ای رژیم صهیونیستی پس از ۱۸ سال حبس در زندان آن رژیم به سبب افشای در مورد سلاح‌های هسته‌ای نیروگاه دیمونا.

۲ اردیبهشت / ۲۱ آوریل ۲۰۰۱ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه «عماد الزبیدی» در اتوبوس حامل صهیونیست‌ها در «کفار سابا» واقع در شمال تل‌آویو و هلاکت ۲ صهیونیست و زخمی شدن ۱۲۸ نفر دیگر

۲ اردیبهشت / ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ ترور «بلال ابوعمشه» و «غانم غانم» از فرماندهان گردان‌های شهدای الاقصی و «ایمن براهمه» از گردان‌های «قسام» در منطقه طولکرم توسط یگان‌های ویژه مرگ ارتش رژیم صهیونیستی

۳ اردیبهشت / ۲۲ آوریل ۲۰۰۲ ترور «مروان زلوم» فرمانده گردان‌های شهدای الاقصی و یکی دیگر از همراهان وی در الخلیل توسط نظامیان صهیونیست.

۳ اردیبهشت / ۲۲ آوریل ۲۰۰۲ یورش ۳۰۰ شهرکنشین صهیونیستی با همکاری نظامیان آن رژیم به تعدادی از منازل فلسطینیان در منطقه «الشیخ جراج» در قدس اشغالی در چارچوب یهودی‌سازی قدس (نظامیان صهیونیستی خانواده‌های فلسطینی ساکن آن منازل را وادار به تخلیه کردند).

۴ اردیبهشت / ۲۳ آوریل ۱۹۵۰ اعلام ادغام کرانه‌های شرقی و غربی رود اردن در شهر اریحا

۴ اردیبهشت / ۲۳ آوریل ۱۹۹۶ برگزاری بیست و یکمین نشست شورای ملی فلسطین در شهر غزه (در این نشست چند ماده از میثاق ملی فلسطین که با به رسمیت شناختن دوسویه میان رژیم صهیونیستی و سازمان آزادیبخش فلسطین مغایرت داشت از میثاق حذف شد).

۴ اردیبهشت / ۲۳ آوریل ۲۰۰۱ بازداشت بسیاری از فعالان جهاد اسلامی و حماس توسط دستگاه‌های امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین در سراسر اراضی تحت سلطه این تشکیلات

۴ اردیبهشت / ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه توسط «احمد خالد الخطیب» (۱۹ ساله)، یکی از اعضای گردان‌های شهدای الاقصی، از اهالی اردوگاه آوارگان فلسطینی «بلاطه» در ایستگاه قطار شهرک صهیونیستی «کفار سابا» و هلاکت یک صهیونیست و زخمی شدن ۱۲ نفر دیگر

۵ اردیبهشت / ۲۴ آوریل ۲۰۰۲ موافقت «یاسر عرفات» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با محاکمه ۴ نفر از فعالان جبهه مردمی فلسطین و حبس آنها در زندان این تشکیلات به اتهام دست داشتن در ترور «رحبعم زئیفی» وزیر گردشگری رژیم صهیونیستی

۵ اردیبهشت / ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ حمله مبارزان گردان‌های عزالدین قسام به یک پست ایست و بازرسی رژیم صهیونیستی در نزدیکی الخلیل و هلاکت یک نظامی صهیونیست و زخمی شدن ۵ نفر دیگر

۱۳ اردیبهشت / ۲ مه ۱۹۰۲ مخالفت سلطان عبدالمجید دوم با پیشنهاد هر تزل برای تاسیس دانشگاه یهودی در قدس

۱۳ اردیبهشت / ۲ مه ۲۰۰۴ بمباران خودرو و ترور ۴ تن از اعضای گردان‌های الاقصی توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی در شهر نابلس.

۱۴ اردیبهشت / ۳ مه ۱۹۹۴ امضای توافق‌نامه بین رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در مورد اجرای طرح تاسیس حکومت خودگردان در نوار غزه و اریحا.

۱۶ اردیبهشت / ۵ مه ۱۹۷۴ آغاز بمباران اردوگاه فلسطینیان در لبنان
۱۶ اردیبهشت / ۵ مه ۲۰۰۲ امضای توافق‌نامه بین تشکیلات خودگردان فلسطین با نیروهای رژیم صهیونیستی درباره محاصره کلیسای المهد (براساس این توافق ۱۳ نفر از محاصره شدگان به ایتالیا و ۲۷ نفر دیگر به غزه منتقل شدند).

۱۷ اردیبهشت / ۶ مه ۲۰۰۱ شهادت «ایمان محمد حجو» طفل ۴ ماهه فلسطینی در خان یونس توسط نظامیان رژیم صهیونیستی.

۱۷ اردیبهشت / ۶ مه ۲۰۰۳ ترور «امین فاضل» (۲۹ ساله) یکی از فرماندهان گردان‌های قسام در نابلس توسط نظامیان رژیم صهیونیستی

۱۹ اردیبهشت / ۸ مه ۱۹۶۵ اعدام «ایلی کوهین» مشهورترین جاسوس رژیم صهیونیستی در دمشق.

۱۹ اردیبهشت / ۸ مه ۱۹۸۵ بازداشت شیخ احمد یاسین توسط نظامیان صهیونیستی به اتهام تاسیس جنبش مقاومت اسلامی حماس

۱۹ اردیبهشت / ۸ مه ۲۰۰۲ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه توسط «اسامه بشکار» (۱۸ ساله) عضو جبهه مردمی برای آزادی فلسطین در شهرک صهیونیستی «نتانیا» و هلاکت ۲ صهیونیست و زخمی شدن ۵۰ نفر دیگر
۱۹ اردیبهشت / ۸ مه ۲۰۰۳ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه توسط «هبه عازم سعید ضراغمه» (۱۹ ساله) از روستای طوباس در «العقوله» و هلاکت ۴ صهیونیست و زخمی شدن بیش از ۲۰ نفر دیگر

۱۹ اردیبهشت / ۸ مه ۲۰۰۴ اقدام هواپیماهای رژیم صهیونیستی در بمباران راهپیمایی مردمی در رفح که در اعتراض به کشتار این رژیم بود (در جریان این بمباران ۱۵ فلسطینی شهید و ده‌ها نفر دیگر مجروح شدند).

۲۰ اردیبهشت / ۹ مه ۱۹۶۰ ربودن آدولف آیشمن افسر نازی سابق آلمان از آرژانتین طی عملیاتی تروریستی توسط موساد و انتقال وی به سرزمین‌های اشغالی فلسطین (وی در فلسطین اشغالی محاکمه و حکم اعدام او در روز ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۱ در دادگاه مرکزی قدس صادر شد و در ۳۱ مه ۱۹۶۲ در زندان رم به اجرا درآمد. سپس جسدش را سوزاندند و خاکسترش را بیرون از آب‌های حوزه منطقه به دریا ریختند).

۲۱ اردیبهشت / ۱۰ مه ۱۹۴۹ پذیرش عضویت رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد (مشروط به اینکه اسرائیل قطعنامه ۱۸۱ در مورد برپایی کشور فلسطین در کنار اسرائیل و قطعنامه ۱۹۴ در مورد حق بازگشت آوارگان فلسطینی به میهن‌شان را بپذیرد).

۲۲ اردیبهشت / ۱۱ مه ۱۹۴۹ امضای پروتکل «لوزان» میان نمایندگان کشورهای عربی (مصر، سوریه، لبنان و اردن) و رژیم صهیونیستی
۲۳ اردیبهشت / ۱۲ مه ۱۹۷۰ یورش نظامیان رژیم صهیونیستی به اردوگاه فلسطینیان در جنوب لبنان و شهادت ده‌ها نفر از آنان.

۲۳ اردیبهشت / ۱۲ مه ۱۹۸۴ ترور «حنا مقبل» دبیرکل اتحادیه

روزنامه‌نگاران و نویسندگان عرب در قبرس

۲۳ اردیبهشت / ۱۲ مه ۲۰۰۳ بازداشت شیخ رائد صلاح رئیس جنبش اسلامی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ و رئیس موسسه عمران و آبادانی مقدسات اسلامی (الاقصی) به همراه ۱۳ نفر از رهبران این جنبش توسط یک هزار پلیس رژیم صهیونیستی

۲۳ اردیبهشت / ۱۲ مه ۲۰۰۴ شهادت ۱۲ فلسطینی و مجروح شدن بیش از ۴۵ نفر دیگر در حمله نظامیان رژیم صهیونیستی به رفح

۲۴ اردیبهشت / ۱۳ مه ۱۹۴۸ اعلام موجودیت رژیم اسرائیل توسط شورای دولت موقت این رژیم در ساعت ۴ بعد از ظهر همین روز در تل‌آویو (دقایقی پس از این امر، امریکا آن را به رسمیت می‌شناسد)

۲۴ اردیبهشت / ۱۳ مه ۱۹۴۸ کشتار مردم روستای ابوشوشه همزمان با اعلام موجودیت رژیم اسرائیل (شهادت ۵۰ کودک، زن و کهنسال فلسطینی توسط تیپ تروریستی موسوم به «گفئاتی»)

۲۵ اردیبهشت / ۱۴ مه ۱۹۴۸ پایان قیمومت انگلیس بر فلسطین

۲۵ اردیبهشت / ۱۴ مه ۱۹۴۸ آغاز حمله ارتش‌های مصر، سوریه، اردن، عراق و لبنان از شمال، جنوب و شرق به رژیم صهیونیستی، یک روز پس از اعلام تاسیس رژیم صهیونیستی (آرمان مشترک همه آنان این بود که دولت یهود را در نطفه خفه کنند. این جنگ اولین رویارویی اعراب با اسرائیل نام گرفت).

۲۷ اردیبهشت / ۱۶ مه ۱۹۴۸ ورود نیروهای اردن در جریان جنگ فلسطین به شهر قدیمی قدس

۲۷ اردیبهشت / ۱۶ مه ۱۹۴۸ اجرای عملیات شهادت‌طلبانه توسط «فواد جواد القواسمی» (۲۲ ساله) در شهرک صهیونیستی «ابراهیم ابینو» و هلاکت دو صهیونیست و مجروح شدن ۳ نفر دیگر

۲۹ اردیبهشت / ۱۸ مه ۲۰۰۴ خبرگزاری قدس (قدسنا) در ایران پس از یک دوره فعالیت آزمایشی به طور رسمی در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۲ فعالیت خود را آغاز کرد.

۳۰ اردیبهشت / ۱۹ مه ۱۹۸۵ آزادی ۱۱۴۵ اسیر فلسطینی در مقابل آزادی ۳ نظامی رژیم صهیونیستی که به دست نیروهای جبهه خلق به فرماندهی احمد جبرئیل دستگیر شده بودند (این تبادل اسرا به عملیات «الجلیل» معروف شد).
۳۰ اردیبهشت / ۱۹ مه ۲۰۰۲ ترور «جهاد» فرزند بزرگ احمد جبرئیل، دبیرکل جبهه مردمی برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل - توسط سازمان موساد از طریق انفجار اتومبیل شخصی وی

۳۰ اردیبهشت / ۱۹ مه ۲۰۰۳ عقب‌نشینی نظامیان صهیونیست از بیت حانون پس از ۵ روز محاصره این شهر و به شهادت رساندن ۷ فلسطینی و مجروحیت ده‌ها نفر دیگر

۳۰ اردیبهشت / ۱۹ مه ۲۰۰۴ ترور «مازن یاسین» فرمانده گردان‌های قسام توسط نظامیان رژیم صهیونیستی در قلقلیه

۳۱ اردیبهشت / ۲۰ مه ۱۹۴۷ قتل عام فلسطینیان توسط مزدوران گروهک تروریستی هاگانا در یک حمله مسلحانه و وحشیانه به قهوه‌خانه روستای «فجه» در شهر اشغالی «بتاح تکفا»

۳۱ اردیبهشت / ۲۰ مه ۱۹۹۳ ربودن مصطفی دیرانی مسئول مقاومت مومنه جنبش امل لبنان توسط یک گروه تروریستی و کماندویی رژیم صهیونیستی، با استفاده از دو فروند بالگرد نظامی.



روى خط خبر



از طریق تونل‌های زیرزمینی را متوقف سازیم و هدفمان از بمباران دائمی شمال غزه چیست؟ آیا قدرت‌نمایی و عرض اندام است یا سیطره بر مناطق تحت سلطه حماس؟ این عملیات چه نقشی در آزادی شالیت داشت؟

این افسر صهیونیست افزود: جنگ غزه با شروط بسیار ناامیدکننده‌ای خاتمه یافت که ما هرگز شروطی ناگوار چون آن را در دوره بعد از جنگ لبنان شاهد نبودیم و با قطعنامه ۱۷۰۱ مسائل بسیاری به نفع ما تمام شد. وی ادامه داد: اما در غزه این چنین توافقنامه‌ای در کار نیست و ما هیچ ابزار فشاری نداریم تا به کار گیریم و تاکید کرد که ارتش در دستیابی به اهداف راهبردی نیز عاجز ماند و دستاورد نظامی چندانی هم نداشت. گازیت افزود: هدف از این حمله به هیچ وجه مقابله با موشک‌های فلسطینی نبود (چراکه این موشک‌ها اصولاً تأثیری بر اسرائیل ندارد و نمایش‌های بعد از سقوط این موشک‌ها نیز تنها برای فریب افکار عمومی جهان است) بلکه هدف از حمله عرض اندام نظامی و شکل دادن یک توان بازدارندگی بسیار بالا بود که از مدت‌ها پیش تضعیف شده بود. وی گفت که شاید ارتش برای این مأموریت آماده بود، ولی ناتوانی در تصمیم‌گیری در سطح نظامی باعث شد اهداف خاصی دنبال نشود و نتایجی نامناسب حاصل شود. وی از حکومت اسرائیل انتقاد کرد که خود را به این مسائل مهم ملزم نکرده و یا حتی توجیهات و پیشنهادهایی برای بررسی آنها در آینده نیز ارائه نکرده و از این رو عملکرد بسیار ضعیفی داشته است.

اسرائیل در برابر ایران هسته‌ای شکست خورد

به نوشته یک روزنامه عبری، گفته‌های رئیس اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که ایران در فعالیت هسته‌ای خود از «آستانه فنی» عبور کرده و این به معنای شکست تل‌آویو در برابر تهران است. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه هآرتس، سخنان «عاموس یادلین» رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل درباره پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، به آن معناست که هم‌اکنون همه چیز به تهران بستگی دارد. روزنامه هآرتس در ادامه بار دیگر با هدف فرافکنی درباره برنامه هسته‌ای ایران نوشت: پیشرفت‌های هسته‌ای ایران به این معنی است که اگر تهران بخواهد می‌تواند اولین سلاح هسته‌ای خود را تولید کند، اما اگر ایران تصمیمی برای این کار نداشته باشد، اتفاق ذکرشده هرگز رخ نمی‌دهد و این نتیجه‌گیری به این

ارزیابی رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل از موقعیت کنونی ایران

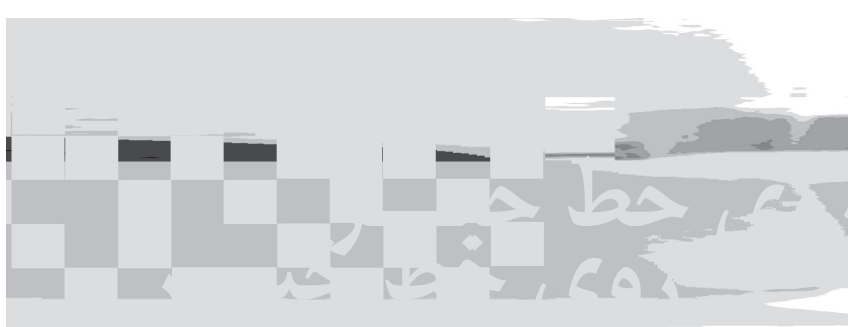
«گیورا آی‌لاند» رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل تاکید کرد که این رژیم هیچ شانس برای پیروزی در برابر ایران در یک عملیات نظامی نخواهد داشت.

این ژنرال ذخیره ارتش رژیم اسرائیل تاکید کرد: ما نمی‌توانیم با جنگنده‌ها و نیروی هوایی که امروز در اختیار داریم به ایران ضربه نظامی وارد کنیم و ایران را به برافراشتن پرچم سفید واداریم و شکست و سرکوب این کشور را با گفتن این جمله که ایران برنامه هسته‌ای‌اش را متوقف خواهد کرد، اعلام کنیم. آی‌لاند که کوشید تهران را به افراطی‌گری و رادیکالیسم متهم کند، گفت: غیرممکن است که انتظار داشته باشیم تهران به شکست اعتراف کند زیرا رهبران ایران به رغم تحریم‌های اقتصادی و سیاسی مسیر خود را دنبال خواهند کرد. این ژنرال بازنشسته گفت که بزرگ‌ترین خطر این عملیات، شکست آن است که در این صورت اسرائیل سه بار هزینه خواهد پرداخت: اول این که به پیروزی نرسیده است، دوم اینکه به جهانیان اثبات می‌شود که نیروی بازدارندگی اسرائیلی خیالی است و سوم اینکه جهان، اسرائیل را متهم می‌کند که رژیمی ستیزه‌جوست. وی افزود که ایران امروز، عراق ۱۹۸۱ یا سوریه ۲۰۰۷ نیست و واکنش‌ها به حمله هم تنها به واکنش همین کشور محدود نمی‌شود، بلکه به زنجیره‌ای از واکنش‌ها در منطقه خواهد پیوست.

وی با این ادعا که از دید بنیامین نتانیاهو رئیس حزب لیکود فرصت حمله نظامی به ایران از برهه تابستان ۲۰۰۹ تا تابستان ۲۰۱۱ خواهد بود و این محدوده زمانی بر تصمیمات حکومت احتمالی نتانیاهو تأثیر خواهد گذاشت، افزود: تا زمانی که تلاش‌های غرب برای متوقف‌سازی برنامه هسته‌ای ایران ادامه داشته باشد، اسرائیل فرصت حمله به ایران را نخواهد داشت و بدون همکاری با آمریکا نیز چنین توانی در خود مشاهده نمی‌کنیم.

اعتراف رئیس سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل: نتیجه ما از جنگ ۲۲ روزه تضعیف قدرت بازدارندگی اسرائیل بود

ژنرال بلندپایه ارتش اسرائیل اعتراف کرد که نتایج حمله به غزه برای ارتش این رژیم بسیار شرم‌آورتر و بدتر از نتایج جنگ با حزب‌الله لبنان بوده است. به گزارش خبرگزاری قدس (قدسنا) به نقل از روزنامه صهیونیستی «معاریو» شلومو گازیت رئیس اسبق دستگاه اطلاعاتی ارتش «آمان» با سوالاتی خطاب به شهرکنشینان به‌عنوان حامیان اول جنگ ضد غزه تاکید کرد: ما چه نتیجه‌ای از جنگ غزه حاصل کردیم، جز این که نیروی بازدارندگی را تضعیف کردیم؟ وی افزود: ما چگونه خواهیم توانست انتقال سلاح از صحرای سینا به غزه



معناست که اسرائیل از طریق «معبر داگان» رئیس موساد، کسی که اعلام می‌کرد اولویت اول او متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران است، شکست خورده است.

هاآرتص در ادامه نوشت: «آستانه فنی» یک واژه اطلاعات نظامی است که برای بیان

قطعیت چیزی استفاده می‌شود: نقطه بدون بازگشت آستانه فنی به معنای آن است که ایران کاملاً به دانش و توانایی لازم برای نحوه استفاده از مواد هسته‌ای برای مقاصد مختلف دست یافته است و اگر تهران بخواهد، وسایل و تجهیزات لازم برای غنی‌سازی اورانیوم در مقیاس خطرناک را در اختیار دارد.

رژیم صهیونیستی از زمان جدی شدن بحث پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و از آنجا که اوباما وعده مذاکره با ایران را در صورت پیروزی در این انتخابات داده بود، نگرانی خود را از این مذاکرات اعلام داشت و تلاش کرد تا دولت جدید آمریکا را از این تصمیم منصرف سازد، اما با تعیین مشاور ویژه ایران در دولت اوباما، تل‌آویو هم اکنون رویه جدیدی را آغاز کرده و در نظر دارد تا با تعیین این خطوط قرمز، نبض اقدامات آمریکا در قبال ایران را در دست بگیرد.

سومین باشگاه روتاری اسرائیل در امارات

سومین شعبه باشگاه روتاری به دور از چشم رسانه‌ها در امارات متحده

عربی طی مراسم باشکوهی تاسیس شد. به گزارش خبرگزاری قدس (قدسنا) به نقل از شبکه ندای قدس، سومین شعبه این گروه حامی رژیم صهیونیستی، فوریه گذشته در مراسم گسترده‌ای و با حضور شماری از شخصیت‌های جهانی افتتاح شد.

به نوشته مطبوعات اماراتی، اکنون شمار زیادی از شخصیت‌ها و بازرگانان

اماراتی به عضویت این باشگاه درآمده و حتی به اینکه عضویتشان در آن پذیرفته شده و کمک‌هایشان به آن مورد قبول قرار گرفته فخر و مباهات می‌کنند.

در حالی این گروه یا باشگاه فعالیت خود را در امارات متحده عربی گسترش می‌دهد که با جستجوی کوتاه در موتورهای جستجوی اینترنتی شاهد آن خواهیم بود که حمایت مستقیم از رژیم صهیونیستی در راس اولویت اهداف آن است.

درواقع این گروه که ظاهراً برای فعالیت‌های خیرخواهانه تشکیل شده، حامی مستقیم صهیونیست‌ها و اصولاً یک باشگاه صهیونیستی است که به همین منظور تاسیس شده و اعضای یک میلیون نفری آن با این هدف گرد هم آمده‌اند.

به اعتقاد برخی از کارشناسان، در حالی که برخی از اعضای برجسته این روتاری با درایت کامل و علم به حمایت از رژیم صهیونیستی در آن عضویت و فعالیت دارند، اما برخی دیگر تنها برای فخرفروشی سعی در متصل کردن خود به آن هستند.

این مطبوعات با اشاره به ناآگاهی بسیاری از اعضای اماراتی از طرف‌های ذی‌ربط خواستند تا به اماراتی‌ها درباره ادامه فعالیت در این گروه صهیونیستی هشدار داده شود.

ادامه مطلب صفحه ۲۷

عزالدین قسام به یک موضع نظامی صهیونیست‌ها در منطقه کیسونین حمله کرد، ولی خودروی حامل وی قبل از رسیدن به موضع، منفجر شد و خود وی نیز به شهادت رسید.

تذکر: درباره عملیات تدافعی حماس در نوار غزه، طی جنگ ۲۲ روزه ابتدای سال ۲۰۰۹ میلادی، که به نبرد فرقان مشهور شد، به لحاظ اهمیت و تکمیل اطلاعات و آمار، مستقلاً خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ملا ابراهیمی، عزت، فرهنگ معاصر فلسطین، شخصیت‌ها و جنبش‌ها، تهران، موسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۲، ص ۲۱۸.
۲. محمدرضا حاجیان، «سازمان و تشکیلات حماس»، ماهنامه تحلیلی - خبری نهضت، سال دوم، ش ۲۳ (خرداد ۱۳۸۱) ص ۱۸.
۳. پیشین.
۴. منبع شماره ۲، صص ۲۱ - ۱۹.

دانست. در همین زمینه نیز در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۹ (۲۰۰۲/۱/۹) شاخه نظامی حماس توانست با یک عملیات دقیق و حساب شده، با یورش به یک پایگاه نظامیان صهیونیست در رفح چهار تن از آنها را به هلاکت برساند و چند تن دیگر را نیز زخمی کند. در این عملیات دو تن از مجریان عملیات نیز به شهادت رسیدند. این عملیات ثابت کرد که حماس توان بسیار بالایی برای اجرای عملیات علیه واحدهای نظامی دشمن دارد و احتمالاً در آینده قادر خواهد بود ضربات بیشتر و کاراتری را به صهیونیست‌ها وارد آورد.

جنبش حماس در ژوئیه ۲۰۰۲ (تیر ۱۳۸۱) نیز چند عملیات ضد صهیونیستی انجام داد، مانند:

- ۱- عملیات شهادت طلبانه دوگیت
- ۲- عملیات شهادت طلبانه کیسونین: در این عملیات، یک مجاهد عضو گردان‌های

بیانیه جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

در خصوص اجلاس جهانی ژنو سوئیس معروف به «دوربان ۲»

پایه های پدیده صهیونیسم ستیزی و ضدنژادپرستی است. آنچنان که صهیونیست ها و دوستان و متحدان آمریکایی و اروپایی آنها با همه امکانات و ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و رسانه ای، خود را در برابر امواج این زلزله جهانی (به تعبیر خود) ناتوان و عاجز و بلکه شکست خورده می بینند.

جهان در حالی شاهد و ناظر این رویدادهای بزرگ و نویدبخش است که متأسفانه هنوز برخی دولتمردان و حکام و رسانه های وابسته و یا اشخاص کم خرد سیاست باز، همچنان بر تنور عناد و لجاجت در برابر حقیقت آشکار می دمند و با دیورگی تمام خود را در صف دشمنان امت اسلامی و آزادگان جهان قرار می دهند. تأسف بارتر آن که در داخل کشور ما نیز رگه های شوم و نامیمون این جریان جهانی و منطقه ای با رنگ و لعاب متفاوت، هر از چند گاهی رخ می نماید. تلاش های کوتاه بینانه، سیاست بازانه، عنادگرانه و لجبازانه برخی جریان های سیاسی، اشخاص و رسانه ها در غالب اغراض سیاسی و انتخاباتی یا تحت بهانه های بنی اسرائیلی، در برابر چنین دستاورد بزرگی که مایه اقتدار و غرور ملی مردم ایران است به توطئه سکوت، منفی بافی، تحلیل های انحرافی و توجیهات فریبکارانه سیاسی متوسل می شوند.

به هرروی، حلقه های توطئه های پی در پی و پنهان و آشکار صهیونیسم و برخی دولت های آمریکایی و اروپایی حامی و هم پیمان صهیونیست ها و نیز وابستگان منطقه ای آن ها از طرفی و بعضی کج فکری ها و سوء تدبیرهای داخلی از طرف دیگر، هیچ کدام از ارزش و اهمیت دستاوردهای بزرگ دوربان ۲ در عرصه مبارزات ضدصهیونیستی و ضدنژادپرستی نمی کاهد و اقدامات و عملکردهای یادشده مرهمی نیست که برای زخم های کهنه و چرکین صهیونیسم مفید و موثر واقع شود.

فریاد ضدنژادپرستی و تبعیض نژادی «دوربان ۲» از قلب اروپا و دنیای غرب بر بلندای جهان طنین افکند و نوید داد که جنبش جهانی صهیونیسم ستیزی هم چنان در حال گسترش و افزایش است.

جمعیت حامیان آزادی قدس شریف، با اعلام حمایت و قدردانی از مواضع اصولی راهبردی و افتخارآمیز و غرورآفرین رئیس جمهور اسلامی ایران در اجلاس ژنو، اعتقاد راسخ دارد که جنبش جهانی صهیونیسم ستیزی بخشی از امواج بیداری عمومی در دنیای معاصر و مرهون و ملهم از نهضت جهانی اسلام و بیداری اسلامی است که در پرتو نابودی و محو تمام مصادیق ظلم، تبعیض نژادی، نژادپرستی و در نهایت استقرار عدالت جهانی، آزادی قدس و سرزمین فلسطین و رهایی فلسطینیان را بشارت می دهد.

روابط عمومی جمعیت حامیان آزادی قدس شریف

۱۳۸۸/۲ اردیبهشت

۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۰

اجلاس ضدنژادپرستی و تبعیض نژادی ژنو سوئیس مشهور به «دوربان ۲» نمایش و مظهر تمام عیار جنبش جهانی ضدنژادپرستی مردم آزاده سراسر جهان بود.

علی رغم تحریم اجلاس از سوی آمریکا، اسرائیل و بعضی از دوستان و هم پیمانان آن ها، مشارکت و حضور فعال چند هزار سازمان مردم نهاد (N.G.O) از سراسر جهان به علاوه مقامات برجسته و عالی رتبه دولتی حدود یکصد و پنجاه کشور از پنج قاره مختلف، این اجلاس را به نماد گردهم آیی ملت های سراسر عالم تبدیل کرده بود.

آنچه اجلاس ضدنژادپرستی «ژنو» را بیش از پیش برجسته نمود و در مرکز توجه جهانیان قرار داد، سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی ایران بعنوان اولین ناطق و عالی ترین مقام دولتی بود.

مواضع محکم و قاطع ایشان در تبیین ماهیت و عملکرد خونبار نژادپرستان تاریخ معاصر جهان و مصادیق تبعیض نژادی دنیای کنونی که با پیام توحید، عدالت گستری و نصر و فرج مزین بود، فضای اجلاس را کاملاً تحت تأثیر قرار داد و هنگامی که تعدادی جوانک یهودی به همراه نمایندگان معدودی دولت های غربی، چون فرزند خوانده های اسرائیل، باهماهنگی قبلی و سناریوی از پیش طراحی شده، سعی در اخلاف و اختشاش و برهم زدن برنامه و ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی صهیونیسم پسندی را داشتند، با هوشیاری، تدبیر و شرح صدر دکتر احمدی نژاد، این توطئه خنثی و بلکه موجب رسوایی و شرمساری دار و دسته صهیونیست ها و دوستان غربی آنها شد. پیام و بازتاب این اجلاس صف نژادپرستان و حامیان تبعیض نژادی و نژادپرستی را از مخالفان و دشمنان آن جدا و ماهیت آنها را بیش از گذشته هویدا نمود و بلکه در ترازوی سنجش جهانیان قرار داد.

تبیین ماهیت نژادپرستانه رژیم صهیونیستی و جنایات صهیونیست آنان در پوشش افسانه ساختگی هولوکاست، در سرزمین فلسطین و علیه فلسطینیان و به علاوه حمایت و پشتیبانی بعضی دولت های غربی از آنها و پخش اخبار آن از طریق شبکه های تلویزیونی و فرستنده های رادیویی سراسر دنیا، آن چنان در فضای جهان طنین انداز شد که رهبران محافل صهیونی از آن با عنوان «زلزله» ای یاد کردند که پایه های موجودیت صهیونیست ها را در دنیای غرب و به ویژه فلسطین اشغالی به لرزه درآورد.

تشویق و ابراز احساسات ممتد و گسترده و مکرر حاضران اجلاس و استقبال کم نظیر نمایندگان چندین هزار سازمان مردم نهاد غیردولتی و بیش از یکصد نماینده بلند پایه دولتی، از سخنان و مواضع رئیس جمهور ایران، بیش از همیشه آشکار و اثبات نمود که تنفر و انزجار از صهیونیسم به عنوان مصداق بارز و مظهر نژادپرستی و تبعیض نژادی، در نزد افکار عمومی به یک جنبش فراگیر جهانی تبدیل و بلکه نهادینه شده است. آنچه امروز موجب سردرگمی سیاسی و پریشانی فکری رهبران و سران سازمان های ذی نفوذ صهیونی و رژیم غاصب اسرائیل از یک سو و دولت های هم پیمان و حامی صهیونیست ها شده، روند روبه افزایش و گسترش این بیداری عمومی و تحکیم

جدول اختصاصی (۸)

با جایزه

اکبر عزیززاده اعتمادی

افقی:

۱- سیاست جرثومه فساد رژیم صهیونیستی که نمادی از این قبیل اعمال وحشیانه با هدف کوچ و جابجایی فلسطینیان از سرزمین خود است - درون و داخل - قدم یکپا ۲- از جنبش های جناح راستی در اسرائیل که در سال ۱۹۷۷ باعث به قدرت رسیدن مناخیم بگین شد ۳- وام و قرض - واسطه - لباس شنا ۴- نمو - تا آنکه - پر خاش و عتاب - گور ۵- خیس - رایحه - یکی از اعضا مهم جینسا موسسه یهودی امور امنیت ملی - به هر یک از رهبران جنبش نژادپرست حسیدیم گفته می شود- آخرین بازمانده نازی ها ۶- صفحات شخصی در اینترنت - یک چهارم - زمان مرگ ۷- ترویج آن در جهان از اصول بی چون و چرای صهیونیست ها است - یکی از گزینه هایی که در هفتمین کنگره صهیونیست برای مهاجرت یهودیان مطرح بود و به ارجحیت فلسطین منجر شد - مربوط به حال حاضر ۸- زه کمان - یکی از اردوگاه های آوارگان فلسطینی در جنوبی ترین منطقه نوار غزه و در مرز مصر- یکی از دو رود پرچم اسرائیل- شهر آدامس ۹- شهری که در چهارم مه ۱۹۹۴ در آن توافق نامه غزه، اریحا در چارچوب فرایند صلح خاورمیانه به امضاء رسید - یگانه - درنگ کننده در ادای دین

توجه:

- ۱- لطفا پس از حل جدول، اصل یا کپی آن را با ذکر مشخصات و نشانی کامل، تا تاریخ آخر خرداد ۱۳۸۸ به نشانی دفتر نشریه ارسال کنید.
- ۲- به سه پاسخ صحیح، به قید قرعه جایزه داده می شود.
- ۳- لطفاً روی پاکت بنویسید: مربوط به جدول شماره ۸

حل جدول شماره ۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

گیلکی - یکی از بلاد - شهری از توابع همدان - امیر قبیله ای کوچک ۵- یز وارونه - ام البشر - راه کوتاه - عدد روستا - ماه دیروز ۶- رها و یله - بازی اشرافی - خیزران و نی هندی ۷- مصباح و چراغ آویز - پیامبری که همتای سیدالشهداء بود - خداحافظی ۸- پینه و تکه پارچه ای که بر پارگی جامه دوخته شود - در اشتباهی - زراعت و کشاورزی - دعایی که بر کاغذ نوشته و بر بازو بسته شود ۹- زبان کوچک در بیخ حلق - شهری در استان ریح - انباشته شدن بر روی هم ۱۰- نماینده دولت سوریه در کنفرانس مذاکرات صلح مادرید - نو و تازه به زبان آذری - نمونه و طرح ۱۱- خط کش مهندسی - پروردگار - تمام و همه - عطیه و بخشیدنی - علامت مفعول بیواسطه ۱۲- نشان و داغ کردن - عملیات قالی سحرآمیز برای کوچاندن یهودیان این کشور صورت گرفت - حاخامی که بر اساس اندیشه هایش می توان وی را بنیانگذار صهیونیسم مذهبی نوین تلقی کرد - از ماه های شمسی ۱۳- وجه اشتراک اسب و شیر - سازمان جهانی امنیت اسرائیل - جمع کفو به معنی همسر ۱۴- اجزای مختلف این برنامه از سوی کانون های یهودی برای کشورمان در زمان پهلوی طراحی و ارائه شده بود ۱۵- تئودور هرتزل نویسنده کتاب دولت یهود با الهام از این امر صهیونیسم را برگزید - اهرامش در مصر است.

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

۱۴۷ نسیم قدس

شماره ۸ اردیبهشت ۸۸

